

نوروزتان پیروز

در این شماره:

- جشن نوروز خجسته باد
- ششم فروردین زاه روز زرتشت فرخنده باد
- نوروز و زرتشتیان یزه
- سیمای آموزگار راستی
- دکتر سیروس موبد، پزشک برجسته ایرانی
- دانشگاه سپنتا
- هنرمند جوان ایرانی
- بازمانده های فرهنگی



ماهنامه زرتشتیان



• فرهنگی، دینی، خبری، اجتماعی، پژوهشی، ادبی

• بهار ۳۷۴۷ دینی زرتشتی برابر با ۱۳۸۸ خورشیدی برابر با ۲۰۰۹ ترسای

• شماره سیزدهم، تیراژ ۱۰ هزار تا شماره ویژه نوروز

• سردبیر: مهرداد ماندگاری
• زیر نگر:

• گروه انتشار مرکز زرتشتیان کالیفرنیا و مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

• زمان انتشار: هم اکنون هر سه ماه یکبار
• رایانه: رامین شهریاری

• تایپ و صفحه بندی از: حسن علیزاده
• چاپ: LA WEB PRESS

• پخش از: واهیک آبقاریان

• همکاران گروه انتشار:

• شهروز اش، موبد بهرام دبو، دکتر نیاز کسروی، نسرين اردیبهشتی، دکتر زرتشت آزادی، مهرداد ماندگاری، مهزاد شهریاری، موبد دکتر رستم وحیدی

• دیگر همکاران که ما را در این شماره یاری دادند: جمشید پیشدادی، توران بهرامی شهریاری، خداداد خدابخشی، دکتر سیروس موبد، موبد کورش نیکام، دکتر ناصر انقطاع، دکتر خسرو خزایی، دکتر پرویز کویایی، پرویز منوچهری، دکتر برزو نجمی، دلارام سلامتی، شهریار افشاری، فرید شولیزاده، اردشیر باغخانیان، مهرداد بانکی، بهرام بانکی، رویا والتمن، شهریار افشاری

• ماهنامه زرتشتیان وابسته به مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از همه ی نویسندگان نوشتار می پذیرد. نوشتارها می باید با خط خوانا نوشته شده باشد. گروه انتشارات در ویرایش و کوتاه کردن نوشته ها آزاد است و نوشتارهای رسیده بازگردانده نمی شوند.
• نگرها و پیشنهادهای نویسندگان در نوشته ها رای و نگر ماهنامه زرتشتیان و یا مرکز زرتشتیان نمی باشد.

• با یاری و سپاس از سایت های:

CZC.org
Oshihan.org
Amordad.net
Kniknam.com

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از شما درخواست می کند که نوشتارها، فرتورها (عکس ها) و پیشنهاد های خود را به نشانی info@czcJournal.org برای مرکز بفرستید. فرتورهای برگزیده با نام فرستنده چاپ خواهد شد.

در تارنمای www.czcJournal.org می توانید نشریه های مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

سخن تحت

یادداشت سردبیر

فرارسیدن نوروز جمشیدی و ششم فروردین، زادروز اشوزرتشت را به همگان شادباش می گوئیم و تندرستی و دیرزیوی شما را از خداوند آرزو داریم. امسال همراه با رسیدن بهار آغاز چهارمین سال ماهنامه زرتشتیان نیز می باشد. این شماره که ویژه نوروز است در ۳۲ برگ فراهم شده و اکنون در دسترس شماست. مهر شما خوانندگان و پشتیبانان ماهنامه زرتشتیان در سراسر آمریکاست که همواره ما را دلگرم می کند.

باشد که این دوران را زمان مهر و دوستی بیشتر با دوستان و هم میهنان خود بدانیم و با آنانی که از ما دور و جدا هستند را بیاد آوریم و آنان را با تلفن و نامه یاد کنیم.

در اینجا جا دارد که نیایش نوروزی که از سوی انجمن موبدان تهران برایمان فرستاده شده را برایتان به برگردان پارسی نوشته تا شما هم این نیایش نوروزی را در هنگام نوشدن سال بر سر خوان هفت سین و با همه ی باشندگان خانواده بخوانید. همواره تندرست و شادکام باشید.

نیایش نوشدن سال نو

بنام اهورامزدا

اثنوی خوشبختی است و خوشبختی از آن کسی است که خوانان خوشبختی دیگران باشد.
تورا ای اهورامزدا می پرستم که قانون اشارانیا نهادی،
آبها و گیاهان و روشنایی آفریدی و جهان و همه چیز را نیک آفریدی.

می ستایم روان یلان و پهلوانان و مردان و زنان نیک اندیشی که با نیکی در برابر بدی با بر می خیزند.

می ستایم مردان و زنان نیک اندیش و جاودانه را که همواره با منش پاک زندگی می کنند و همواره سودرسان می باشند.

همان شود که آرزو کردیم بشود که ما هم از پاکان و نیکان باشیم.

بازوریم، بازور نیلکارانیم، دور از گناه و گناه کارانیم.

هم رد. بسته کشیمان و نیکان و به مان بهشت کشور زمینیم.

دیرزیویم، درست زیویم، شادزیویم، تاززیویم به کام زیویم.

گیتی مان باد به کامه تن، میومان باد به کامه روان

بازوریم، بازور با شویم. اشم و هو (تاسر)

این چنین باد که آرزو داریم

یادداشت ارباب کیخسرو و شاهرخ

سروده: بانو توران بهرامی (شهریاری)

به ارباب کیخسرو پاک و راد ز ایرانیان آفرین باد، باد خود در نهادش خدا داده بود دل آگاه و دانا و آزاده بود ورا مام در شهر کرمان بزاد اهورا به او عشق و تدبیر داد به کرمان چو تحصیل او شد تمام سرانجام آن بخرد نیکنام بشد سوی هندوستان رهسپار که تا بهره ها بگیرد از آن دیار در آنجا بیاموخت درس و زبان در این راه سرآمد سد از همگنان به اصل سه نیکی چو پایبند بود وطن خواه و راد و هدفمند بود به کرمان چو آن دیده رو بازگشت به شایستگی کارش آغاز گشت ولیکن پس از چندی آن بخت بار به تهران سفر کرد از بهر کار وجودش پر از عشق و امید بود امیدش به ارباب جمشید بود هم ارباب جمشید روشن روان به او داد کاری بزرگ و گران چو ارباب کارآیی از او بدید پس از خود، ورا بهر مجلس گزید بدینسان شد آن بخر کاردان نماینده از سوی زرتشتیان ز دور دوم او نماینده گشت چراغی فرا راه آینده گشت بسی کارهای گران کرد او گران کارها را به جان کرد او به راه هدف کرده او کارها به جا مانده از او نوشتارها نوشتارهایش بود بهر دین نمودار فرهنگ ایران زمین چو مزدپرست و بهی کیش بود زجان خادم میهن خویش بود به مجلس زجان و ز دل کرد کار بماندست اثرها از او یادگار پی ارج آن مرد روشن روان به پا گشت تندیش اکنون در آن نمودست او خدمت شایگان به فردوسی ایزدی آرمان برای ابر مرد ایران ستا نمودست آرامگاهی به پا که اکنون زیارتگاه مردم است چو نیکی ستایی ره مردم است به تهران هم او ساخت آتشکده بیفروخت آتش به جشن سده مدارس به پاکرد در آن زمان چو «فیروز بهرام» و «نوشیروان» در آن کار اندیشه انگیز و نیک دو فرزانه پارسی شد شریک چو داد و دهش زان دو پایان گرفت مدارس به پا گشت و سامان گرفت مدون شد از سعی آن پاک جان هم احوال شخصی زرتشتیان دریغا و دردا که در تیرماه به سوی خداوند بسپرد راه به پایان اگر چند جان باخت او به راه وطن عمر پرداخت او روانش به مینو جهان شاد باد به نیکی از او در جهان یاد باد

پزشک برجسته ایرانی دکتر سیروس موبد

آشا



از: دلآرام سلامتی ۱۶ ساله

در گاتها واژه های زیادی وجود دارد که انسان را در شگفتی فرو میبرد و درک معنی (چم) بنیادی آنها بسیار سخت میباشد. یکی از این واژه ها آشا می باشد. از یک سو نمی توان چم یا معنی بنیادی این واژه را بیان کرد و از سوی دیگر این واژه بیشترین کاربرد را در گاتها دارد و اشوزرتشت پایه دین خود را بر این آشا بنا نموده است. تمامی پژوهندگان، دانشمندان و اوستاشناسان آشا را قانون هستی، قانون ایزدی، قانون تغییرناپذیر طبیعت، سروسامان آفرینش و نظم جهان و در واژه «راستی» دانسته اند.

به درستی می توان گفت یکی از قوانین جهان و شاید مهمترین قانونی که جهان بر آن استوار است، راستی است ولی باید گفت که «آشا» معنایی ژرف و گسترده دارد که دریافت آن آسان نیست. اگر چه اشوزرتشت درک اصلی «آشا» را به ما واگذار کرده است، اما در گاتها اشاراتی به آن می شود. در هات ۲۹ بند آمده است که «آیا چنین نیست که آفریدگار تو را برای نگهداری آفرینش آفرید و ماموریت نگهداری جهان را به تو بخشید.»

بنابراین اهورامزدا تمامی آفریده های مادی و معنوی خود را بر پایه قانونی آفریده است که اشوزرتشت آن را «آشا» نامیده است.

آشا جلوه ای از داد اهورایی است که به گونه رایگان در پیش ما گذاشته شده و با استفاده از آن (درست استفاده کردن) می توان به آماج اصلی در زندگی رسید.

آشا قانون پیشرفت و تکامل است. کوشش در راه نو شدن جهان لازمه ی آشا است.

لازمه ی پیشرفت و تکامل، کوشش و پشتکار است و تنبلی ناپسند است.

دین زرتشت، دین نوحواهی و تازه شدن است و هر کسی که در راه پیشرفت و آبادانی جهان بکوشد در خور سپاس و ستایش است. همانگونه که اشوزرتشت در گاتها یسنا ۳۰ بند ۹ فرموده است «بیایم از کسانی شویم که این زندگانی را تازه می کنند و جهان را از نو می سازند.» بی گمان آفرینش جهان و پیدایش موجودات و پدید آمدن زندگی بی هدف و بی دلیل نیست. راه زندگی برای رسیدن به هدفی است که باید آن را شناخت و در سوی آن حرکت کرد. گات ها راه زندگی را در رسایی و جاودانی می داند و این رسایی و جاودانگی جز در شناخت اهورامزدا (خداوند جان و خرد) به دست نمی آید و شناخت لازمه ی داشتن اندیشه ای درست و بر پایه ی آشاست.

با آرزوی اینکه با پیروی از آموزش های اشوزرتشت، جهان آباد و زندگی پر بار و شادی بخش داشته باشیم.

بن مایه:

دیدنی نو از دینی کهن: دکتر فرهنگ مهر

اندیشه اشایی و اثرات آن بر زندگی انسان: فرحناز گشتاسب



در باره کارها و آموزش های دکتر سیروس موبد، پزشک و روانشناس برجسته ایرانی، از دوستان شنیده بودیم و این امر ما را آن داشت تا از پژوهش ها و کامیابی های چشمگیر این پزشک ارجمند ایرانی در امریکا بیشتر آگاهی یابیم. دکتر سیروس موبد در سال ۱۹۶۰ در تهران بدنیا آمد. او کوچکترین فرزند خانواده بود و زمانی که سیروس ۱۷ سال داشت، پدر و مادرش، اردشیر و مهین زین آبادی، او را برای ادامه تحصیلات به امریکا فرستادند. دکتر سیروس موبد مدرک لیسانس در رشته علوم و مدرک فوق لیسانس در آموزش و پرورش خود را با تخصص در کار مشاوره با رتبه بالا به ترتیب از آکادمی ورستر (Worcester Academy) و دانشگاه ایالتی ورستر در ماساچوست دریافت کرد. او پس از آن به دریافت فوق لیسانس در علوم و درجه دکترا روانشناسی بالینی با رتبه بالا از دانشگاه کارلوس آلبزو (Carlos Albizu) در میامی فلوریدا دریافت کرد.

سوابق کاری و فعالیت های شغلی دکتر سیروس موبد فراوان است که در زیر به بخشی از آنان اشاره می شود. دکتر سیروس موبد استادیار دانشگاه Nova Southeastern University و Carlos Albizu University دروس تئوری های شخصی و رفتاری را تدریس کرده اند.

ایشان در دوران آموزش دکترای خود در Health South Sunrise Rehabilitation در ایالت فلوریدا کار کردند و تجربه با بیماران در حال کوما (Coma) و کسانی که بر اثر ناراحتی نخاع قابل به راه رفتن نیستند را کسب کردند و کمک های شایانی به این گونه بیماران نمودند.

دکتر سیروس موبد با کار کردن در مراکز جلوگیری از خودکشی و بحران های روانی جان بسیاری را از مرگ نجات داده اند. ایشان مدت ۵ سال در بیمارستان و مرکز طبی فلوریدا با بیماران روانی، بیماران مبتلا به دردهای مزمن، بیماران معتاد به مواد مخدر و بیماران مبتلا به ویروس HIV و دعوای خانوادگی تجربه دارند.

دکتر موبد مدتی در New Dawn Community Mental Health Center به عنوان سرپرست و همچنین نگهداری بیماران روانی و سپس به عنوان روانشناس ارشد و تربیت کننده گروه های ضربت جلوگیری از خودکشی کار کرده اند.

دکتر سیروس موبد در ۵ سال اخیر به عنوان روانشناس ارشد ایالت فلوریدا مشغول بکار هستند. ایشان مسئولیت بخش روانی که بیش از هزار بیمار سخت روانی در آنجا بستیری هستند را به عهده دارند.

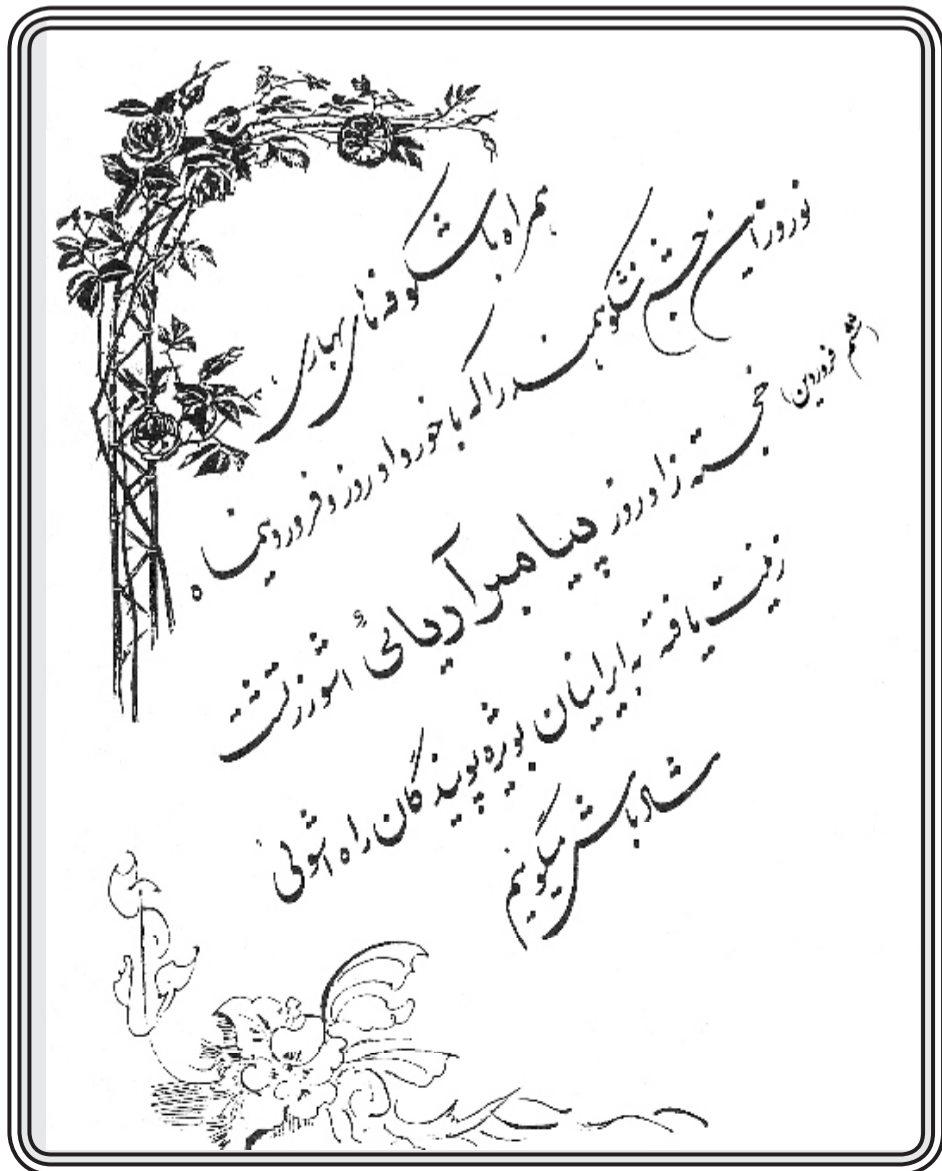
دکتر موبد کتابی بنام Acculturation Process Of Iranian American چاپ رسانده اند که یک نسخه آن در کتابخانه ی کنگره امریکا موجود است. ایشان همچنین به بسیاری از خانواده های هموطن ایرانی که دچار بیماری های روانی بوده اند بطور رایگان کمک کرده اند.



بنابر گفته دکتر سیروس موبد نقطه عطف کاری ایشان زمانی بود که توانستند مادر گرامی خود را که بر اثر تصادف و ضربه مغزی که به حالت کوما رفته بودند را به حال بیداری برگردانند. دکتر سیروس موبد مدت ۲۵ سال است با همسر خود خانم کاتلین به شادکامی زندگی می کنند. ایشان پسر ۱۵ ساله ای به نام آریا دارند.

بیگمان جامعه ی ایرانی بویژه زرتشتیان به کسانی چون دکتر سیروس موبد، که به جامعه ی امریکایی و ایرانی خدمات درخشانی کرده اند، می بالد و آرزو دارد که ایشان در پناه اهورامزدا و پایداری به دین بهی همواره شادکام و موفق باشند.

از دکتر سیروس موبد که با داشتن وقت کم برای تهیه ی این گزارش با ما همکاری کردند سپاسگزاری می کنیم و کامیابی بیشتر و سرفرازی او را از اهورامزدا می خواهیم.



کتابهایی که در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا به فروش میرسد

- آموزش زرتشت، پیامبر ایران از تهمورس ستنا
- در جستجوی راستینها به کوشش فرنگیس کیخسرو شاهرخ
- یاران هستی از برهان ابن یوسف
- ضرب المثله و ادبیات برگزیده فارسی از اختر شجاع زادگان
- پیام زرتشت از دکتر جعفری
- گات ها، سروده های اهورایی زرتشت از دکتر خسرو خزایی (پردیس)
- شاخ سخن از مهین بانو ترکمان اسدی
- فروزانه از دکتر جعفری
- بیست و یک نوشتار پژوهشی از اردشیر جهانیان
- سوادآموزی و دبیری در دین زرتشت
- بر ما چه گذشت از جمشید پیشادادی
- واژه های پارسی برای پارسی زبانان از دکتر زرتشت آزادی

سی دی هایی که به فروش میرسد

- موسیقی و کلام زرتشتی از سیروس جهانی
- تاریخ گویای دوران باستان، شاهنامه و تاریخ به کوشش مهندس امینی سام
- امرداد - سرود جشنهای ایرانیان از خداد کاویانی
- پر سور از گروه گات ها - کانادا
- نماز - نیایش های سرزمین اهورایی

تلفن و یا نشانی الکترونیکی برای سفارش

714 - 893 - 4737

Info@CZC.org

مسابقه های (همتازی) شطرنج مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

از: شهریار افشاری

مسابقه های (همتازی) شطرنج، کلاب شطرنج و تخته نرد مرکز زرتشتیان کالیفرنیا در روز ۸ فوریه ۲۰۰۹ با شرکت ۱۲ نفر از مراکز ولی و اورنج کانتی با میزبانی ولی در محل ورزشی ال کامینو برگزار گردید. سرپرستی و مدیریت مسابقه ها (همتازی) با آقای هوشنگ مهر خداوندی بود. ساعت ۹:۴۵ بامداد قرعه کشی و مسابقه ها (همتازی) در ساعت ۱۰ به روش سویسی (برنده بجا) شروع شد. مسابقه ها (همتازی) ساعت ۳ پسین با نیم ساعت زمان نهار (با میزبانی مرکز ولی) به پایان رسید. در پایان نفرهای اول تا سوم به شرح زیر معرفی شدند که در روز جشن زایش اشوزرتشت و نوروز قدردانی خواهند شد.

۱ - آقای پویان آذرشهری

۲ - آقای روزبه کسروی

۳ - آقای جهانگیر مهر خداوندی

در این راستا از همه بازیکنان و شرکت آقای موبد دکتر رستم وحیدی که در این هوای سرد در مسابقه ها شرکت کردند سپاسگزاری می شود.



نوروز از کی پیدا شد؟

خیام این داشمند بزرگ چگونه سالها را بسامان کرد



دکتر ناصر انقطاع

سده ها و هزاره ها است که ماندگارانه پهنه ایران زمین از خاورافغانستان و تاجیکستان و مرو و بخارا و سمرقند تا قفقاز و سراسر جنوب ایران و شمال عراق کنونی (که امروز تنها بخشی از آن سرزمین برآستی پهنایر بنام ایران بر جای مانده است) نوروز را جشن می گیرند. ولی «نوروز» از کی است؟

هیچکس نمی داند. زیرا سرآغاز این جشن، از تاریخ کهن ما، کهن تر است. در این زمینه افسانه های فراوان داریم. ولی افسانه، افسانه است و نمی توان به آن به چشم یک پژوهش دانشورانه نگریست. برای نمونه می گویند نوروز از جمشید است. و او بود که بهنگام به تخت نشستن همگان را به داد و دهش خواند و آن روز را «روز نو» (نوروز) خواندند. اما روزگار جمشید کی بود؟ این را نیز بدرستی نمی دانیم. و اصولاً نمی دانیم داستان جمشید تا چه پایه پذیرفتنی است.

فردوسی پادشاهی جمشید را ۷۰۰ سال دانسته است. ولی آیا چنین چیزی شدنی است؟ در جایکه پادشاهی کیومرث را سی سال و پادشاهی هوشنگ را چهل سال نوشته است. سخن کوتاه، که بدرستی و با گمان و پندار و افسانه و اساطیر نمی توان درازای دیرینگی نوروز را دریافت. تنها باید گفت: نوروز، زندگی ای درازتر از تاریخ ما دارد. گروهی از پژوهندگان پدید آمدن نوروز را همزمان با کوچ تیره های آریایی به سرزمین کنونی ایران دانسته اند، که اگر چنین باشد، دست کم بیش از پنجهزار سال دیرینگی دارد. ولی چگونه است که نیاکان ما، درست در نخستین روز بهار، این آیین را برگذار می کردند؟

تا آنجا که می دانیم، ایرانیان کهن سال شان ۱۲ ماه و هر ماه شان ۳۰ روز بود. بر این پایه هر سال ۳۶۰ روز بود که اندک اندک با نگرش به چرخش زمین به گرد خورشید هماهنگی نوروز با سال های نجومی دورتر و دورتر می شد. و آنگونه که نوشته اند در دوران پادشاهی یزد گرد سوم، یعنی بهنگام تاختن تازیان به ایران، نوروز به خرداد ماه افتاده بود. (در سال ۱۱ هجری - ۶۳۳ ترسای) این بود که ایرانیان به این اندیشه افتادند تا این کاستی و ناهماهنگی را از میان بردارند. و آمدند پنج روز پایانی سال را که در حقیقت جزو هیچ ماهی نبود «پنجو» نامیدند، تا نوروز خود را درست در آغاز بهار، یعنی بهنگامی که خورشید درست در روی خط کمربندی کره زمین (استوا) قرار می گرفت، برپا دارند. با این همه چون هر سال نجومی خورشیدی (زمانی در چرخش زمین به گرد خورشید می چرخد) درست سیسد و شست و پنج روز و پنج ساعت و چهل و هشت دقیقه و ۴۶ ثانیه است. باید پنج ساعت و اندکی بیش از ۴۸ دقیقه بدان پنج روز افزوده می شد. و اینکار از توان مردم یکهزار و چهارصد - پانصد سال پیش بیرون بود؛ تا به زمان سلجوقیان می رسید و پژوهنده ی کم ماندی بنام «عمرخیام» پیدا می شود و به کوشش او برای همیشه به این آشفتنگی ها پایان داده می شود. و در شمارش زمان ها و ساعت ها و دقیقه ها و ثانیه ها ار استگی و سامانی پدید می آید.



خیام پی برد که دشواری تنها در پنج روز اختلاف میان ۱۲ ماه سی روزه، با گردش زمین به گرد خورشید نیست. بلکه « پنج ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه» نیز افزون بر آن دارد و باید برای این (نزدیک به شش ساعت) چاره ای اندیشید. و چون چهار تا شش ساعت، یک شب و روز می شود، بر این پایه پس از هر سه سال (سیسد و شست و پنج روز) یکسال را ۳۶۶ بشمار آورد. و از آن زمان سالهای «کیسه» پیدا شد. این است که ایرانی ها با کوشش و نبوغ خیام بزرگ توانستند سال شمار خود را موشکافانه با گردش کیهانی زمین با خورشید همسان و همزمان کنند.

(در جایی خواندم که خیام در شمارگری و پژوهش های خود آنسان موشکاف و دقیق بود که زمانی را که بدست آورد امروز بیاری رایانه های پیچیده ی اتمی که تا یکهزارم ثانیه ها را می سنجدند، تنها در یکسد سال، سه - چهار ثانیه اختلاف افق دارد. یعنی خیام در هر سی و سه سال، یک ثانیه اشتباه شمارگری داشته است.)

به هر روی، سال ایرانی و بهار و نوروز ایرانی، درست زمانی آغاز می شود که خورشید در یک روز و یک ساعت و یک دقیقه و یک ثانیه مشخص و معین بر روی خط استوا قرار می گیرد و با نیمکره شمالی و جنوبی به یک نسبت فاصله دارد. این را می گویند: زمان تحویل سال.

از سوی دیگر باید دانست که زمان آغاز سال ایرانی «نوروز» اعتدال بهاری (شش ماه ی نخست سال) ۱۸۶ روز است. بر این پایه در شش ماه ی نخست سال، هر ماه ۳۱ روز است. و چون از آغاز اعتدال پاییزی (یکم مهر) تا آغاز بهار سال دیگر ۱۷۹ روز و چند ساعت است، پنج ماه از نیم سال دیگر ۳۰ روزه اند و ماه ششم (اسفند) ۲۹ روزه. و در هر چهار سال یکبار (سال کیسه) اسفند نیز ۳۰ روزه می شود.

بر این پایه با استواری می توان گفت: نوروز ایرانی، طبیعی ترین، شایسته ترین، کهن ترین، علمی ترین و زیباترین جشن های گیتی است.

در سده های پیش

زرتشتیان در یزد اینگونه به پیشواز نوروز و بهار می رفتند

نوشته ی: جمشید پیشدادی «شیدا»

آنگاه که سد روز از زمستان بزرگ می گذشت و آتش فروزان سده بر سینه زمستان می تاخت و به او می میزد که جُل و پلاسش را برچیند و «بگفته برخی از مسلمانان زرتشتی تبار زرتشتیان سده سوزانند تا سرما برود و بهار بیاید» دانه های امید و شادی در دلهای همه ایرانیان و ایرانی تباران جوانه میزد و به پیشواز نوروز و بهار می رفتند. نخستین گام فراهم نمودن جامه نو برای خود و فرزندان بود. در آن زمان جامه های دوخته و آماده فراهم نبود و شمار دوزندگان جامه زنان و مردان کم و اگر دیر می جنبیدند بهنگام نوروز جامه نو نداشتند. با امید و شادی و برنامه ریزی کارهایی که باید برای آوردن نوروز بخانه خودشان انجام دهند به نوروز نزدیک می شدند و شاد بودند. به یکی گفتند چرا بدون درنگ پس از قرعه کشی بلیط بخت آزمایی می خری؟ گفت دست کم یک هفته به امید بردن خوش هستم. اگر بر دم چه بهتر و اگر نبردم خیلی بیشتر از بهای پرداختی بهره شادی گرفته ام. و این شخص سد و سه سال زندگی کرد. دومین گام آماده کردن نشاسته بود که چند پیمانگندم را در طشتی می رختند و آن را از آب پُر می کردند و شبها آن را در جای سربازی می گذاشتند تا یخ ببندد. چند بار آب آن را تازه می کردند. نزدیکهای نوروز گندمها را روی پارچه ای در برابر آفتاب خوب خشک می کردند سپس آن را می کوبیدند. پوست را از سفیده گندم جدا و نشاسته بدست می آمد که در نوروز فالوده می ساختند و بجای شربت بمردم میخورانیدند.

فرزندان با چیدن «گوی» «کهنه هایی را نوار نوار می کردند و بگونه گرد بر روی هم می چیدند و روی آن را با نخهای رنگین می بافتند» و فراهم کردن چفته «چوگان» به پیشواز نوروز می رفتند. دخترها با گلدوزی روی دستمالها، رومیزی ها جهیزیه خود را آماده می کردند.

ده، دوازده روز به نوروز مانده همگی باشنده گان خانه به خانه تکانی و نوسازی و پاک سازی خانه می پرداختند و بهنگام، سبزه ها را در دوریها «بشقابها» و بر روی کوزه های سفالی از گندم، ماش، عدس، لوبیا و تره تیزک میرویانیدند. زرتشتیان بر این باور بودند که روزهای پنجه آخر سال فروهرهای درگذشتگان به خانه و کاشانه خود بر می گردند تا در شادی نوروز با بازماندگان انباز باشند و از آن رو نخستین ماه سال بنام فروردها «فروردین» نامیده شده است. و بر زرتشتیان بایسته بوده است که هر چه بیشتر در نوسازی و گردگیری و پاکسازی خانه خود بکوشند تا شایسته پذیرایی از فروهرهای درگذشتگان خانواده خود باشند و هر چه بیشتر خشنودی آنان را فراهم سازند.

پدر بزرگ به مادر بزرگ می گفت در میان خانواده و بستگان دو تن هستند که با هم دلخوری دارند. باید گونه ای فراهم شود که دلخوری آنان به مهر و دوستی گراید؛ چه که یکی از ویژه گیهای نوروز این است که خانه دل را نیز باید از گرد دشمنی و نامهربانی پاک کرد و بجایش مهر و دوستی نشانند. مادر بزرگ افزود، دیگر از ویژه گیهای نوروز هم اینست که دین نمی شناسد. چه زرتشتی، چه مسلمان، چه مسیحی و چه کلیمی و هر کس بهر دین و آیین که او را بخانه بخواند با روی باز بخانه اش می رود و او و خانواده اش را شاد می سازد. نوروز جشنی است ایرانی و هر کس تبارش در ایران بزرگ و در درازای دوهزار و پانصد سال در ایران می زیسته است این جشن را به مانداک «میراث» برده است.

به نوروز نزدیک میشویم. نخستین جشن نوروز واج یشت گهنبار بود و آن نیایشی بود که در پگاه نخستین بامداد پنجه پایان سال و آغاز گهنبار همس پت می دی یم «برابری روز و شب» با همخوانی همه موبدان شهر و یا برزن و گردهمایی شماری از زرتشتیان برگزار میگردد و در پگاه شب پایانی پنجه بر پشت بامها آتش می افروختند تا همگان بدانند نوروز با روز اورمزد و فروردینماه آغاز شده است. و این همان آتش چهارشنبه سوریست که با گذشت زمان و دگرگونه گی هایی که پیش آمده است نخست به دشتها و تپه ها و سپس به کوچه ها و ویژه گی یافته است. وه که چه شادی آور است پریدن از روی آتش و خواندن «سرخ تو بروی من - زردی من بروی تو».

پیش از پیدایش رادیو گاه نو شدن سال را با توپهایی که از سوی شهرداری شلیک می شد به آگاهی مردم میرسانیدند. بهنگام نو شدن سال همگی خانواده با لباسهای نو بر سر سفره زیر وچو یاسفره هفت سین امروزی گرد می آمدند و با آغاز نوروز اوستا می خوانند و کشتی نو می کردند. پس از آن مادر خانواده با پیش گرفتن شیرینی و دادن گلاب و پیش رو گرفتن آینه همگی را خوشبو و شیرین کام مینمود و با بوسیدن فرزندان نوروز را به آنها شادباش میگفت. «هیچگاه پدر و مادر خانواده با بودن فرزندان همدیگر را نمی بوسیدند».

سپس پدر خانواده با دادن سرو و جشنی نوروزی به همسرش نوروز را به او شادباش می گفت و با دادن جشنی به فرزندان آنان را شاد مینمود و به یک یک شادباش نوروزی می گفت. آنگاه آنان که خواندن و نوشتن میدانستند بر روی برگه چند واژه یا وچکی «جمله» می نوشتند و بانوی خانواده و دخترها با سوزن و نخ سبز رنگ بر روی پارچه سبزی چند کوکی میزدند. بایسته میدانم بیفزایم که پیش از آمدن مانکچی لیمچی هوشنگ هاتریا راهی بخش زرتشتیان، شمار باسوادهای زرتشتیان بیشتر مردان آنها نه همه در پایه بسیار اندک خواندن و نوشتن بود و تکی توکی هم شهنامه را از بر میخواندند. حساب آنها یک گونه نوشتنی بود بنام سیاق که در آن شماره «عدد» بکار نمی رفت. موبدان هم اوستا را که با نوشتار دین دبیری نوشته شده بود میخواندند و به یاد فرزندانشان میدادند.

نخستین روز نوروز به یکی از نیایشگاهها و اگر در بین خانواده یا همسایگان یا آشنایان در سال گذشته، در گذشته ای داشتند برای همدردی و یاد از در گذشته بخانه آنها می رفتند. آنگاه به دیدار پدر و مادر و پدر بزرگ و مادر بزرگ و مردان خانواده بدیدن دستور بزرگ میرفتند و نوروز را به آنها شادباش می گفتند. و پس از نیمروز اگر نوداماد و نوبانویی در خاندان بود بدیندانشان می رفتند. روزهای دوم تا ششم بدیدن بزرگترهای خانواده و روز ششم زادروز اشوزرتشت بیشتر زرتشتیان در جادارترین نیایشگاه در شهر گرد می آمدند و سال نو و زادروز اشوزرتشت را به یکدیگر شادباش می گفتند. در آن روز اگر در بین گروه سخنوری بود در باره دین و زندگی اشوزرتشت سخن می گفت. زنان با داف و دایره و جوانان

بانی و قره نی و طبل «دنبک» مردم را بشادی میخواندند. گاه جوانان به پایکوبی می پرداختند. اگر کسی آوایی دلنشین داشت مردم را با آوای خوش شاد و بهره مند میساخت. روزهای پس از آن روز دید و بازدید دنبال می شد تا روز نهم که نوروز شاهنشاهی «سلطانی» میخواندند و باز سفره هفت سین می چیدند و آن روز روزی بود که شاهان و دارندگان و توانمندان با بخشش خود کارمندان را شاد و خشنود و در خوشی نوروز هم بهره می ساختند. روزی بود که همه میبایستی در شادی نوروز هم بهره باشند.

پیشینیان ما این را باور داشتند که شادی آنان در شادی خویش و همسایه است و بین شاه و مردم رشته خانوادگی بود نه مهوری بر کهنتری. میستایم چنین باور را که زاینده مهر و یگانگی و پیوستگی است.

دید و بازدید دنبال می شد. خوب است بدانیم که دید و بازدید های آن روزها اینگونه نبود که انجام شادباش زبانی و کارتی باشد. «آدمم نبودید شادباش نوروزی مرا را بپذیرید» آنها هر روز همه بستگان به نوبت در خانه خویشی گرد می آمدند و با همگامی و همکاری همه با هم روز خوشی را بنام دید و بازدید نوروزی میگذرانیدند و رشته مهر و خویشاوندی را استوارتر و پابرجاتر می نمودند.

میرسیم به سیزده نوروز که بیشتر ایرانیان آن را نامیمون می دانند و ماندن در خانه را شایسته نمی دانند. هر خانواده به باغ یا دشت یا زیر سایه درختی در کنار کشتزاری می رفت و از داده های اهورایی بهره می گرفت. چه بسا که چند خانواده به یک باغ می رفتند یا گروه هایی در کنار کشتزارها گوشه به گوشه جا می گرفتند و روز را بشادی می گذرانیدند. خانواده ها بر آن باور بودند که اگر دختران دم بخت سبزه ها را گره دهند آن سال به خانه شوهر می روند. همگی پا از روی سبزه ها می گذرانیدند تا نامیمونی سبزه دامنهشان را نگیرد. میخواندند سبزه بدر - چارده به تو - سبزه را کردیم تو کتو - درش را بستیم باجدو و کتو، جا، سوراخ. جدو = شیر درخت بجای چسب» و همه اینها برای نیرو بخشیدن به توان خود و شاد و تندرست زیستن و آماده شدن برای کار بوده است. و چه نیکو دریافته اند که ناامیدی زاینده ناتوانی و سرچشمه بیماریهاست. آن روزها نوروز ۲۱ روز بود نه یک روز و دو روز و پنج روز.

روز هفدهم فروردین را هیدرو "Hapdoroo" می نامیدند و به ستایش و یاد شاهان بزرگ می پرداختند. صدای پای اسب شاه کیخسرو را می شنیدند و او را شاه زنده میخواندند. «او در تاریخ به کورش بزرگ نام برده شده است که براستی شاه زنده است».

روز نوزدهم فروردین - فروردین روز در ماه فروردین جشن ماهانه جشن فروردینگان و جشن یاد از درگذشتگان بویژه کودکان بود و آن را فرودگ میخواندند و برای آنان سفره روانان پهن می کردند که از سبزه، بوی خوش، سورک، سیرو سداب، آب پاک، نان برشته و پی پیاز و نان شیر و شیرینی های گوناگون بگونه حلوا آراسته می شد. برای روانان خردسال اوستا خوانی می شد که اینکار را بیشتر موبد زادگان بجای می آوردند.

روز ۲۱ فروردین پایان نوروز و آغاز کار و کوشش بود و زندگی روزانه دنبال میشد. بگفته ای «روز از نوروزی از نو».

سال را با امید و شادی آغاز نمایم تا با کامیابی و تندرستی پایان برید
ایدون باد - نوروزتان فرخنده

مهدی دهقان یزدی و همکاران

متخصص فروش خانه های حراجی در جنوب کالیفرنیا



خرید و فروش
املاک مسکونی
Income Property
با کمترین هزینه.

شخصاً
مبلغ خرید و فروش منزل
شمارا در هر کجای دنیا به
شما تحویل می دهیم

www.MaxMehdi.com

maxmehdi@hotmail.com

949.307.4330

سیمای آموزگار راستی

کنکاشی در سیمای وخشور ایران آنگونه که از متون دینی برمی تابد

پژوهش و نگارش: فرید شولیزاده

اشو زرتشت اسپیتمان، هر گاه این نام را بر زبان جاری میکنم غرور و افتخار سراسر وجودم را می گیرد انگار که گم گشته خود را می یابم و تو گویی آتشی در رگهایم بجای خون جاریست و با بردن این نام در درون وجودم زبانه می کشد و نام او را فریاد میزند... چه بسیار افرادی که در درازای تاریخ در عشق این نام سوختند و چه بسیار مردمانی که با تحمل هزاران رنج کوشیدند این نام عزیز را زنده نگه دارند، آتش وهرام زبانه بکش زیرا که ما زنده ایم، اندیشه مزدیسنی زنده است، این سرزمین اهورایی زنده است و من زنده ام و می اندیشم...

**نخواهی که باشد دلت دردمند
ره نیک زرتشت آزاده گیر**

**دل درد مندان بر آور زبند
چه ایستاده ای دست افتاده گیر**

سیمای آن وخشور همواره در هاله ای راز آمیز در پس پرده تاریخ ایران و جهان پنهان مانده است، فرزانه ای که از یک سو فرهنگ ودایی و اوستایی را فراز بخشید و از سوی دیگر، دانشمندان یونانی در پیشگاهش شاگرد وار، زانو زدند. دامنه دیدگاه های او در درازای تاریخ، فرهیختگانی چون فردوسی، حافظ، سهروردی، ملامصدرا، پور سینا و... را در بر گرفت و فروزه هایش به گونه ای بس شگفت انگیز در تند باد زمانه همچنان روشنی بخش اندیشمندان ماند. آن نابغه بی همتا که بی شک باید وی را بینانگزار اخلاقیات، فلسفه، عرفان، و حتی شعر بشمار آورد. وی از دانش و بینش چنان ژرفی برخوردار بود که جهان شرق تا غرب همه جا او را حکیم خوانده اند. از فیساغورث تا افلاتون تا هگل و نیچه، ستایشگر وی بودند. اما برآستی او کیست؟ آیا همان انسان سخت کوشی است که گاتها بما نشان می دهد؟ مردی که با تحمل سختی ها و مرارت های فراوان در راه بیدار کردن وجدان خفته مردمان جهان قدم بر می دارد، همان پولاد مردی که یک تنه با سیاهی جهل و پندارهای اهریمنی به پیکار بر میخیزد و آتش خرد گرائی را در اندیشه انسانها فروزان میکند.

زندگی راستین پیامبران را همیشه هاله ای از استوره فرا می گیرد هر چند در خلال استوره ها، حقیقت های فراوانی نهفته است. افسانه ها به تدریج بر گرد زندگی نامه واقعی حلقه می زنند و کم کم زندگی اساطیری را می سازد. این شکل گیری ممکن است در همان دوران زندگی پیامبر یا در سالهایی نه چندان دور از زمان او یا در سده های بعدتر انجام گرفته باشد زندگی نامه اشو زرتشت نیز چنین مرحلی را گذرانده است.

استوره داستانی است سرشار از نمادهای آیینی و رمزی، بویژه نمایه های کیهانی. برای نمونه ماه و خورشید و ستارگان و دیگر چهره های جهان هستی، به سان انسان در می آیند و در پهنه پندارها، به نقش آفرینی می پردازند. گاهی هم به گونه ای وارونه، این انسانهای زمینی هستند که به سیمای نیروهای آسمانی نمودار میشوند. تا کنون هیچ چهره ای مانند اشو زرتشت اینچنین سرشار از استوره پردازی نبوده است.

سیمای اشو زرتشت در بخشهای گوناگون اوستا و نامه های پهلوی :

زرتشت پاک دیو ستیز... نیرومند ترین، دلیرترین، تخلصترین، چالاکترین و پیروزترین آفریدگار [یسنا ۹ بند ۱۵ و ۱۳] که در جهان خواستار راستی شد [یسنا ۲۴ بند ۵] رد (راهبر) جهان استومند (مادی) [آبان یشت ۸۹] نگاهبان مردمان [تیر یشت ۴۴].

نخستین کسی که نیک اندیشید، نیک سخن گفت، نیک رفتار کرد. نخستین آتوربان، ارتشتار، برزیگر ستورپرور، نخستین کسی که پیاموخت و پیاموزاند. نخستین کسی که ستور (جانداران) را، اشته را، مانترای ورجاوند را و فرمانبرداری از آن را، شهریاری مینوی را، و همه نهاد های نیک مزدا آفریده را که از آن اشته است، برای خود پذیرفت و دریافت... نخستین کسی که از دیو روی گردانید و مردمان را بالانید. نخستین کسی که در جهان استومند (اشم و هو...) را خواند دیوان را نفرین کرد و خستو (معترف) شد که مزدپرست، زرتشتی، دیو ستیز و اهورائی کیش است. اوست نخستین کسی که در جهان استومند، سخنی را که در دین اهورا به زبان دیوان است، برخواند. اوست پهلوان سراسر زندگی خوش و نخستین آموزگار سرزمین ها، به دستیاری او، همه مانترای ورجاوند که در سرود (اشم و هو) ست آشکار شد. اوست رد جهانی و مینوی گیتی. اوست ستایشگر اشته که بزرگترین و بهترین و نیکوترین نهاد است. اوست پیام آور دینی که بهترین همه دینهاست... نیک خواهترین، شکوهمندترین، فرهیخته ترین، برازنده ترین ستودنی، به نیایش، سزاوارترین، بهترین شهریار آفریدگان، شایسته ترین آفریده ای که خشنودی وی خواسته شود [فروردین یشت ۸۸ تا ۹۱ و ۱۵۲].

که دینی اندیشید، دینی سخن گفت و دینی رفتار کرد... پیش از او آشکارا دیوان در این زمین در گردش بودند. آشکارا کامروا می شدند، آشکارا زنان را از مردان می ربودند و زاری کنندگان را می آزرند [اشتاد یشت ۷۹ و ۸۰].

زرتشت درویشان را پرستاری کرد... هرگز دیوها در گفتار زرتشت ستوده نشدند [گزیده های زاتسپرم ۳۱]. همانگونه که او رد برگزیده و آرمانی جهان (اهو) است، رد مینوی (رتو) و بنیاد گزار کردارها و اندیشه های نیک زندگانی در راه مزداست. اهوراست که او را به نگاهبانی درویشان برگماشت [سرآغاز یسنا بند ۳]. دین مزدپرستی و داد (قانون) زرتشت از همه نهاد های نیک و عاشقانه (اشه نژاد) پذیرفتنی تر است. [سروش یشت هادخت، ۳].



اندیشه اش فراختر از همه جهان بود. بر تر از هر چیز گیتی، هوش داشت که بانروی آن، همه چیز را باز می شناخت. یادی که بانروی آن، همه چیز را در می یافت. خردی که میتوانست با آن همه چیز را تشخیص دهد. جانی که از بسیاری چیزها پاسداری می کرد. فره کیانی و فره هیربدان و میل فراوان به پارسایی داشت. در دلآوری برتر بود و تنی زیبا و نیرومند داشت... پر ارج ترین و مقدس ترین و آگاه ترین. تن را از نشانه بد، آرزو و شهوت، آرز و نیار، خواب زیاد، خود خواهی و فریفتاری، کین ورزی و غیبت، به دور می داشت. آفریدگار اورمزد را می شناخت. اندیشه نیک را پیراسته می کرد و از آنچه به او می رسید خرسند بود. از گذرا بودن مال گیتی آگاه بود و فرجام تن را خوب به یاد داشت و در هر زمان و به هر گونه ای در نیایش آفریدگار مهربان، کوشا تر بود. وظیفه خود را در دادو دهش به درویشان و ارزانیان (مستحقان) انجام می داد. (استوره زندگی زرتشت. ۱۶۴، ۱۲۰، ۸۳)

فرهنگ فرهنگ ها که سرچشمه دانائی و گزینش (تشخیص) از آن است... معجزه معجزات، منزله از گمان، بی مانند... [مینوی خرد، ۲]

زرتشت در ادب پارسی، به سیمای پیر مغان در آمد کسی که بقول حافظ: به تائید نظر حل معما می کرد و می گفت که از مصاحب ناجنس احتراز کنید. کسی که ستائیده سهروردی بود و از سوی گزارشگر آثار سهروردی، یعنی قطب الدین شیرازی: حکیم فاضل و امام کامل، لقب گرفت، کسی که دقیقی توسی جان خود را فدایش کرد.

روانشاد دکتر محمد معین در کتاب مزدیسنا و ادب پارسی با اشاره به اینکه شالوده تصوف ایران اسلامی را ابو یزید بسطامی ریخته یادآور می شود که سروشان جد بسطامی زرتشتی بود. همچنین عارفانی چون منصور حلاج و شیخ ابوسعید کازرونی نیز در ابتدا زرتشتی بوده اند...

ادامه دارد...

کوروش کیخسرو شاهرخ

- Corporate & Commercial Litigation
- Incorporations, Mergers & Acquisitions
- Trademark, Copyright and Patent Infringement
- Real Estate Litigation including Foreclosures
- Medical Malpractice
- Personal Injury & Wrongful Death
- Estate Planning & Probate
- Elder Abuse

دعای امور بازرگانی و تجاری

تشکیل، ثبت، خرید و ادغام شرکتها

ثبت حق تالیف، اختراعات، علائم بازرگانی

دعای ملکی، جلوگیری از حراج ملک

معالجات غلط پزشکی

تصادفات، صدمات بدنی و منجر بمرگ

تنظیم وصیت نامه و امور انحصار وراثت

دعای مربوط به آزار سالمندان

The Law Offices of
Koorosh K. Shahrokh, Esq.
Tel: (818) 996-7301
Fax: (818) 996-7302
6345 Balboa Blvd. Suite 232, Encino, CA 91316

یاری های میهنی در جشن های نوروزی

دکتر زرتشت آزادی



ایرانیان و ایرانی تباران ماندگار در برونمرز، از هر گروه و لایه و پایه، همراه با جشن های فرخنده ی نوروزی میتوانند به میهن گرامیمان ایران نیز یاری بدهند و از آن سربلند باشند. یکی از راههای یاری دادن به ایران یاری دادن به فرهنگ ایران است و یکی از راههای یاری دادن به فرهنگ ایران یاری دادن به زبان رسمی ایران یعنی زبان پارسی است تا این زبان بنام یک زبان ایستا بخود پایدار بماند و همراه با دیگر سازه های فرهنگی، فرهنگ ایران را پایدار کند.

زبان پارسی اکنون بسختی به زبان عربی آلوده شده و برای پالایش نیاز به یاری دارد. گزارش آلوده شدن زبان پارسی به عربی دراز است و بگفته ی زنده یاد احمد کسروی، خود یک تاریخچه ی سرفرازانه نمی دارد. زبان رسمی ایران پیش از آفت تازیان زبان پهلوی بود. چیرگی تازیان نهادهای فرهنگی ایران را زیر فشار برد و کم ارج کرد. زبان پهلوی نیز زیر فشار دشمن کم توان شد و پس نشست. ایرانیان زبان دویم خود یعنی زبان پارسی را بکار بردند و با بهره گیری از زبان پهلوی و زبانهای دیگر ایرانی آن را در راه پرورش و گسترش انداختند تا جانشین زبان پهلوی شود. تازیان و تازی دوستان از آن کار ناخوارسند شدند زیرا امید داشتند همچنانکه دین تازی را در ایران می پذیرانند زبان تازی را نیز بپذیرانند، چنانکه در مصر و روم خاوری کردند. در ایران آنچه نماند، زبان دیگری جوانه زد و رو به بالش نهاد. با این حال تازی دوستان بیکار ننشستند، و راه دیگری را برگزیدند تا زبان پارسی را به زبان عربی وابسته کنند. برای اینکار بی اینکه نیازی باشد واژه های عربی را در زبان پارسی بکار بردند، به دستور زبان پارسی بی پروایی کردند و بیشتر به زبان و به دستور زبان عربی پرداختند. این چیزها کم کم رو به فزونی رفت و کسانی چون فردوسی توسی را به تلواسه (اضطراب) انداخت و او را واداشت که شاهنامه را بسراید و در آن بگوید:

بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی

کار فردوسی برخی دیگر از بزرگان ادب را نیز بیدار کرد چنانکه اسدی توسی گرشاسنامه را به روش شاهنامه سرود و نیز کتابی بنام لغت فرس (واژه های پارسی) نوشت. با این همه، چیرگی و زور و پول عرب دوستان کار خود را کرد و عربی در پارسی به گونه ای فزاینده پیش رفت. به گاه رضا شاه پهلوی، همراه با دیگر بهسازیهای میهنی سازمانی بنام فرهنگستان بر پا شد و به بیرون ریختن واژه های عربی و پالایش زبان پارسی پرداخت. با جنگ جهانی دویم و افتادن رضا شاه آخوندان و دیگر تازی دوستان و بسیاری از کسانی که رضا شاه را دشمن میداشتند دوباره به میدان آمدند، فرهنگستان ناتوان گردید، و بسیاری از رشته های آن پنبه شد و عربی گرایی دوباره پا گرفت.

در سه دهه گذشته که دولت اسلامی در ایران در کار بوده آلودگی زبان پارسی به واژه ها و دستور زبان عربی بسی بیشتر شده است. هم اکنون میهن پرست ترین کسان یا رسانه ها بیش از پنجاه درصد واژه هایی که می گویند و می نویسند عربی است و بسیاری از آنها برابر دستور زبان عربی بکار برده میشوند. در هیچ جای جهان و در هیچ زبانی چنین نیست که مردم واژه های زبان خود را بکار نبرند و به دستور زبان خود بی پروایی کنند و بجایش واژه های بیگانه و دستور زبان بیگانه بکار برند. مگر نه این است که بجای آموزگار می گویند معلم و جمعی را برابر دستور زبان عربی می گویند معلمین؟ مگر نه این است که بجای راه می گویند طریق و جمعی را میگویند طرق؟ مگر نه این است که بجای خوراک می گویند غذا و جمعی را برابر دستور عربی می گویند اغذیه؟

در هیچ زبانی و در هیچ زمانی این اندازه واژه از زبان دیگری نیاورده اند که از عربی به پارسی آورده اند، بی اینکه نیازی باشد! در هیچ زبانی چنین نیست که مردم به دستور زبان میهنی خود بی پروایی کنند و واژه های زبان خود را برابر دستور زبان بیگانه جمع ببندند. مگر نه این است که واژه هایی همچون پیشنهاد، میوه و سبزی پارسی اند؟ مگر نه این است که مردم و رسانه ها این واژه های پارسی را برابر دستور زبان عربی جمع می بندند و می گویند پیشنهادات و میوه جات و سبزیجات؟ این بی پروایی ها و ویرانگریها زبان پارسی را که هم مانداک (میراث) فرهنگی ما است و هم یکی از آسانترین و پربارترین زبانهای جهان است از روشنی و آراستگی بیرون برده و یاد دادن و یاد گرفتنش را دشوار ساخته است. اگر در این باره کاری نشود زبان پارسی پس از چندی یکی از گویش های وابسته به زبان عربی خواهد شد، ایرانی تباران برونمرز یاد گرفتن آن را دشوار خواهند یافت و رهایش خواهند کرد و دشمنان فرهنگ ایران کامیاب خواهند گردید. دریغ است که ما بگذاریم مانداک فرهنگیمان که ریشه در زبانهای بزرگی چون زبان پهلوی و پارسی باستان و زبان اوستایی و سروده های زرتشت پاک دارد به چنان روزگاری بیفتد. بر فرزندان و دوستان ایرانست که از آلوده شدن بیشتر زبان پارسی پیشگیری کنند و به پالودن آلودگی های کنونی برخیزند. آیا شما خواننده گرامی میخواهید در این باره ها یاری بدهید؟

یاری ای که شما میتوانید در این باره ها بدهید این است که در گفتار و نوشتار پارسی، تا آنجا که میدانید و میتوانید، واژه های پارسی بکار ببرید و در ساختن جمعها و فروزه ها (صفت ها) و چیزهای دیگر از دستور زبان پارسی پیروی کنید. این یاریها را میتوانید در همین روزهای فرخنده نوروز و با واژه های وابسته به نوروز آغاز کنید.

نوروز را جشن بگویید، نه عید. شاهنامه فردوسی در گزارش پیدایش نوروز در زمان جمشید شاه پیشدادی نوروز را جشن نامیده و گفته است:

چنین جشن فرخ از آن روزگار

بما مانده زان خسروان یادگار

عید واژه ای عربی است و جشنهای ایرانی با آن بستگی ندارند. ایرانیان مسلمان می توانند عید قربان و عید غدیر و عید فطر داشته باشند ولی پدیده های ایرانی نباید نام عربی بخود بگیرند. نیز ایرانیان مسلمان نباید در زبان پارسی عیدها را برابر دستور زبان عربی جمع ببندند و بگویند اعیاد. نشان جمع در زبان پارسی «ها» و «آن» است.

نوروز را هرگز به کسی تبریک یا تهنیت یا مبارک نگویید چون اینها واژه های عربیند. واژه های فرخ، فرخنده، خجسته، شادباش، پیروز باد که در زبان پارسی داریم بکار ببرید.

در بستگی با نوروز اگر به کسی چیزی بدهید یا از کسی چیزی دریافت مدارید، آنها را عیدی، یا کادو، یا گیفت، یا پرزنت ننماید. آنها را نوروزانه، یادگار نوروزی، پیشکش نوروزی، ارمغان، یا ارمغانه بگویید. سعدی گفته است:

من زین سپس اگر به دیاری سفر کنم هیچ ارمغانه ای نبرم جز پیام دوست

شاهنامه گفته است:

هر آنکس که بُد بر در شهریار یکایک فرستادشان یادگار

اگر برآیند که ارمغان گرانبهایی به کسی بدهید خویست آن را از گوهر فروشی یا زرگری های ایرانی بخريد. از جواهر فروشی ها نخرید مگر اینکه ناچار باشید و اگر چنان شد به آنها پیشنهاد کنید که نامشان را پارسی کنند و خود را گوهر فروشی یا گوهر گری بنامند.

دوستانی که در جاهای دیگرند و میخواهید به آنان ارمغان نوروزی بدهید میتوانید با پست برایشان بفرستید یا گسیل دارید. هرگز چیزی را ارسال نکنید چون عربی زبان نیستند.

در روزهای نوروز هرگز به ملاقات کسی نروید. به دیدار مردم پا به دید و بازدید نوروزی بروید. هرگز غذا نخورید، خوراک بخورید و هرگز مشروبات الکلی مصرف نکنید، می بزیند.

این کارها را میتوانید بنام گامهای نخستین برای یاری دادن به زبان و فرهنگ ایران آغاز کنید و سپس به بهسازیهای دیگر پردازید یا به دیگران و به رسانه ها هم پیشنهاد کنید که چنین کنند، چنانکه من بشما پیشنهاد کرده ام.

جشن نوروزی را فرخنده باد میگویم و امیدوارم بتوانید یاری بدهید که زبان پارسی بنام یک زبان ایستای بخود پایدار بماند و همراه با دیگر سازه های فرهنگی، فرهنگ ایران را پایدار کند.

Ashkan Zahabi اشکان ذهبی

Tax Preparation and Financial Analysis

Business Advisory and Corporate consulting

انجام کلیه خدمات حسابداری و تهیه فرمهای مالیاتی
تشکیل و انحلال شرکتها / مشاوره مدیریتی و برنامه ریزی

AUTHORIZED E-FILE PROVIDER

714-907-6248

949-387-2070

Office in Irvine, CA

دانشگاه سپنتا

از نسرين اردیبهشتی

نام دانشگاه سپنتا در یکی از شماره های پیشین ماهنامه ی زرتشتیان توجه مرا جلب کرد. بسیار مشتاق بودم تا اطلاعات بیشتری در مورد این مرکز علمی و تحقیقی کسب کنم. بعد از کمی جستجو توانستم با آقای امید مینو سپهر، ریاست این دانشگاه تماس برقرار کنم. ایشان با اینکه در حال سفرشان به هندوستان بودند با اشتیاق فراوان و همکاری صمیمانه به سئوالهای من پاسخ دادند. این است نتیجه ی پرسش و پاسخ من از ایشان.

پرسش: دانشگاه سپنتا در چه زمانی و در کجا تاسیس شد؟

پاسخ: سه هزار و هفصد و چند سال پیش اشوزرتشت نخستین دانشگاه را برای آموزش و پیشبرد پیام خود تاسیس کرد. و ما ۱۷ سال پیش، بدنبال راه آموزگارمان دانشگاه سپنتا را در لوس آنجلس بنیاد نهادیم.

پرسش: مرکز اصلی و شعبه های این دانشگاه کجاست؟

پاسخ: دبیر خانه دانشگاه سپنتا در لوس آنجلس می باشد ولی کارهای اداری دانشگاه در شهر پونه انجام می شود. به آگاهی گرایشگران به فراگیری پیام زرتشت می رسانم که شما می توانید در هر جایی که باشید از روشهای «آموزش از راه دور» بهره گرفته و تا درجه دکترا در دانشگاه سپنتا پیش بروید. و اما به خوانندگان نشریه زرتشتیان مژده می دهم که دانشگاه سپنتا هم اکنون در راه ساختن نخستین مرکز پژوهشی و آموزشی پیام زرتشت گامهایی برداشته و در آینده ای نزدیک شیفتگان پیام زرتشت می توانند برای پژوهش عمیق تر در مرکز پژوهشی که در هند می باشد اقامت کنند و از تسهیلات پژوهشی آن بهره برند.

پرسش: انگیزه ی تاسیس یک مرکز آموزشی دین زرتشتی چه بود؟

پاسخ: راستش برای ما زرتشتیان که پیرو اندیشه نیک و پیشرفت روز افزون می باشیم داشتن بهترین دانشگاه یک امر ضروری می باشد. ما باید برای آموزش پیام زرتشت بهترین ها را داشته باشیم. داشتن همچون دانشگاهی برای ما زرتشتیان، به قول معروف از نان شب هم برایمان مهم تر است.

پرسش: بودجه این دانشگاه چگونه تامین می شود؟

پاسخ: چرخهای دانشگاه به یاری فعالیتهای بازرگانی خود دانشگاه، یک بنیاد زرتشتی، شهریه دانشجویان و از خودگذشتگی مدیران، دبیران، استادان و دوطلبین به گردش در می آید.

پرسش: آیا بورس تحصیلی هم برای دانشجویان موجود است؟

پاسخ: بله. بورسهای آموزشی برای دانشجویان واجد شرایط موجود می باشد. لازم به یادآوری است که هم کیشان گرامی می توانند به یاد عزیزان خود بورس های آموزشی بنیان کنند و با این کردار نیک خود با یک تیر دو نشان بزنند. نخست اینکه نام عزیز را زنده نگه داشته اند و دویم و مهمتر از آن اینکه در راه پیشبرد پیام زرتشت کوشش موثری بخرج داده اند.

پرسش: هدف از تاسیس یک چنین مرکز آموزشی چه بود؟ چگونه امور درسی در این دانشگاه تدریس می شود و افراد فارغالتحصیل چه سمت هایی را دارا می شوند؟

پاسخ: آرمان دانشگاه سپنتا گسترش و پیشبرد پیام زرتشت و خدمت به جامعه زرتشتی می باشد. در این راستا کوشش های چشمگیری شده که شما هم کیشان گرامی می توانید از آن بهره مند گردید. نمونه ای از این خدمت ها بدین قرار است:

۱ - چنانچه بخواهید پیام جاودانه اشوزرتشت را به دوستان خود بازگو کنید، ما شما را با آموزش های کوتاه مدت و پاسخ به پرسش هایتان شما را برای گفتگو آماده می سازیم. و چنانچه در سازمانی فعال هستید که در پی سخنرانی می گردد، ما می توانیم فهرست سخنوران را در زمینه پیام و دین زرتشت را برایتان روانه کنیم و شما را در این راه نیک یاری دهیم.

۲ - نوجوانانی که آماده سدره پوشی می شوند، می توانند از آموزش های سرگرم کننده ما که بر روی Multi Media CD است بهره بگیرند.

۳ - دانش آموزان دبیرستان می توانند با بهره گیری از خدمات دانشگاه، پروژه های مدرسه خود را در زمینه پیام زرتشت و یا فرهنگ ایران بنویسند.

۴ - دانشجویان و دانشکده ها و دانشگاه ها می توانند با بهره گیری از خدمات سپنتا، دانشنامه پایانی خود در زمینه زرتشت و پیام او و یا فرهنگ ایران بنویسند. همچنین می توانند با گذراندن چندین کلاس لیسانس دویم نیز در اندیشه زرتشت بگیرند.

۵ - برای کسانی که می خواهند به درجه استادی در زمینه پیام زرتشت برسند و یا بخواهند رهبری جامعه ما را به عهده بگیرند، ما بهترین های خود، دوره دکترا، را به آنان ارایه می دهیم.

۶ - ما نهایت همکاری را با پژوهشگران و دانشمندان اندیشه زرتشت می کنیم تا پژوهش های آنان به ثمر رسیده و به بازار ارایه گردد.

در اینجا خوب است که یادآور شوم که تا به امروز تنها یک مدرک دکترا از سوی دانشگاه سپنتا صادر گردیده که آن هم متعلق به دکتر محمود خلیقی می باشد.

در پایان بار دیگر یادآور می شوم که آرمان دانشگاه سپنتا گسترش و پیشبرد پیام زرتشت و خدمت به جامعه زرتشتی می باشد. در این راستا از شما سروران گرامی دعوت می شود که جهت همکاری به عنوان شاگرد و یا استاد و یا دوست و پشتیبان با ما در راه ساختن بهترین دانشگاه برای پیشبرد پیام زرتشت همگام شوید. دانشگاهی که در خور شخصیت والای اشوزرتشت و پیام همیشه جاودانش باشد.

لازم است که از آقای امید مینو سپهر، ریاست محترم دانشگاه سپنتا، برای همکاری صمیمانه شان در تهیه ی این پرسش و پاسخ سپاسگزاری کنم.

با ارزوی موفقیت و پیشرفت برای ایشان و دانشگاه سپنتا

شما می توانید از طریق www.spenta.edu آگاهی های بیشتری را در مورد این مرکز تحقیقی و آموزشی دین زرتشتی بدست آورید.

استفاده از عدد پی در ساخت تخت جمشید

بر گرفته از تارنمای: عصر ایران



مهندسان هخامنشی راز استفاده از عدد پی (۳/۱۴) را دو هزار و ۵۰۰ سال پیش کشف کرده بودند. آنها در ساخت سازه های سنگی و ستون های مجموعه تخت جمشید که دارای اشکال مخروطی است، از این عدد استفاده می کردند. عدد پی (۳/۱۴) در علم ریاضیات از مجموعه اعداد طبیعی محسوب می شود. این عدد از تقسیم محیط دایره بر قطر آن به دست می آید. کشف عدد پی جزو مهمترین کشفیات در ریاضیات است. کارشناسان ریاضی هنوز نتوانسته اند زمان مشخصی برای شروع استفاده

از این عدد پیش بینی کنند. عده زیادی، مصریان و برخی دیگر، یونانیان باستان را کاشفان این عدد می دانستند اما بررسی های جدید نشان می دهد هخامنشیان هم با این عدد آشنا بودند.

سرپرست ویژه سازه و ژئوفیزیک و مسئول بررسی های مهندسی در مجموعه تخت جمشید در این باره، گفت: «بررسی های کارشناسی که روی سازه های تخت جمشید به ویژه روی ستون های تخت جمشید و اشکال مخروطی انجام گرفته؛ نشان می دهد که هخامنشیان دو هزار و ۵۰۰ سال پیش از دانشمندان ریاضی دان استفاده می کردند که به خوبی با ریاضیات محض و مهندسی آشنا بودند. آنان برای ساخت حجم های مخروطی راز عدد پی را شناسایی کرده بودند.»

دقت و ظرافت در ساخت ستون های دایره ای تخت جمشید نشان می دهد که مهندسان این سازه عدد پی را تا چندین رقم اعشار محاسبه کرده بودند. او در این باره گفت: «مهندسان هخامنشی ابتدا مقاطع دایره ای را به چندین بخش مساوی تقسیم می کردند. سپس در داخل هر قسمت تقسیم شده، هلالی معکوس را رسم می کردند. این کار آنها را قادر می ساخت که مقاطع بسیار دقیق ستون های دایره ای را به دست بیاورند. محاسبات اخیر، مهندسان سازه تخت جمشید را در محاسبه ارتفاع ستون ها، نحوه ساخت آنها، فشاری که باید ستون ها تحمل کنند و توزیع تنش در مقاطع ستون ها یاری می کرد. این مهندسان برای به دست آوردن مقاطع دقیق ستون ها مجبور بودند عدد پی را تا چند رقم اعشار محاسبه کنند.» هم اکنون دانشمندان در بزرگ ترین مراکز علمی و مهندسی جهان چون «ناسا» برای ساخت فضاپیماها و استفاده از اشکال مخروطی توانسته اند عدد پی را تا چند صد رقم اعشار حساب کنند. بر اساس تاریخ دانان و ریاضیات نخستین کسی که توانست به طور دقیق عدد پی را محاسبه کند، «غیاث الدین محمد کاشانی» بود. این دانشمند ایرانی عدد پی را تا چند رقم اعشاری محاسبه کرد. پس از او دانشمندانی چون پاسکال به محاسبه دقیق تر این عدد پرداختند. هم اکنون دانشمندان با استفاده از رایانه های بسیار پیشرفته به محاسبه این عدد می پردازند.

این موضوع که در بخش های مختلف سازه تخت جمشید، مقاطع مخروطی شامل دایره، بیضی، و سهمی دیده می شود، این کارشناس گفت: «به دست آوردن مساحت، محیط و ساخت سازه هایی با این اشکال هندسی بدون شناسایی راز عدد پی و طرز استفاده از آن غیرممکن است.»

داریوش هخامنشی بنیان گذار تخت جمشید در سال ۵۲۱ پیش از میلاد دستور ساخت تخت جمشید را می دهد و تا سال ۴۸۶ بسیاری از بناهای تخت جمشید را طرح ریزی یا بنیان گذاری می کند. این مجموعه باستانی شامل حصارها، کاخ ها، بخش های خدماتی و مسکونی، نظام های مختلف آبرسانی و بخش های مختلف دیگری است.

مجموعه تخت جمشید مهمترین پایتخت مقاومت هخامنشی در استان فارس و در نزدیکی شهر شیراز جای گرفته است.

چاپ کتاب، سالنما

با بهترین کیفیت و کمترین بها



شرکت چاپ آنلیمیتد

Tel: 818-882-1212

Fax: 818-882-7531

Email: Unlimitedprinting@sbcglobal.net

از سردبیر:

با درود و سپاس از مهر تمامی ایراندوستان و مهرورزان به این رسانه و این مرکز. از شما خوانندگان گرامی خواهشمندیم که اگر به این ماهنامه نوشتاری می فرستید آن را به زبان پارسی و با دستور زبان پارسی بنویسید و آن را کوتاه نگاه دارید. ما تا آنجا که بتوانیم نوشتارهای پر عربی و دراز را چاپ نمی کنیم. ما خود چندی از نوشتارها را به ناچار کوتاه کرده و کمی به زبان پارسی درآورده ایم؛ ولی نیروی انسانی و وقت برای چنین کارهایی نداریم.

فرزانه گرامی دکتر الف. م

با سپاس از مهر شما. بیاد داشته باشید که این رسانه فرهنگی، اجتماعی، ادبی و غیر سیاسی می باشد. و آگاه باشید که این نشریه در چارچوب اساسنامه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا کار می کند. ما از چاپ نوشتارهای سیاسی دوری می کنیم که این راه ما نیست.

سردبیر گرامی ماهنامه

در باره نوشتار دکتر آزادی و پیامبر بزرگ آریایی اشوزرتشت باید بگویم که نگر بیشتر زرتشتیان کنونی چنین است که: پدر اشوزرتشت بنام پوروشسب، مادرش دوقدو و همسر وی هووی نام داشته و فرزندان اشوزرتشت سه پسران بنام های ايسدواستر، اروتنر و خورشید چهر و سه دختر به نام های تریتی، فرین و پورچیستا بوده اند.

دکتر اسفندیاری

سردبیر گرامی ماهنامه

در باره ی نوشتار «از زرتشت تا سهروردی» از آقای فرید شولیزاده در شماره ی ۱۱ ماهنامه زرتشتیان مرا بر آن داشت تا نکته هایی را در آن باره روشن کنم.

گر چه آن نوشتار برخی از باورهای سهروردی و اثر باورهای زرتشت بر او را روشن نموده، ولی میتواند خواننده را در شناختن سهروردی به تاریکی بیندازد.

در باره سهروردی دو دیدگاه در کار است. یکی اینکه او را مردی پینش ور (عارف) میشناسند که ارچی به فرزان گفتاری (حکمت بخشی) نمیگذاشته بلکه فرزان ذوقی را به آن پیشی می داده است. دیدگاه دوم، سهروردی را تنها فیلسوف برجسته ایرانی در دوره ی اسلامی می دانند که جهان بینی فراگیری را در پیش نهاده که هدفش پیش برد فرزان (فلسفه) بوده و فرزان ذوقی را رساگر (مکمل) فرزان گفتاری می داند. نگرش به نوشته های سهروردی به دیدگاه دوم پذیرفتگی بیشتری می دهد.

برداشت من این است که آقای شولیزاده در نوشتار خود از دیدگاه یکم پشتیبانی نموده است. از سوی دیگر با جدا کردن فرزان پهلوانی خسروانی از تنه ی فلسفه ی سهروردی چه بسا که خواننده چنین پندارد که سهروردی یک عارف زرتشتی بوده است که چنین نیست.

سهروردی فلسفه ی خود را برداشتی از همه اندیشه های جهانی دانسته است.

فلسفه سهروردی سه پهلو دارد که پهلو ی یونانی، پهلو ی خسروانی و پهلو ی قرآنی است. بی شک اندیش های زرتشت در اندیش های سهروردی بازتاب داشته ولی اندیشه های یونانی و قرآنی نیز در او کارگر بوده است. بنابراین باورهای او و اندیشه های او فراگیر است و تنها به یکی از آن ۳ پهلو بند نیست.

دکتر مسعود عسگری - لوس آنجلس

فرزانه گرامی آقای چلیپایی

با سپاس از نامه و فکس شما و مهر بی شایان شما به فرهنگ ایران همانگونه که می دانید ماهنامه زرتشتیان سیاسی نیست از این رو نامه شما را چاپ نمی کنیم. نوشته ی شما را در باره ی شاملو و فریدون مشیری خواندیم. در اینجا چکامه ی بنام سیمرخ که از روانشاد فریدون مشیری است و خود شما برایمان فرستاده اید را چاپ می کنیم.

سیمرخ

از فراز شانه ی البرز
همچون کوهی ز جابر خاست
بالهای آسمان سای بلندش را
از دو سو آراست
پرنیان نور را گسترد
مرز ایران شهر را بوسید و
گیتی را سراسر زیر پر آورد
شعله آتشگه خورشید در جانش
سد هزاران، سد هزاران دیده، حیرانش
اهتزاز بال ها
تیره دل اهریمنان ظلم ظلمت را
از همه روی زمین، تاراند و راند
آنچه بر جا ماند:
یک جهان فر و شکوه و مهر و زیبایی
گویا ذرات هستی یکصدا، آواز میدادند:
روشنایی...
روشنایی...

بنیاد جمشید Jamshid Foundation

تلاش برای پیشرفت فرهنگ و افزایش دانش دوران تاریخی ایران در CD و DVD، دوره کتابهای مصور و پوسترهای تاریخی به زبان پارسی و انگلیسی نشان داده می شود

Cyrus the great Persian King, the founder of the world's first declaration of human rights in 539 B.C

**به کوشش مهندس امینی سام
تاریخ گویا دوران باستان**

در DVD به زبان پارسی و انگلیسی هر کدام با بیش از دوپست تصویر در سه ساعت نشان داده میشود.

در CD به زبان پارسی و انگلیسی هر کدام با بیش از سه ساعت بیان میشود.

شامل گلچینی از داستانهای شاهنامه فردوسی و تاریخ دوران باستان

دوره کتابهای تاریخ مصور ایران شامل: دوران اساطیری شاهنامه فردوسی

تاریخ دوران باستان شامل: مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان

تاریخ دوران باستان شامل: دوران اساطیری و دوران تاریخی به زبان انگلیسی

کتاب نوروژ و کتاب تخت جمشید به زبان انگلیسی. این پنج کتاب با بیش از

پانصد تصویر همراه می باشد.

پوسترهای تاریخی ایران شامل: منشور حقوق بشر. نقشه بزرگ ایران. نقشه شیر نشان ایران...

بهای هر CD و DVD و کتاب بیست دلار و پوستر پنج دلار در شرکت کتاب

تلفن سفارش و نشانی بنیاد جمشید

۷۵۰۱ - ۴۷۳ (۳۱۰)

۶۰۷۷ - ۴۳۴ (۸۱۸)

1457 Butler Ave. #1- Los Angeles, California 90025

www.pictorialhistoryof Iran.com

Happy Asha Studio
Save Your Precious Moments With Us
Photography Videography
TV Production
Music Video
Wedding Film

فیلمبرداری و عکسبرداری
از مراسم و جشنهای شما
عروسی نامزدی تولد سدره پوشی
فیلمبرداری و عکسبرداری جشنهای خود را به ما بسپارید
و هنرنمای رنگی را برای آینده همیشه بگیریید

FOR MORE INFORMATION VISIT
WWW.HappyAshaStudio.com
949-680-5644



پیرو آیین زرتشت خودش را می سازد و باز میسازد و خود آفرینی میکند و از محدودیت های خودش را بیرون میکشد و به زندگی جهت میدهد. بنابراین یک پیرو زرتشت هیچگاه نایستی به عقب نگاه کند چون اندیشه گفتار و کرداری که درش زندگی کرده در وجدان آن ادغام شده و پیوسته است.

هدف از زندگی در دنیای مادی یک زندگی خوشبخت و شاد است. در صورتیکه باهمنوای (هارمونی) با دنیای مینوی ما باشد. پس از اینکه بدن ما به پیری و فرسودگی (مرگ) رسید جهان مینوی ما به زندگی خودش به سوی تکامل ادامه میدهد. حال جهت این تکامل را تعیین میکنیم!!

زرتشت در گاتها مکانی را که راستی بر دروغ چیره شده گرو دمنایا سرای سرود نامیده است. پیش از آنکه ما به این مکان خانه سرود وارد شویم، به دنیای دیگری وارد میشویم که نامش اشیی یا گنتا (جهان راستی) است. این جهان در برابر جهانی است بنام دروج دمنایا (جهان دروغ و فریب). تمامی این جهان ها مینوی هستند و هیچ موجودیت فیزیکی ندارند. زرتشت به همگان پیمان بسته که همه کسان که در راه اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک در پرتو راستی گام بر میدارند به سرای سرود خواهند رسید و با اهورامزدا برای همیشه هم زیست خواهند گردید. در جهان مینوی و در سرای سرود اهورامزدا که زرتشت در گاتها خود نویدش را میدهد این جهان، جهان خوشبختی همیشه و پایدار و همیشگی است. در درازای این مسافرت سرنوشت ساز، در پهنه هستی مردمان به وسیله وجدان های خودشان داوری خواهند شد. راست کاران به جهان راستی و دروغ کاران به جهان دروغ کشیده خواهند شد. زرتشت راهی را که جهان راستی از جهان دروغ جدا میکند راه چینوت (گذرگاه داوری) نام میگذازد. این خود ما هستیم (وجدان ما) که این داوری را میکند.

اهورامزدا هر چیزی را در این جهان به وسیله نیروی آفرینندگی خودش که به آن سپنتامینو میگوید در اندیشه خود آفریده است. اصل هر چیزی (فراورتنی=فرهوشی=فرورهر) در اندیشه اهورامزدا بطور کامل آفریده شده است. حال پرسشی پیش می آید چگونه است که در آغاز ما بطور کامل در اندیشه اهورامزدا درست شده ایم اما به زمین بطور ناقص آمده ایم!!!

نخستین کشفی که زرتشت در جستجوی راز هستی کرد قانون دوگانگی نیرو اندیشه بود. کسانی که از فلسفه زرتشت پیروی میکنند وظیفه دارند که نیروی مثبت بگیرند. نیروهای مثبت نیروی همچون درستکاری، شادی و مهر هستند. که انسان ها را به سوی خوشبختی و آرامش درونی میرد. نیروهای منفی نیروی همچون رشک، نفرت، خشم و فریب هستند که انسان را از کامل شدن و رسا شدن باز میدارند و به سمت رنج و درد میبرند.

خود انسان ها تعیین کننده میزان داوری مابین این دو نیرو است. انسان ها با بهره گیری از نیروهای سازنده و نیک اهورامزدا را یاری میدهند که نیروهای دروغ و ویران کننده را شکست دهند. در گاتها آمده است که دروغ را در دروغ کارسرو کوب کنید و نه خود دروغگو را.

هدف از آفرینش ما همکاری با اهورامزداست که بتواند نیروی نابود کننده را از بین ببرد. نیاز به کمک ما دارد و دلیل آفرینندگی هراسانی در این کره زمین همین است که این جهان را در هر لحظه و هر دم بهتر کند. فلسفه زرتشت تنها فلسفه ای است در دنیا با نشان دادن دوگانگی نیروها نواقص را در این دنیا بازگو میکند.

در پایان این نشست دو ساعته آقای دکتر خزائی به پرسش های باشندگان پاسخ دادند.

هتل نروید

خانه ای مبله در غرب تهران اجاره داده میشود

تهران - راستین مسکن

۸۸۰۰۵۷۵۷

۸۸۰۲۵۳۵۲

چکیده ای از سخنرانی آقای دکتر خسرو خزائی (پردیس) که در تاریخ اول مارچ ۲۰۰۹ در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار شد.

به کوشش: پرویز منوچهری

به کجا می رویم!!؟

هدف ما از زندگی و راز آن چیست و جهت به چه سوی است؟

زرتشت در گاتها خود به تمامی این پرسش ها پاسخ داده است. همه ما مردمان در این جهان در موقعیت بسیار شگفت انگیز و مبهم زندگی میکنیم و به نظر میرسد همه چیز از تسلط و کنترل ما بیرون است. با آمدن به این دنیای خاکی که هیچگونه درخواستی برای آن نکرده بودیم، دیدیم در چه کشوری، نژادی، جنسیتی، قری، شکل و قیافه ... بدنیا آمدیم که انتخاب ما با ما نبوده است. در این جهان موجودات برای حفظ بقا دیگر موجودات را میکشند و میخورند. مردمان روزی خواهند مرد.

ما بدست آفریدگاری ساخته و پرداخته شدیم که در آفرینش ما هیچگونه نظرخواهی نکرده است. پس خودمان ابزار ناتوان در دست یک آفریدگار خودسر دیدیم. بسیاری در برابر این استبداد شورش کردند بسیاری هم تسلیم شدند و این محدودیت را پذیرفتند و حتی این آفریننده را ستایش کردند ولی گروه کوچکی از مردمان در برابر این خودکامگی کوشش کردند که راهی برای رهایی انسان ها از تنگنا بچینند. نخستین کسی که در برابر این استبداد ایستاد و کوشش به یافتن نیروهای کرد که بتواند انسان ها را از این محدودیت غم انگیز رها کند زرتشت بود؛ چون او صدای دردناک انسان ها را شنیده بود و در جستجوی راز هستی رفت و نزدیک به صد پرسش از اهورامزدا هستی بخش خرد در کتاب گاتها خود میکند و کوشش در پیدا کردن راز میکند. ما در هیچ کتاب، آیینی و مذهبی نمی بینیم که یک نفر بخواهد با خرد خودش، راز زندگی، راز ناتوانی، راز... را بفهمد.

زرتشت در سروده یکم بند دوم میگوید: روان زمین میگرد و به تو گله میدارد چرا مرا آفریدی؟ چه کسی مرا بدینگونه ساخت؟ و چه کسی این همه خشم و سنگدلی و گستاخی را به من چیره نمود؟ و اکنون چه کسی جز تو میتواند مرا پشتیبانی نماید. مرا به سوی خوشبختی راستین راهنمایی کن.

زرتشت میدانند که خوشبختی راستین میسر نیست مگر اینکه مردمان از تنگنای محدودیت های خود آزاد شوند. هدف از بودن خود را روی این کره زمین بدانند و در نهایت بدانند که مقصد آنها کجاست و به کجا میروند! (و این جهان محدود را) استوان (جهان بدنی و مادی) نامید. در برابر این جهان فانی و گذرا زرتشت جهان دیگری را شناخت که نام آن (منهیه) (جهان اندیشه ای و مینوی) گذاشت. در این جهان قانون های فیزیکی جهان مادی پیاده نمیشود. این جهان از نیروهای نامحدودی درست شده اند که میتواند بزرگترین ابزار انسان برای رهایی از محدودیت های خودشان بشوند.

واژه اندیشه یا منهیه که زرتشت در گاتها بکار برده یک واژه کلی است که در برگیرنده نیروهای است که درون هر انسانی را درست میکند و به آن شکل و فرم میدهد و در نتیجه در جهت دادن به سرنوشت انسان ها هر دم شرکت میکند.

مهم ترین این نیروها را زرتشت شناخت و بینش درونی (وجدان)، تصور (پندار)، احساسات (سهش ها) درونی، آرزو-خاطره و آزادی گزینش نامید.

زرتشت دریافت که این دید و شناخت ما نسبت به زندگی است که جهان را می آفریند او دریافت که اگر زاویه دید خود را نسبت به جهان تغییر دهیم جهان هم تغییر میکند. زرتشت در پهنای اندیشه های خود دریافت که ما یک موجود آفریده شده نیستیم بلکه با نیروی اندیشه یا نیروی آزادی گزینش و احساسات و بینش درونی میتوانیم یک آفریدگار هم بشویم. اگر ما نیروی آفریدگی در دنیای مادی خودمان نداشته باشیم، در دنیای معنوی میتوانیم آفریدگار بشویم و خود را بازسازی و از نو بیافرینیم.

جهت این مسافرت مینوی را زرتشت نامش را هورواتات (تکامل به سوی رسایی) گذاشت. هورواتات که پنجمین فوزه اهورامزدا است، فلسفه زرتشت را به صورت یک فلسفه پویا (دینامیک) در آورد. یعنی همیشه در حال پیشرفت به سوی یک ایده آل. داروین که در سده ۱۹ از تکامل گفتگو کرد منظورش تکامل بدنی بود. ولی زرتشت تکامل مینوی و در زمینه وجدان و بینش ما صحبت کرد. بینش درونی یا به عبارتی دیگر همان وجدان که زرتشت نام آن را دینیا نام گذاشته، در هر لحظه قابل رشد و به سوی کمال است. چون شناخت های ما چه خوب چه بد در هر لحظه بیشتر میشود. بنابراین چون آزادی گزینش پیدا کردیم، این آزادی گزینش بزرگترین مسئولیت روی دوش ما است. یعنی جهت دادن به سرنوشت خود در پهنه هستی. جهتی که ما داریم در این زندگی البته جهتی است که ما به زندگی میدهم. بنابراین از دیدگاه زرتشت تکامل تنها و تنها با بینش درونی امکان پذیر است.

زرتشت نام آیین خودش را دینیا ونگویا نامید یعنی وجدان روشن و آرام چون برای زرتشت وجدان مهم ترین چیز است. راستی مهم ترین ویژگی یک پیرو آیین زرتشت است که هر دم، این پیرو در حال پیشروی به سوی یک ایده آل است. این پیرو نمی تواند در یک نقطه ساکن بماند باید پیشروی کند. این ایده آل که از آن گفتگو میکنیم همان رسایی است. در حال رفتن و رسیدن به رسایی است. ولی رسایی چیست؟ چه زمان میگوییم که ما به رسایی رسیده ایم؟ ویژگیهای رسایی چیست؟

دانش امروز به رسایی باور ندارد تئوری دانش میگوید ما در حرکت هستیم ولی مقصدی نیست! اما دانش زرتشت شناسی چگونه با این مسئله برخورد کرده؟ باید نخست به ژرفای فلسفه زرتشت در زمینه هستی شناسی برویم که چه میگوید! آنچه از گاتها بر می آید آفرینش یک آغاز دارد و یک پایان. در سروده هشتم بند پنج گاتها، زرتشت میگوید ای اهورامزدا آنگاه تو را افزاینده شناختم که تو را سر آغاز زندگی دیدم و دریافتم که تو برای هر گفتار و کرداری پاداش بر نهادهی. بدی برای بدان و نیکی برای نیکوکاران و این آیین در پرتوی سازندگی و خرد تو با انجام آفرینش و پایان زندگی برجای خواهند ماند. اینگونه که از گاتها بر می آید ما در اندیشه اهورامزدا آفریده شدیم. ای اهورامزدا آنگاه که تو را با اندیشه ام شناختم دریافتم که تویی سر آغاز و سرانجام هر چه هست. این ایده آلی است که پیرو زرتشت به سوی آن در حال پیشروی است. در حقیقت تمام جهان هستی به سوی پیشروی است هیچ چیزی در این جهان ساکن نیست و جهت شان پیشروی به سوی یک هدف است. در این تکامل یک

گات ها ، کتاب دینی زرتشتیان

از: موبد کورش نیکنام



هنگامی که از پیروان ادیان الهی درباره سخنان پیامبران پرسش می شود هر یک کتاب ویژه ای را معرفی می کنند که دربرگیرنده وحی و الهام خداوندی به آن پیامبر است. به همین روی مسلمانان ، قرآن مجید را کتاب آسمانی پیامبر خود معرفی می کنند و یهودیان و مسیحیان به ترتیب تورات و انجیل را نام می برند. پیش تر از آن، آیین یکتاپرستی در ایران باستان شکل گرفته و زرتشت ، پیامبری است که در گویش آن زمان، کلامش را به اوستایی بیان

کرده است. به این ترتیب هر جا سخن از کتاب دینی زرتشتیان باشد، در پاسخ از اوستا به نام کتاب دینی زرتشتیان یاد می شود. این پاسخ از یک سو درست به نظر می رسد زیرا این کتاب به زبان اوستایی است ولی هنگامی که تمام متون اوستایی بررسی شود با نگرش به موضوع بخش های اوستا و چگونگی نگارش هر متن از این کتاب نتیجه این است که همه بخش های اوستا گفته های اشوزرتشت نیست و تنها سروده هایی از اوستا که در بخشی از یسنا قرار گرفته است، از آن پیامبر ایران است و این بخش گات ها نام دارد. باید باور داشته باشیم که تاریخ تمدن، در سرزمین ایران بسیار فراتر از برخی کشورهای دیگر است پذیریم که ایرانیان ، پیش از دوره یکتاپرستی در این سرزمین ، در باورهای استوره یی خود بسیاری از آداب و رسوم ، پندار و گفته ها داشته اند و درباره آخرین نتیجه هایی که در پی هر رویداد طبیعی می گرفتند قوانین و آیینی تازه را در اجتماع خود رواج می دادند. از آنجا که زبان گفت و گوی مردم در روزگار باستانی ایران ، زبان اوستایی بوده تمام این سرودها ، نیایش ها و قوانین به اوستا معروف گشته اند. کتاب اوستا مجموعه یی است که بخشی از آن مربوط به سده هایی پیش از اشوزرتشت ، یعنی شروع آیین یکتاپرستی در ایران باستان است و به زبان مادری آن زمان سروده شده است در مجموعه ، سرودها و گفته هایی آمده که در باره باورهای دینی ، تاریخی ، گاه شماری ، بهداشتی ، دادگری و دانش های دیگر آن دوران است. به همین روی مجموعه اوستا که در تاریخ و ادبیات از آن یاد شده از پنج بخش تشکیل شده است. یسنا، یشت ها، ویسپرد و نندیداد و خرده اوستا.

خرده اوستا از همه بخش ها جوان تر است، گزیده بخش هایی از یشت های کهن با سرودهای جدید است. نمازهایی روزانه و سرودهایی درباره برگزاری مراسم آیینی و در گذشتگان در آن گنجانده شده است. و نندیداد که بخش دیگر است ، در زبان اوستا "وی دئو داته" یعنی قانون ضد دیو است. دیو در باور مردمان پیش از دوره یکتا پرستی ، خدایان پنداری ویران کننده بودند که می بایست برای آنان قربانی و فدیة انجام شود تا از خشم آنان کاسته شود. در این کتاب و به زبانی اوستایی سفارش هایی درباره پاکیزگی و احکام پرهیز از مردار مربوط به زمان باستانی ایران آمده است که در دانش زمان خود ارزشمند بوده و بیانگر نگرش مردم ایران باستان به اصول پزشکی ، بهداشت و قانون اجتماعی است. ویسپرد، یکی از بخش های اوستا است که وابسته به نمازها و نیایش های جشن گاهنبار است. این جشن ، شش مرحله در سال برگزار می شود که در آغاز به مناسبت های گوناگون پیشه کشاورزی شکل گرفته و اکنون با برپایی نیایش های همگانی به داد و دهش و پذیرایی پرداخته می شود.

یشت ها، سرودها و گفته های بسیار کهن است و در حماسه هایی به صورت نثر مسجع در ستایش ایزدان است که از مهمترین آنها اورمزد یشت، وهرام یشت، اردیبهشت یشت، مهر یشت ، هوم یشت و سروش یشت است که بخش دیگری از اوستا را تشکیل می دهد.

یسنا، نیایش هایی در ستایش پروردگار و آفریده های نیک اوست. سرودهای یسنا، ۷۲ بخش هستند که هر یک را "یسن" یا "هات" می گویند. یسنا از مهمترین بخش مجموعه اوستا به حساب می آید، زیرا سخنان و پیام اشوزرتشت در این بخش جای دارد. گات ها در مجموع ۱۷ هات از یسنا را تشکیل می دهد که خود نیز شامل پنج بخش به نام های آهَنود، اَشَتود، سپننه مد، وهوخستر، وهیشتوایش است. قسمت های دیگر یسنا نیز از نظر وزن و موضوع هماهنگی زیادی با پیام اشوزرتشت دارد و بی گمان از سرودهای شاگردان نزدیک پیامبر است. به این ترتیب گات ها ، تنها سخنان پیام آور ایرانی اشوزرتشت است و کتاب دینی زرتشتیان به حساب می آید.

سرودهای گات ها ، اندیشه برانگیز و آموزنده است. این پیام ، دانش فراگیری اخلاق نیک و ارزش های انسانی است و از روش درست زیستن و رستگار شدن سخن می گوید.

پیام گات ها برای پیشرفت کار جهان است. در این بینش سستی ، تنبلی و بیکاری روا نیست. نوسازی و تازه گردانیدن جهان هستی وظیفه انسان هاست ، گات ها ، کسانی را که با دانش و بینش خود در کار ، جهان را به پیش می برند و تازه می گردانند، سوشیانت می گویند. در پیام اشوزرتشت زن و مرد جایگاهی برابر و یکسان دارند. او باور دارد که هر دو از فروزه منش نیک برخوردارند، پس باید از خرد رسا بهره مند شوند و به سوی دانایی گام بردارند. شخص دانا پیوسته راستی را برمی گزیند. راستی در اندیشه، گفتار و کردار جای می گیرد و پیرو راستی با هنجار هستی یعنی اشاهماهنگ خواهد شد.

اشاء، نظم زمین و آسمان است و مردم نیز باید این هنجار را دریابند و به آیین راستی در آیند تا شایستگی انسان بودن را داشته باشند.

آیین راستی ، انجام کار درست در زمان مناسب در جای خود، با حساب و ابزار درست است. گات ها به کسانی که از روی راستی رفتار کنند اَشَوَن می گویند. در بینش گات ها ، راستی همواره پیروز است و دروغ مصلحت آمیز جایی ندارد. کسی که از دروغ پیروی کند در گونت نامیده می شود. دروغ تنها به گفتار نیست بلکه شامل اندیشه و کردار ناشایست نیز می شود. گات ها سفارش دارد تا همه رستگار شوند و باور دارد که روزی فرا خواهد رسید تا همگان به سوی دانایی و اشا روی آورند. آیینی که در پیام گات ها بیان شده است، آیین مهر و دوستی، آیین شادمانی و بالندگی، آیین مبارزه با کژاندیشی و گسترش راستی است. آیین کار و کوشش برای رسیدن به خوشبختی یعنی آسایش همراه با آرامش است. گات ها ، کتاب دینی زرتشتیان و پیام اشوزرتشت است.

آرامگاه اشکانی - ساسانی شوش زباله دانی شد



آرامگاه اشکانی و ساسانی شهر باستانی شوش که پیش از این به دستور رئیس سازمان میراث فرهنگی استان خوزستان برای ساخت هتل لاله گودبرداری شده بود، اکنون به صورت زباله دانی و محل تخلیه نخاله های شهری شوش درآمده است. این گودبرداری گودالی به وسعت یک زمین فوتبال به وجود آورده است.

این گودال برای ساخت هتل لاله

ایجاد شده بود. پس از آنکه طی اعتراض انجمن های میراث فرهنگی و همچنین باستان شناسان پیشکسوت ساخت این هتل منتفی شد، قرار بود تا این گودال دوباره با ملاحظات باستان شناسی پر شود اما گویا شهرداری شهر شوش و مردم آن قصد دارند با ریختن نخاله های ساختمانی این گودال باستانی را پر کنند. افزون بر آن، در دیواره محدوده خاکبرداری شده برای ساخت هتل لاله آثار مشخصی از خمره های تدفینی دوره ساسانی و اشکانی و لایه های باستانی وجود دارد که تصاویر آنها هم در رسانه ها انتشار یافته است.

گویا زمزمه هایی از سوی رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خوزستان مبنی بر ادامه ساخت هتل لاله به گوش می رسد.

یافت مهری با کتیبه ی «پیروزی کناد اهورامزدا»

مهری سفالی، بر جای مانده از روزگار ساسانی در استان گلستان یافت شد. بر روی این مهر، نوشتاری به خط پهلوی ساسانی دیده می شود که در برگردان (ترجمه) آن به زبان پارسی چنین آمده است:

«پیروز کناد اهورامزدا»

به گفته ی باستان شناس و سرپرست سازمان بازممانده های فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی شهرستان مینودشت، این مهر از جنس خاک پخته است و به گونه ی مقعر ساخته شده است. او گفت: «قطر این مهر ۲ سانتی متر و بلندی اش یک سانتی متر است. در بخش فرورفته ی مهر، نگاره ی دو شیر که روی پاهای عقب نشسته اند، دیده می شود و حیوان دیگری که بز می نماید نیز در میانه ی دو نگاره ی شیر قرار گرفته است.»

او افزون بر نگاره ها به نوشته ی این مهر نیز اشاره کرد و گفت: «در بخش بالای مهر به خط پهلوی ساسانی، واژه ی پیروز کناد و در بخش پایین مهر، واژه ی اهورامزدا نوشته شده است.» این نگاشته ی پهلوی ساسانی را نسرین فروتن، بازخوانی و برگردان کرده است.

مهر سفالی استان گلستان در شهرستان مینو دشت و در بررسی ها و بازدید های پلیس آگاهی شهرستان مینودشت، یافت شده است.

درخواست یارانه پولی

از کسانی که خواهان پرورش و گسترش ماهنامه ی زرتشتیان کالیفرنیا در زمینه های فزونی شمار، افزایش برگها و بهسازی نوشتارها هستند و توان دادن یاری های پولی دارند خواهشمندیم چک های یارانه ی خود را به نشانی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

8952 Hazard Ave.

Westminster, CA 92683

بفرستند و یا به یکی از شعبه های بانک واشنگتن میوچوال رفته یارانه ی خود

را به حساب شماره ۶-۳۳۴۶۷۵-۴۲۱ بریزید

California Zoroastrian Center

Zoroastrian Journal

Washington Mutual Bank

Account # 421-334675-6

مهرافزون

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

مغان چه کسانی بودند؟ و در تفسیر آن

دکتر بُرزو نجمی

پیش گفتار

هردوت و استرابو، مورخین یونانی، مغان و آیین مغانه را دینانی ویژه می دانستند که کاملاً با آیین پارس ها (دیانت زرتشتی) تفاوت داشت. در پایان حکومت اشکانیان و در عصر ساسانیان، یونانیان و رومیان روحانیان و کاهنان زرتشتی را مغان و دیانت زرتشتی را آیین مجوس می نامیدند. این تداخل و نادرستی از دوران ساسانی به وسیله ی مورخان و نویسندگان اسلامی به عصر اسلام وارد شد و دست آویزی جهت مبارزه فرهنگی واقع گشت و در نوشتار های قشریون مشرق زمین، واژه مَغ به چَم آتش پرست، مشرک (کافر) مجوس و... تعبیر شد و پایه ای قرار گرفت برای بسیاری از اتهامات و ناروایی های هزاران ساله که هنوز هم ادامه دارد. (کتاب آیین مغان - چاپ تهران - هاشم رضی، رویه ۱۰۴، ۱۰۹ و ۱۱۳).

من در این مقاله به نظریه های گوناگونی که در باره ی زرتشت نوشته شده اشاره کرده و کوتاه و فشرده به سوء تعبیرها و اصلاحات جملات بالا اشاره نموده ام تا خوانندگان یک تصویر کلی به دست آورده، خود به قضاوت و پژوهش بپردازند.

شوربختانه در این نوشتار نه جای بحث بیش از این است و نه اصولاً امکان بحث تنها در یک رساله وجود دارد. برای ادای حق مطلب باید به نظریات مختلف توجه کرد و به ویژه ادبیات پس از زرتشت را بررسی و دقیقاً با گاتاها مقایسه نمود و اثر دین آریاییان و وداها را نیز در آنها ارائه داد.

مَغ به چه معناست؟

مَغ در زبان پارسی آرش و گویش زیادی دارد که برای درک بهتر این واژه باید منابع گوناگونی مورد بررسی قرار گیرد. ۱. (در فرهنگ نامه ۶ جلدی دکتر معین رویه ۴۲۴۸ مَغ چنین معنی شده: عمق، ژرفا، گود- مَغ یا میغ، مگه، مگو= فردی از مغان، موبد زرتشتی، زرتشتی بطور اعم. سوی جایی کو نشانش کرده بود / چاه مَغ را دام جاننش کرده بود)

۱- در مانتره های زرتشت (سروده های اندیشه برانگیز زرتشت که بعدها گات ها نامیده شد و قدیمی ترین نوشته هاست) واژه ای به صورت مَغ دیده نمی شود. ولی واژه های مَگَه (Maga)، مَگَهیا و مَگَوَن (Magavan) (مهان، بزرگواران، پیشروان راستی و درستی) و ۹... بار به صیغه ی جمع آمده و به صورت صفت نام برده شده است. مگه در زبان پارسی مَز (م ز) و به پهلوی و پازند، مَس و به پارسی امروزه، مَه می باشد (جمع آن مَهان)، و به زبان مادی مَگَوُ شده که حالت فاعلی آن به زبان تازی به صورت مجوس و در زبان لاتینی- یونانی به شکل مَگوس (Magus) در آمده است. ۲ (ستوت یسن نوشته دکتر علی اکبر جعفری، چاپ تهران (۲-۳) مزدیسنا زرتشت و حکومت: مهندس آشتیانی رویه ۳۹۵، چاپ تهران)

در گات ها مَگَه (یا ریشه این واژه در پارسی امروزه مَه) به چَم، بزرگ، دانشمند، نیکومنش و نیک سرشت، و مَگَوَن (صفت آن می باشد) و بر حسب کاربرد و رساندن معانی جملات و نوشته ها به صورت مَگَهیا و مَگَم نیز آمده است.

۲- این واژه در اوستای پسین و وندیداد تغییر گویش و آرش پیدا کرده و در هر کدام فقط یک بار به صورت مَغو در وندیداد و مَگو در اوستا آمده است که معنی پیشوا یا روحانی را می دهد. نمی دانیم که نام مگو که همان مغان اوستای پسین و موبدان پهلوی هستند، از همان واژه ی مگه مشتق شده یا نه. پورفیروس این روحانیون را ماگوس می نامد (Magus) که سحر و جادو (Magic) هم از همین واژه است و مسلم است که مغان مادی همان مگه و ن گاتها نیستند.

در اوستای پسین مَگَه را دین راستی تعبیر کرده اند. طبق این برداشت، مزدا پرستی یک مَگوست و به همین جهت زرتشت را مَگو نامیده اند. واژه موبد در اصل مَگوپَت بوده که تدریجاً پَت در پهلوی به بَد تبدیل شده و مگو به مغ و موبد نیز به مَغ بَد بدل شده است. گویش بندری مَغ، مَخ (مُ خ) گفته می شود که به پارسی درخت خرما و به تازی نخل گفته می شود. مَغستان بندر عباس از روی نخلستان، نام تیره خود را حفظ کرده است. (ره آورد ۴۲ رویه ۳۱- دکتر علی جعفری)

باید تذکر داد که زرتشت در اوایل آموزگاری خویش انجمنی تشکیل داد به نام انجمن مَزَمک= مَگَوَن= یا مَهستان که اعضای اولیه ی آن چند نفر رادمردان و رادزان و خود او بودند. شرایط ورود به این گروه، دارا بودن اندیشه نیک، کردار نیک و گفتار نیک، فروزه و اخلاق نیک برادری و برابری، پیراسته بودن از تمام آرایش های پنداری بود و نیز افراد این گروه بایستی قبول می کردند که ازدواج نمایند و به نسل خود بیافزایند.

این گروه یک مجمع بود و همه برابر بودند و هر فردی را مَگَه و ن (نیکوکار) می نامیدند. وظیفه این افراد راهنمایی بشر به صفات فاضله و حذر از بدها بود. در شروع گردهمایی، مراسم نیای بسیار ساده و کوتاه و بی آرایش و آزاد و اختیاری را در هوای آزاد در مقابل نور طبیعی یا مصنوعی در محیط سرباز انجام می دادند و پس از انجام کارهای بایسته به کار خود ادامه می دادند. مراسم بسیار ساده و کوتاه این ستایش به مزدا و داده های آفریدگار در سه بند اول هات ۲۸ گات ها و هفتمین یسن ثبت و ضبط است. زرتشت جهت یا مکانی را برای ستایش تجویز نکرد و قبله را جهت نور قرار داد.

تفسیر واژه ی مَجوس

مَجوس واژه ای است به زبان تازی که پارسی آن مگوش است. برخی از نویسندگان پنداشته اند که این واژه از موی گوش آمده چون این افراد موی بلندی بر اطراف گوش داشتند (به گفته امروزه زلف داشتند) و برخی دیگر مجوس را دارنده ی گوش های کوچک تفسیر کرده اند. ولی هر دو این پندار نادرست است. مگوش نام خانوادگی یکی از بزرگان ماد در زمان داریوش بزرگ است که احتمالاً شاه یا وزیر و نام اصلی او زرتشت بوده است. بدون هیچ تردیدی، این همان زرتشتی است که از او به عنوان پادشاه مَغ یاد شده و با زرتشت بزرگ صاحب و سراینده گات ها، سده ها بلکه در حدود هزار سال فاصله زمانی داشته که از تیره ی آریایی یا پارسی بوده است. وجود همین زرتشت مَغ (شاه یا وزیر) است که باعث شده هر تسفلد دانشمند یهودی تبار و یک یا دو نفر دیگر او را به اشتباه زرتشت بزرگ، فیلسوف و پیام آور راستی و صلح تصور نمایند.

در سده های سوم و چهارم هجری اسپانیای مسلمان در معرض هجوم دزدان دریایی اسکاندیناوی واقع شد که مورخان و جغرافی دانان تازی اسپانیا و افریقای شمالی، عموماً اصطلاح مجوس را برای نامیدن آنها به کار برده اند. در قرآن نیز یک بار از مجوس یاد شده (سوره حج- آیه ۱۷) و می گوید که آنها مانند یهودیان و مسیحیان اهل کتاب هستند و پیامبر تاکید کرده است که با آنان در روز قیامت چون اهل کتاب رفتار خواهد شد که به این معناست که پیروان این ادیان می توانند ایمان دینی خود را در برابر پرداخت جزیه محفوظ دارند، بر خلاف مُشرکان (کافرها) که فقط اجازه داشتند تا از میان گروش به اسلام و مرگ یکی را برگزینند. (ایران و اسپانیا نوشته دکتر شجاع الدین شفا، رویه ۲۰۵ به بعد)

نویسندگان تازی روایت های متفاوت از «سرزمین مجوسان» نیز ارائه می دهند. قزوینی جغرافی دان ایرانی تبار، ایرلند را کشور مجوس ها معرفی می کند. ابن سعید المغربی و مقری مجوسان را زاده بریتانیا و ایرلند، و ادیسی آنان را ساکنان جزیره دانمارک می شمارند. به نظر می رسد که تاریخ نویسان تازی با دانش و آگاهی محدود هر کسی را که مسیحی، مسلمان و یا یهودی نبود، مجوس به شمار می آوردند (ایران و اسپانیا، رویه ۲۰۷ به بعد). بر خلاف نویسندگان تازی، نویسندگان مشهور اسلامی ایرانی تبار مانند شهرستانی، شیخ اشراق (سهروردی) و ابوریحان بیرونی توانسته اند به وضوح مجوس را از زرتشتیان جدا نموده و آنها را در مبحث نور و ظلمت لعنت کنند که مجوس ها اصحاب شرک بوده و باور آنها همیستار آموزش های زرتشت و پیروان راستین او و حکیمان پارسی بوده است. در تمام مناظره ها، بین ارباب ملل و نحل، مذهبی که گیر و ثنوی و مجوس و مَغ مزداپی و... نامیده شده اند جدا از پیروان زرتشت بزرگ دانسته شده اند. ابوریحان بیرونی و همچنین تاریخ دانان رومی- یونانی نیز به روشنی از این تفاوت یاد کرده اند. سهروردی تاکید کرده است که منظور از گبر، زروانیان می باشند (حکمت خسروانی- نوشته هاشم رضی- رویه ۴۵۲ به بعد).

اصطلاح مجوس در نزد مسیحیان غرب طنین آشناتری دارد. زیرا یادآور دیدار شاهان مَغ از عیسی کودک است. فقط سن ماتیو در انجیل خود از آنان بدون هیچ توضیحی نام برده است. تعداد آنان در این انجیل ذکر نشده و نامشخص است. در باره اسامی آنها نیز وضع به همین منوال است. سرانجام در سده ۷ میلادی نام آنها در نوشته ای که اصالت چندانی ندارد ظاهر شد. در باره ی شاه بودن آنها هم مدارکی در دست نیست و شاید نویسندگان خواسته اند با ارتقاء آنها به صف شاهان، پیش گویی شان را («باشد که تمام شاهان در برابر او زانو زمین زنند») به حقیقت برسانند. نام مغان که بر این رهروان شرقی نهاده شده بود، نظریه نویسندگان را دایر بر ایرانی بودن آنها تاکید می کند ولی نکات بسیار زیادی نامشخص مانده که وجود آنها را مشکوک و ساختگی می نماید. (ایران و اسپانیا- رویه ۲۱۰ به بعد و چند کتاب و نوشته های دیگر).

ادامه دارد....



رستوران حاتم

در جایی گرم و خانوادگی
با خوراک های خوشمزه ی ایرانی

سپارش خوراک برای میهمانی ها و همایش های شما
با بهای ارزان

HATAM RESTAURANT
1112 N. BROOKHURST #6
ANAHEIM, CA 92801
(714) 991-6262

۱۶ سکه باستانی در استان خوزستان کشف شد



بنابر گزارش سازمان بازمانده های فرهنگی ایران ۱۶ سکه باستانی از یک قاچاقچی اشیاء باستانی که قصد خروج از کشور را داشت در فرودگاه آبادان کشف و ضبط شد.

فرودگاه آبادان تنها دو پرواز خارجی به کویت و دوی دارد و گویا قاچاقچی دستگیر شده قصد فرار به یکی از این دو کشور نامبرده را داشته است.

از میان ۱۶ سکه یافت شده ۱۵ سکه الیمایی و ۱ سکه ساسانی است.

این سکه ها همچنان در اداره میراث فرهنگی آبادان است و هنوز تحویل سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خوزستان داده نشده است.

فرهنگ الیمایی از جمله فرهنگ های منطقه ای خوزستان است که پس از فرهنگ ایلامی در منطقه شکل می گیرد. الیمایی ها از جمله اقوام ملوک الطوائفی دوره اشکانیان بودند که در استان خوزستان برای مدتی زیستند.

اورامان؛ خاستگاه آیین زرتشت است



روستای بزرگ و تاریخی اورامان تخت از توابع شهرستان سروآباد در استان کردستان میان سلسله کوه های تخت و شاهو و کوسالان قرار گرفته است که از جنوب به شهرستان پاوه از شمال به شهر میوان از غرب به سلسله کوه های تخت و از شرق به شهر سروآباد منتهی می شود. این روستای زیبا و کم نظیر در دره ای با صفا و سرسبز با چشمه ها و باغ های زیبا قرار گرفته است. دره اورامان در امتداد سلسله جبال تخت بین کوه تخت

و قلعه معروف اورامان که نظاره گر خانه های پلکانی سنگی با پنجره های آبی رنگ ساخته شده، واقع است. اما نگاهی گذرا به غارهای اطراف و نقوش های متعدد روی صخره ها و تخته سنگ ها، فرهنگ عامه، آیین های سنتی، صنعت های دستی، ادبیات عرفانی درمی یابیم که ساکنان این روستا بازماندگان اجدادی هستند که غارنشینی، کوهنشینی و دوره شکار و گردآوری و روستانشینی را تجربه کرده اند.

آری خودکفایی در پوشاک، ابزار، طب سنتی، خوراک، آداب و رسوم و جنبه های دیگر زندگی گواهی دیگر بر این مدعا است. چراکه همیشه اصالت و قدمت به مردم و قومی است که کور کورانه تقلید نکرده باشند، بلکه هر آنچه در خانه در کوزه و بر سر سفره و هر آنچه که بر تن داشته باشند، حاصل توانایی کوشش، ذوق و سلیقه و مهارت افراد آن قوم یا جامعه باشد.

اورامیها با دانش بومی خود در بستر زمان از تمامی عناصر طبیعی منطقه سودجسته و از این طریق ضامن بقای خویش در برابر ناملایمات زمانه خود بوده اند. استفاده از غار به عنوان پناهگاه در مقابل حیوانات وحشی و درنده، استفاده از گیاهان وحشی برای غذا و درمان بیماری های مختلف، استفاده از چوب درختان سخت، جهت ابزارسازی و صنایع دستی، استفاده از شکار جهت تغذیه و لباس و ظرف آب و غیره. همه و همه کانال همواری است که انسان امروزی را به گذشته های بسیار دور رهنمون می سازد.

گذشته نزدیک تر را در اورامان با آیین های سنتی به نظاره می نشینیم. روستایی که موبدان زرتشتی آتشکده های ارومیه برای حل مشکلات اجتماعی سیاسی و دینی خود دست به دامان مردان اندیشمندان نشسته اند. آری اورامان خاستگاه آیین زرتشت بزرگترین دین جهان است. سرزمین بزرگترین آیین های باستانی دنیا از جمله مراسم هرساله پیرشالیار که برگ زرین دیگر بر این مدعا است.

اهالی روستا آب و زمین را مقدس می دانند و از این جهت کمر همت بر بسته اند تا قطره ای آب هدر نرود و اندک زمینی بایر نماند. سخت کوشی شان در باغات تراس بندی شده روی شیب های تند و چشمه های جوشانی که از دل کوه های سخت خروشانند، نمایان است.

اورامی ها اکنون خوش نشینند و خوش خوراک و شیک پوش و اگر از در و نمای خشکه چین بیرون خانه شان بگذری در درون با مبلمان و دکوراسیون شهری مواجه می شوی و روی فرش خانه سفره ای رنگین بگذریم از اصالت و دانش و غیره اش و به میان طبیعت افسونگرش آنجا که صدای دلنشین اهورایی سیاحمانه تمام دلها را به سفری بی انتها فرامی خواند... و آنجا بازخوانی خاطرات خوشایند و ناخوایند زندگی پرفراز و نشیبی که لحظه لحظه آن با کوه های سر به فلک کشیده و طبیعت زیبای این دیار عجین شده است. در میان دره های دلننگش آنجا که صدای زنگ گله آدمی را خیره می کند راستی این چه وادی است که اینگونه چون فریبا دلربا است اگر به میان کوه های سر به فلک کشیده اش پابگذاری تنها آوای کیکان خوش خرام نیست که دل را می فریبد، بلکه گیاهان خوشبوی وحشی اش که نسیم دره هایش آنان را وزان کرده است با زبان بی زبانی آدمیان را به سوی خویش فرامی خوانند.

اورامان را باید دید نه در فیلم و تصاویر بلکه باید توشه سفر بر بست و بال سفر گشایی.

(واخواست) اعتراض انجمن زرتشتیان تهران به فیلم چارچنگولی



انجمن زرتشتیان تهران در نامه ای که به تاریخ ۱۵ دی ماه نگاشته شده است، اعتراض رسمی خود را به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی جهت ساخت و پخش فیلم چارچنگولی اعلام نموده است. در این نامه اینگونه می خوانیم:

گرامی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
جناب آقای دکتر صفار هرندی
با درود

انجمن زرتشتیان تهران به عنوان یک ارگان فرهنگی هازمان (جامعه) زرتشتی اعتراض خود را نسبت به پخش فیلم (چارچنگولی) با بازی رضا شفیعی جم و جواد رضویان و به کارگردانی سعید سهیلی را به آن مقام عالی اعلام می کند.

در این فیلم سینمایی که در حال حاضر نیز در سینماهای ایران بر روی پرده است شوربختانه نماد سپندینه ی فروهر (این نماد به طور کامل در دفتر پیوست ۹۷ و ۹۸ شرح داده شده است) بر تی شرت یک پسر خیابان گرد که مزاحم نوامیس مردم می شود، نقش بسته است. حال که این گونه فرهنگ پر بار خود را به سخره می گیریم و بسیار راحت آن را زیر پا می گذاریم، نباید انتظاری از سینمای غرب داشته باشیم که فیلم ۳۰۰ را نسازد.

همچنین اشعار کهن پارسی توسط شخصیت "بهرام" که نقش او را جواد رضویان بازی می کند به مضحکه گرفته شده است، شایسته است توسط جنابعالی و دیگر همکارانتان نسبت به ساخت اینگونه فیلم ها که باعث تخریب فرهنگ غنی ایرانی می شود، نظارت دقیق تر و کافی به عمل آید.

با سپاس
ریس انجمن زرتشتیان تهران
سرهنک دکتر رستم خسرویانی

(واخواست) اعتراض به کتاب فرهنگ و تمدن اسلامی

نامه ی اعتراض انجمن موبدان تهران برای کتاب « فرهنگ و تمدن اسلامی

انجمن موبدان تهران به نامه درخواست اسفندیار اختیاری در رابطه با اصلاحیه بخشی از کتاب فرهنگ و تمدن اسلامی پاسخ داد.



در این نامه اشکالات و سو برداشتهایی که در بخشی از این کتاب درباره دین زرتشتی شده است، از سوی موبد دکتر اردشیر خورشیدیان فرنشین انجمن موبدان توضیح داده شده است، و جهت پیگیری به نماینده ی زرتشتیان در مجلس فرستاده میشود.

در بخشی از کتاب فرهنگ و تمدن اسلامی نوشته ی دکتر محمد صادق غلام جمشیدی، برای درک سادگی احکام دین اسلام، نویسنده با مقایسه ی دین زرتشتی، که در آن بخشی از نوشته های وندیداد را به عنوان کتاب آسمانی یاد میکند، و همچنین با پیچیده معرفی کردن دین زرتشتی، این سادگی را برای دانشجویان تفهیم میکند.

این کتاب که در دانشگاه پیام نور تهران تدریس میشود و بنا به درخواست چند تن از دانشجویان زرتشتی از نماینده ی زرتشتیان در مجلس جهت پیگیری برای درست کردن این بخش از کتاب، این نامه نگاریها انجام شد.

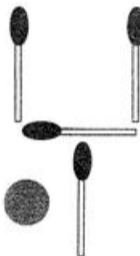
سالنامه بهار ۱۳۸۸ خورشیدی برابر با ۳۷۴۷ زرتشتی

سفید بازی را شروع و در دو حرکت مات می کند



A B C D E F G H

فقط با حرکت دادن ۲ تا از چوب کبری تنها سکه را داخل جام قرار دهید.



مجموع نقطه های سوی ناپیدای این طاس ها چندتا هستند؟



کارت سفید چه کارتی می باشد؟



• ده سکه را طوری قرار دهید که هر ۴ سکه روی یک خط باشند و تعداد خط ها از ۵ تا بیشتر نباشند.

• شماره بعدی این عددها چیست؟
۴۲ - ۳۰ - ۲۰ - ۱۲ - ۶ - ؟
۱۰ - ۱۵ - ۲۵ - ۳۵ - ؟
۱۹۹ - ۲۸۰ - ۳۴۴ - ۳۶۰ - ۳۹۶ - ؟

• ساعت شما خراب است. آن را سر ساعت ۴:۱۲ پسین درست می کنید. درست ۳ ساعت بعد، ساعت ۸ پسین را نشان می دهد. درست ۲ ساعت بعد، ساعت ۱۰:۳۲ را نشان می دهد. بامداد که از خواب برمیخیزید ساعت شما ۶:۴۶ را نشان می دهد. ساعت درست چند است؟

March/April 2009		فروردین ۱۳۸۸			زرتشتی ۳۷۴۷	
آدینه FRI	پنجشنبه THUR	چهارشنبه WED	سه شنبه TUE	دوشنبه MON	یکشنبه SUN	شنبه SAT
۷ امرداد دیدار پیر هریش 27	۸ خرداد دیدار پیر هریش 28	۹ سپندار مزد دیدار پیر هریش 29	۱۰ شهریور دیدار پیر هریش 30	۱۱ اردیبهشت دیدار پیر هریش 31	۱۲ وهرم دیدار پیر هریش 1	۱۳ اورمزد و فروردین ماه دیدار پیر هریش 2
۱۴ کوش نیر 3	۱۵ نیر سیزده نوروز 2	۱۶ ماه نیر 1 April	۱۷ خور (خبر) دیدار پیر هریش 31	۱۸ آبان دیدار پیر هریش 30	۱۹ آذر دیدار پیر هریش 29	۲۰ دی یادر دیدار پیر هریش 28
۲۱ رام نیر 10	۲۲ وهرام 9	۲۳ فروردین جشن فروردینگان 8	۲۴ رشن 7	۲۵ سروش 6	۲۶ مهر 5	۲۷ دی بهر 4
۲۸ زامیاد 17	۲۹ آسمان 16	۳۰ اشناد 15	۳۱ ارد 14	۱ دین 13	۲ دی بدین 12 Easter	۳ باد 11
				۳۱ اردیبهشت ماه 20	۳۰ انارم 19	۲۹ مانتره سیند 18

April/May 2009		اردیبهشت ۱۳۸۸			زرتشتی ۳۷۴۷	
آدینه FRI	پنجشنبه THUR	چهارشنبه WED	سه شنبه TUE	دوشنبه MON	یکشنبه SUN	شنبه SAT
۴ سپندار مزد 24	۵ شهریور 23	۶ اردیبهشت جشن اردیبهشتگان 22	۷ وهرم نیر 21			
۱۱ ماه گاهان بار نیر 1 May	۱۲ خور (خبر) گاهان بار چهره میدوزم سه 30	۱۳ آبان 29	۱۴ آذر 28	۱۵ دی یادر 27	۱۶ امرداد 26	۱۷ خرداد 25
۱۸ فروردین 8	۱۹ رشن 7	۲۰ سروش 6	۲۱ مهر 5	۲۲ دی بهر 4	۲۳ کوش گاهان بار نیر 3	۲۴ نیر گاهان بار 2
۲۵ اشناد 15	۲۶ ارد 14	۲۷ دین 13	۲۸ دی بدین 12	۲۹ باد 11	۳۰ رام 10 Mother's Day	۳۱ وهرام 9
	۳۱ وهرم نیر 21	۳۰ اورمزد و خور دادماه 20	۲۹ انارم 19	۲۸ مانتره سیند 18	۲۷ زامیاد 17	۲۶ آسمان 16

May/June 2009		خرداد ۱۳۸۸			زرتشتی ۳۷۴۷	
آدینه FRI	پنجشنبه THUR	چهارشنبه WED	سه شنبه TUE	دوشنبه MON	یکشنبه SUN	شنبه SAT
۱ اردیبهشت 22					۳۱ اردیبهشت 21 Father's Day	۳۰ وهرم نیر 20
۸ آبان 29	۷ آذر 28	۶ دی یادر 27	۵ امرداد 26	۴ خرداد جشن خور دادگان 25 Memorial Day	۳ سپندار مزد 24	۲ شهریور 23
۱۵ سروش 5	۱۴ مهر 4	۱۳ دی بهر 3	۱۲ کوش نیر 2	۱۱ نیر 1 June	۱۰ ماه نیر 31	۹ خور (خبر) 30
۲۲ دین 12	۲۱ دی بدین 11	۲۰ باد 10	۱۹ رام نیر 9	۱۸ وهرام 8	۱۷ فروردین 7	۱۶ رشن 6
۲۹ اورمزد و نیر ماه 19	۲۸ انارم دیدار پیر سبز 18	۲۷ مانتره سیند دیدار پیر سبز 17	۲۶ زامیاد دیدار پیر سبز 16	۲۵ آسمان دیدار پیر سبز 15	۲۴ اشناد دیدار پیر سبز 14	۲۳ ارد 13

مهر ایران زمین

اگر ایران بجز ویران سرا نیست
من این ویران سرا را دوست دارم
اگر تاریخ ما افسانه رنگ است
من این افسانه ها را دوست دارم
نوای نای ما گر جانگدازست
من این نای و نوا را دوست دارم
اگر آب و هوایش دلنشین نیست
من این آب و هوا را دوست دارم
بشوق خار صحراهای خشکش
من این فرسوده پا را دوست دارم
من این دلکش زمین را می پرستم
من این روشن سما را دوست دارم
اگر بر من ز ایرانی رود زور
من این زور آزما را دوست دارم
اگر آلوده دامانید اگر پاک
من ای مردم شما را دوست دارم
www.farsinet.com/poetry نقل از کتاب کویر اندیشه پیمان بختیاری

تا یک جوانه باقیست

گفتی که نوبهاران ، از یاد رفتنی نیست
وان خاطرات شیرین ، بر یاد رفتنی نیست
گفتی که زندگانی ، در شور عشق پیداست
تا یک جوانه باقیست ، نوروز مُردنی نیست
نوروز می خُرامد با صد هزار آذین
بنگر که این تجلی ، هرگز نهفتنی نیست
از درد عشق گفتی وز مرگ عاشقانه
اما بهار دل ها ، هرگز فُسرَدنی نیست
از دیو شب چه ترسیم؟! فردای ماست روشن
دانی که شام تیره ، تا صبح ماندنی نیست
نوروز می گشاید دروازه های زَرین
در شهر روشنائی ، خورشید رفتنی نیست
در کوچه باغ یاران ، گل های یاس پژمرد
بی باد نوبهاران ، گل ها شکفتنی نیست
دشمن درون خانه است ، هُشدار ای برادر
این درد با که گویم؟ هر غصّه گفتمنی نیست
در سرزمین جمشید ، ضحاک لانه کرده ست
وین دیو اژدها سر ، بی کاوه رفتنی نیست
مهری است در دل من ، پیوسته با وجودم
این رشته محبت ، هرگز گسستنی نیست
در جان من نهان است آن شعله مقدس
وین جاودانه آتش ، هرگز فُسرَدنی نیست
ما رهروان عشقیم ، پیغام ما رهائی
بخشایش است و بخشش، مارا که دشمنی نیست
بر پرچم تو زبید ، خورشید و شیر و شمشیر
وین نقشِ جاودانه ، هرگز زدودنی نیست
داغی فتاده بر دل ، هر جا شقایقی هست
وین لاله های خونین ، از خاک رُستنی نیست
آئین تازیان را ، فرجام کار ، مرگ است
"ایران" جاودانه ، ای دوست! مُردنی نیست

بزرگمهر وزیری
هوستون ، تکزاس
مارچ ۲۰۰۳

www.farsinet.com/vaziri

ای وطن

ای وطن! ای گم شده در یادها
خفته در نجوای تو فریادها
ای وطن! با من بگو: تو چیستی؟
خاک ماننی؟ مَرَدَمی؟ یا کیستی؟
ای وطن! ای جنبش رگ های من
ای همه پیدا و ناپیدای من
ای وطن! ای گوهر تاریخ ما
در تو زنده ، هم بُن و هم بیخ ما
ای وطن نامت طلوع زندگیتست
روشن از تو شعله پابندگیتست
تو ، همان تاکی و ما آن شاخه ها
شاخه ها از تاک ها مانده جدا
ای وطن! آهنگ مرگت کرده اند
چون درختی برگ برگت کرده اند
ای وطن! رنجور و گریان آمدی
ای وطن! سر در گریبان آمدی
ای وطن! ای خسته از تقدیرها
ای وطن! بر پای تو زنجیرها
ای وطن! داغ شقایق بر دلت
می چکد خون از تن بی حاصلت
ای وطن! ای سرو زخمین بلند
از چه بینم این چنینت مُستمند
ای وطن! در چنگ دزخیمان اسیر
کی برآید از تو فریاد و نقیر
ای وطن! دستی بر آر از آستین
جنبشی کن ، روی آزادی ببین
ای وطن! از خواب تنهائی بخیز
چشم بگشا ، با سیاهی در ستیز
ای وطن! تو آن نگین خاتمی
چندگاهی بر کف اهریمنی
دل قوی دار و زغم آزاد باش
لب گشا و خود همه فریاد باش
بانگ آزادی برآید از لب
شعله می خیزد ز جان پُر تَبَت
صد هزاران کاوه دیوان ستیز
سر بر آورند همچون رستخیز
کاوگان فریاد پیروزی دهند
چون فریدون بانگ بهروزی دهند
باز دیوان را به زندان می کنند
خانه ابلیس ویران می کنند

بزرگمهر وزیری
هوستون اگوست ۲۰۰۱

www.farsinet.com/vaziri

بروید تا بمانم

بروید تا بمانم، بروید تا بمانم
که من از وطن جدایی، بخدانمی توانم.
چو مجال تن شود طی، چو بریزدم رگ و پی
تو همان "حکایت نی"، شنوی ز استخوانم.
شب غربت ار چه رنگین، ز بلور و نور و آئین
به چه کارم آید این، که در او نه شادمانم؟
ز گداز ه های آتش، شب و روز در کشاکش،
چو خیال من، مشوش، شده در ذهن آسمانم.
گل روشنی نهان به، خفه در چرخاندان به
که به گوشها سنان به، ز خروش گز مگانم. [...]
اگر این کیود ایوان، نه گشاده است و خندان
ز من است و شهروندان، نه به وام، سایبانم
به امید روز بهتر، پی گام، گام دیگر
ز ده ام به سوی باور، بروید تا بمانم...

به کوشش:
مهزاد شهریاری

بهمن ۵۹

نشان تو

از کوچه پرسیدم نشانت را نمی دانست
آن کفشهای مهربانت را نمی دانست

رنجیده ام از آسمان ، قطع امیدم کرد
دنباله ی رنگین کمانت را نمی دانست

اینگونه سیب سرخ هم از چشمم افتاده ست
شیرینی اش ، طعم لبانت را نمی دانست

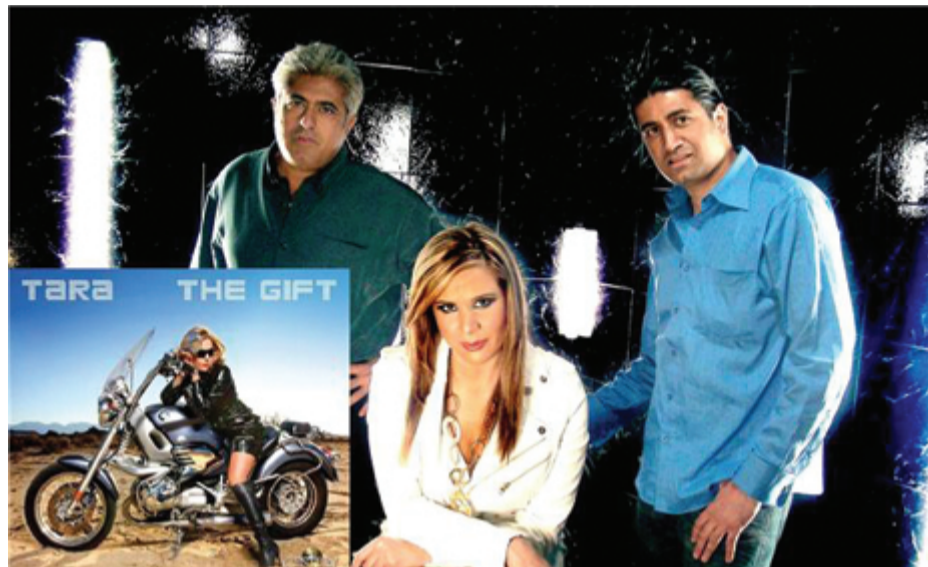
قیچی شدم ، بال و پر را یک به یک چیدم
سمت وسیع آسمانت را نمی دانست

لای ورقها ، نامه ها ، دفترچه ها گشتم
حتی کتابی داستانت را نمی دانست

گفت و شنودی با یک هنرمند ایرانی

بهرام بانکی

از: نسرین اردیبهشتی



در سپتامبر ۲۰۰۸ کمپانی Century Records USA یک آلبوم موسیقی ایرانی تولید کرد که توجه همگانی را بخود جلب کرد. این آلبوم که «هدیه» نام داشت ۹ آهنگ داشت که توسط دو جوان زرتشتی به نام های بهرام و مهرداد بانکی ساخته شده بود.

به دنبال پیروزی این آلبوم بود که بر آن شدیم با بهرام بانکی، این جوان خوش چهره و موفق زرتشتی، که هم اکنون در سن دیاگو زندگی می کند، تماس بگیریم و پرسش هایی را که در ذهن ایرانیان هموطن و بخصوص جامعه زرتشتی با او بود در میان بگذاریم تا دریابیم که چگونه ایشان توانسته اند چنین موفقیتی را در بازار پر رقابت شعر و هنر و موسیقی ایرانی کسب کنند.

پرسش: از بهرام بانکی می پرسیم که موسیقی چه نقشی را در زندگی او بازی می کند؟ پاسخ: گوش دادن به موسیقی به من حال و هوایی را می دهد که کسان دیگر در چیز های دیگری جستجو می کنند و نبودن آن کمبود بزرگی در زندگی است.

پرسش: بهرام استعداد تو در موسیقی ایرانی چیست و چگونه آن را یافتی و در خودت پرورش دادی؟ پاسخ: شوربختانه من خودم هیچگونه آلت موسیقی نمی نوازم. در زندگی تلاش کردم که بتوانم آلت موسیقی یاد بگیرم ولی فکر می کنم که کسانی که در نواختن موسیقی مهارت دارند مثل کسانی که خدادادی دارای صدای خوش هستند از ابتدا با این استعداد دنیا می آیند و از اول این ذوق و هنر درشان وجود دارد و سپس پرورش می یابد. اما نداشتن آلت موسیقی مرا از دنبال کردن هدفم باز نداشت و سالها به عنوان دی جی در عروسی ها و میهمانی ها و کنسرت های بزرگ عشق و علاقه خودم را به این هنر نشان دادم.

در اینجا باید از پدر عزیزم، دکتر شهریار بانکی و فرنگیس مادرم عزیزم و همه دوستان و نزدیکانم که در حفظ فرهنگ ایرانی ام به من یاری کرده اند سپاسگزاری کنم.

پرسش: تاکنون چه موفقیت هایی در کار موسیقی دست یافته ای و آینده خود را چگونه می بینی؟

پاسخ: باید بگویم قبل از اینکه وارد این دوره از کار موسیقی ام بشوم با خواننده محبوب خودم شهرام شمس از طریق برادرهایم که با شهرام همکلاس بودند آشنا شدم. موسیقی شهرام شمس آرامش دهنده روح من بود و از این طریق بود که این فرصت را یافتم که در کنسرت های شهرام پشت صحنه حاضر شوم و تجربه های زیادی از این راه در هدفی که داشتم بیاموزم. بدینوسیله با خوانندگان، موسیقیدانان و نوازندگان ایرانی فراوانی آشنا شدم. همکاری با شهرام شمس به من آموخت که چگونه هنرمندان از احساس عمیق درونی خود برای کارشان الهام میگیرند و آن چیزی بود که من بدنبالش بودم.

اولین آهنگی که ملودی و اشعارش را نوشتم آهنگ « کریسمس در لاس و گاس» بود که نتیجه ی تجربه های شخصی من در سالهای شروع کارم بود. تارا هنرمند محبوب که در آن زمان خواننده ی شناخته شده ای بود به دنبال تولید آلبوم سومی برای خودش بود. و من وقتی پیشنهاد خود را در مورد تولید آهنگ « کریسمس در لاس و گاس» را به ایشان کردم با کمال میل قبول کرد که هنرمند صاحب نام آقای منوچهر چشم آذر تنظیم این آهنگ را انجام داد و ویدیو این آهنگ هم در مدتی کوتاه تهیه شد و به بازار آمد که بزودی در همه کانالهای تلویزیونی پارسی زبان پخش شد.

با تولید این آهنگ بود که پای من به دنیای موسیقی باز شد؛ چیزی که برای سالها رویا و هدف من بود. این تازه آغاز کار بود و موفقیت همین آهنگ بود که مرا تشویق به نوشتن ۶ آهنگ جدید کرد که همه آنها را از تجربه های شخصی ام الهام گرفته اند. تارا همه این آهنگ ها را پسندید و با کمک موسیقیدانانی مثل شهرام آذر و آقای چشم آذر توانستیم یک آلبوم جدید با مدیریت برادرم مهرداد به نام «هدیه» در سپتامبر ۲۰۰۸ تولید کنیم. در اینجا از تارای عزیز که نه تنها صدای خوشی دارد بلکه بسیار پر مهر است سپاسگزاری می کنم که به من این موقعیت را داد که با او کار کنم. من برای تارا آرزوی موفقیت روز افزون می کنم.

پرسش: بهرام جان چگونه می توانیم از کارهای جدید تو با خبر شویم و از کجا می توانیم آنها را تهیه کنیم؟ پاسخ: آلبوم «هدیه» که بوسیله ی Century Records USA تولید شده است در بیشتر مراکز ایرانی در امریکای شمالی و اروپا موجود است. همچنین علاقمندان می توانند در روی وب سایت های محبوب ایرانی چون

www.CenturyRecordsUSA.com
www.eworldrecords.com
www.musicboxla.com
www.radiojavan.com

آهنگ های مرا پیدا کنند.

من در حال حاضر مشغول کار کردن روی ۲ آهنگ تکی هستم. مژده بدهم که منتظر یک آهنگ جدید رقص که توسط تارا و خواهرش سوفیا ساخته شده باشید. همچنین مشغول ساختن یک آهنگ با یک گروه زرتشتی هستم. آهنگی هم با خشایار آذر در دست تهیه دارم.

از بهرام بانکی در باره تاثیر زرتشتی بودنش در کار هنری اش می پرسیم. او می گوید:

باورهایم در باره دین زرتشتی همیشه در زندگی نقش بسیار مثبتی داشته است. ایمان من به اهورامزدا و زرتشتی بودنم به انتخاب خودم بوده است. به زرتشتی بودن خود افتخار می کنم. در حقیقت اولین شعرم را در سال ۱۹۹۵ به نام «زرتشتی بودن» یا «زرتشتی زیستن» نوشتم که دایمی عزیزم رشید پارسی آهنگ آن را ساخت و مادر عزیزم فرنگیس بانکی آن را با صدای خوش خود خواند. این شعر و آهنگ در روی اینترنت موجود است.

بهرام می گوید: «دوست دارم که از همه دوستان و علاقمندای که همیشه با بودن در کنارشان به من انرژی مثبت داده اند تا بتوانم هدفم را دنبال کنم سپاسگزاری کنم.»

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا کامیابی و پیشرفت بیش از پیش بهرام بانکی را آرزومند است.

جشن نوروز و زادروز اشوزرتشت بر همه

جویندگان راه راستی فرخنده باد

دکتر کورش کیخسرو شاهرخ و همکاران

نمایندگی بیمه کسروی

جشن نوروز و خجسته زاد روز نخستین پیامبر آریایی
زرتشت اسپنتمان را شادباش می گوید
شادمانی و نیرومندی شما آرزوی ماست

۷۱۴ - ۵۴۲ - ۳۰۱۴

آگاهی

برگزاری آیین های شما در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا



برگزاری آیین های سدره پوشی، نامزدی، عروسی، جشن زاد روز و دیگر آیین ها و کارهای وابسته به آنها از فرستادن کارت تا پذیرایی و بدرقه ی مهمانان همه و همه را می توانید یکجا برای شما آماده و در دسترس شما گذاشته شود.

بسته ها شامل دکوراسیون، سیارش خوراک، درست کردن سفره، گواه گیری، فیلم برداری، آماده نمودن همه گونه شیرینی و خوراک های ایرانی و خوراک های سنتی می باشد.



برای آگاهی بیشتر با دفتر مرکز زرتشتیان کالیفرنیا زنگ بزنید

۷۱۴ - ۸۹۳ - ۴۷۳۷

GOOD THOUGHTS



The ZOROASTRIAN Journal

Volume IV, Issue 1

California Zoroastrian Center

Spring 2009/3747 Zoroastrian Calendar

Cover Story:

A new day

Other Topics:

- Berlin to hold Shahnameh Congress
- Atar is an Avestan word
- SOME HISTORICAL ASPECTS ON JASHNE SADEH
- Writer's Block
- Forever Persian Gulf



Sabalan Mountain- Iran



The Zoroastrian Journal

Vol. IV No.1
Publish: Quarterly
Spring 2009

Topics:

Religions, Culture, Social,
Science, History, News...

Senior Editors:

Bahram Deboo
Shahrooz Ash

Chief Editor:

Mehrdad Mondehari

Director and Publisher:

California Zoroastrian Center
A Non Profit Organization

Typesetting & Page layout:
Hassan Alizadeh

Printed By:
LA WEB PRESS

Authors/Writers

Dr. Niaz Kasravi
Shahrooz Ash
Mahzad Shahriari
Armita Dalal
Roya Waltman
Mobed Bahram Deboo
Tehran SoParvaz
Dr. Sirouss Mobed
Nasrin Ordibeheshti
Roya Behmardian
Roshan McArthur

Email: info@CZCJournal.org
Tel: 714- 893-4737
Fax: 714- 894-9577

WWW.CZCJOURNAL.ORG



CALIFORNIA ZOROASTRIAN CENTER

8952 HAZARD AVENUE
WESTMINSTER, CA 92683
U.S.A.

(714) 893-4737 Fax (714) 894-9577

www.czc.org

Email: info@czc.org

**Ahura Mazda [Wise Lord] is the Zarathushtrian God.
Zarathushtrians believe in Good Thoughts, Good Words and Good Deeds.
Asho Zarathushtra Spitaman is our prophet and teacher.**

The Zarathushtrian sacred text is called the Avesta. The five Gathas in the Avesta are the very divinely inspired words of Asho Zarathushtra, the holiest of the holies. The Zarathushtrian religion is the oldest monotheistic religion in the world, dating back to the fourth millennium. According to Zarathushtra there is only one God. True Zoroastrians follow the path of Asha [Righteousness]. Our religion teaches us to respect these four elements; Water, Fire, Air and Earth. Zarathushtra says that the divine is present within each one of us and in all things. This divine flame should not be contaminated, but sustained by good thoughts, good words and good deeds. In the Avestan text Yasna 17.11, Zarathushtra expresses his beautiful thought by speaking of the fire in all things, the fire within each one of us. If the divine is present in all of us, then one must accept that Humans are divine. In fact all beings with life are a divine creation of the creator. Zarathushtra is the first person to advocate freedom of choice; in the Gathas it is stated that Ahura Mazda made us such. This is why Zarathushtra is known to be the father of free will.

'Zoroastrianism is the oldest of the revealed world religions, and it has probably had more influence on mankind, directly and indirectly, than any other single faith.' - Mary Boyce, *Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices* (London: Routledge and Kegan Paul, 1979, p. 1)

'Zoroaster was thus the first to teach the doctrines of an individual judgment, Heaven and Hell, the future resurrection of the body, the general Last Judgment, and life everlasting for the reunited soul and body. These doctrines were to become familiar articles of faith to much of mankind, through borrowing by Judaism, Christianity and Islam; yet it is in Zoroastrianism itself that they have their fullest logical coherence.' - Mary Boyce, *Op. Cit.* (p. 29)



COVER STORY

- Page 4** -A new day
- Dari Language Project

WORLD NEWS

- Page 5** -Berlin to hold Shahnameh Congress
Louvre Museum to Showcase Iranian History
Page 6 Glory of Persia promotes Iran tourism
US urged to return Persepolis tablets

KIDS CORNER

- Page 7** - Atar is an Avestan word

YOUTH CAFE

- Page 8** - Zarathushti Producing Persian Pop

LITERATURE

- Page 9** - I know why the caged bird sings
- Nobody is around. Let's look deep inside

GATHAS SECTION

- Page 10** - SOME HISTORICAL ASPECTS ON
JASHNE SADEH

HUMANITY

- Page 11** -Serving Up Soul Food for the Homeless
Persian Style
- Charity of choice

History & Culture

- Page 12** - Writer's Block

GENERAL

- Page 13** - Spenta University
JEHANGIR SABAVALA Zoroastrian Artist
Page 14 Happiness on to those who bring happiness to others
Page 15 Iran to hold ancient harp concert

- Page 16** - For Ever Persian Gulf

Editor's Note

By Mehrdad Mondegari

Congratulations on the occasion of the arrival of Jamshidi Nowruz, and the birthday of Ashu Zarathushtra on March 26 (6 Farvardin).

This year we approach the fourth anniversary of the Zoroastrian Journal. The current Nowruz special edition has been prepared in 32 pages.

We take this opportunity to thank you for your continuing support. Let's take this period to be a time for fellowship and love with our compatriots and friends, and remember those who are not here with us by contacting them by telephone or email.

The time is ripe to reiterate the Nowruz prayers sent to us by the Mobeds Association of Tehran, so that you have a chance to rehearse them with your family.

New Year Prayer With the name of Ahura Mazda

Righteousness is happiness, and happiness is bestowed upon those who seek others' happiness. Thou, oh Ahura Mazda, I worship thee since thou founded righteousness, created water, plants, and light, the world, and all the good things in it; I admire the souls of the brave, men and women of good thoughts, who with their bright minds make a living and benefit others.

Hope to achieve what we wished.

Hope to be of those who are with goodness and clean spirit. Be together, united, and with good doers. Away from evil doers and wrong doers. Belonging to those who have committed to the pillars of Zoroastrianism in seven continents of the world.

Long Living

Long Life

Happy Life

Desired Life

Have the world to our liking and our own spiritual life as expected solidarity and one-ness, as prescribed in our Ashem Vohu and Yata Ahu verses.



A New Day

By Dr Niaz Kasravi

In recent months, a petition has been circulated via email calling upon the Secretary General of the United Nations, Ban Ki-Moon, to include Norouz on the official calendar of the UN. The petition, put forth by the Persian Cultural Center in San Diego, reads as follows:

Your Excellency,

For several millennia many nations have celebrated the first day of spring as their new year. Today, nearly 300 million people around the world celebrate the first day of spring as their new year, better known as Norouz (New Day). Nearly all of these celebrants live in UN member nations. Unfortunately, none of the UN calendars or affiliated agencies commemorate this important date as has been done for different celebrations of member nations.

We, the undersigned, request from your Excellency, bearer of the highest office of the United Nations, to kindly authorize the relevant agencies to correct this oversight for the upcoming calendars throughout the UN agencies.

Please accept our best wishes and thanks for your attention to this important request.

Persian Cultural Center, San Diego, California - USA

Sincerely,

The Undersigned

The reaction to this petition has been interesting and tells us a lot about our community. Some have reacted with cynicism, believing that there is no chance that Mr Ban Ki-Moon will ever agree to such a request. Some have expressed their view that petitions are pointless and, beyond serving as a cathartic mechanism for the masses, accomplish little else. Yet others have restated the long-debated issue of the correct spelling of Norouz and asserted that we must come to a consensus on that prior to taking any other action on Norouz.

It is fair to say that we will be hard pressed to find an Iranian or a Zoroastrian who would disagree with the intention of this petition. Far from it; this is in fact a rare issue upon which a large majority of us can agree. So, what are we to do? Should we merely sign the petition and view that as our contribution? Should we refrain from signing it and believe that petitions are not effective? Or should we take no action on this and turn our attention to the debate about how Norouz should be spelled?

First, there is little to be lost by signing this petition. In fact, the more people sign this document, the easier it will be for us to believe in our own ability to unite around our common causes. But signing a petition is only the first step; it needs follow-up action at the UN. There are several ways of introducing resolutions to the UN for requests such as this, and the next step is to work with community organizations that will be able to help with this follow-up and make sure that it is pushed through the proper channels.

Second, inaction should not be an option. Too often in the past we have allowed our differences to prevent us from doing anything about issues we care about. Trying to come to an agreement on the correct spelling of Norouz should not be a sufficient reason to lose sight of the ultimate goal.

Some people believe that with so much going on in today's world, with so many challenges facing our community, and with so many other vital matters to focus our energy on, working on the Norouz petition is rather trivial and meaningless. But, we have to start somewhere. In the past, divisive issues have often done just that: served to divide us and prevent us from taking action. The alternative perspective is to see this as an opportunity to come together. If we cannot agree to unite around this cause, one with which we all agree, there may be no hope in uniting around more controversial and vital concerns. And, as a community of relatively recent immigrants to the United States, we will continue to face our fair share of more complex challenges, which can only be overcome if we work together. This can serve as a starting point.

I for one am grateful to the Persian Cultural Center of San Diego for starting this petition and this movement. I hope that we can, as a community, work together to push this effort to the next level.

To sign this petition, go to: <http://www.petitiononline.com/Norouz/petition.html>. Once you have taken this first step, contact local and national cultural or community organizations to request they take on this matter.

This spelling of Norouz is a personal preference and not necessarily taking any side in the debate surrounding the spelling of the word in English.

Berkeley University



DARI LANGUAGE PROJECT

Dari, which is also known as Gabri or Behdinâni, is the traditional language of the Zoroastrians of Iran. Spoken mainly in the Yazd and Kerman regions, Dari is among Iran's most immediately imperiled languages. According to one estimate, there are only 8,000-15,000 speakers, though we believe the number to be much smaller. That number will likely decrease rapidly in coming generations, however, as parents are speaking to their children in Persian, the national language of Iran, rather than in Dari. Already, only a small proportion of Iran's Zoroastrian population speaks Dari. Like most of Iran's other regional languages, Dari is not written and is thus easily overlooked, even by contemporary linguists.

The Dari language has traditionally been divided into two main dialects: one spoken in the city of Yazd and the other in the city of Kerman. This division of the language, based on the division of its speakers into their two main cities of residence, conceals the complexity of the actual dialectical situation. The Yazd dialect is itself comprised of some dozen varieties, each distinct and unique to one of the Zoroastrian neighborhoods of that city. The variety of Dari that a Zoroastrian speaks is a source of great pride and forms an integral part of his or her identity.

Estimates suggest that more than half of the world's approximately 6,000 languages will become extinct by the end of the century. Without significant efforts to halt this advance, Dari may be numbered among those fated for death. The Dari Language Project seeks to contribute to the perpetuation of the language by creating a dictionary and archive of texts (traditional stories and narratives). While currently not accessible to the public, these resources will, in the future, be available to Dari educational programs. For more information please visit; <http://linguistics.berkeley.edu/~dari/index.html>

ZYNA Announces 12th North American Youth Congress

Dear FEZANA Executive, Association Presidents, FEZANA Reps, & Committee Chairs:

ZYNA Co-Chairs are happy to announce the 12th North American Zoroastrian Youth Congress from July 1-5 2009, in Fremont California. This amazing congress is titled:

**"GENERATION Z—It's Up to Us to Lead the Way
Good Thoughts, Good Words, Good Deeds.**

Yes, you read it right—July 2009! We have received a very good feedback and response from youth who we have spoken to and now request your support to spread the word in your local association, and encourage your youth to attend the congress in large numbers.

We have tried to make this congress most economical with low hotel rooms rates of US\$64 per night (for up to 4 people in a room), and low congress registration of US\$250/- for all days (includes Celebration of Canada Day 1st July and Celebration of US Independence Day 4th July with special entertainment, dinner & dance, day-trip to San Francisco, Youth Speakers and Workshops) for all Zoroastrian's 18 – 40 years (Persian and Parsi). All Breakfast, Lunch and Dinner are included.

Hoping you will all spread the congress message. Registration for Early Bird starts February 15, 2009. New Web site and more information will follow.

Our Flyer is attached as:

"GENERATION Z – It's Up to Us to Lead the Way."

May we request you to kindly enlarge the same and display at your local center and in your newsletter.

More details will follow soon.

Thank you,

ZYNA Co-Chairs

Susan Kaboly-Zadeh(Canada)

Ava Afshari (S. California)

Ferzeen Chapgar (N. California)

Carl Irani (Florida)

Anooshirvan High School

According to AmordadNews.com, the principal of Anooshiravan High School in Tehran has banned Zoroastrian students from having their religious studies in the school and has said that they have to take their studies on Fridays. Apparently, the reason for this order is the small number of Zoroastrian students in that school (<http://www.amordad6485.blogfa.com/post-1395.aspx>).

Perhaps the respected principal should be reminded that Anooshiravan High School belongs to the Zoroastrian Community and, even if there is only one Zartoshti student registered in that school; she has all the rights to have her religious studies done in the school at the designated time.

The World Zoroastrian Community hopes that this decision is revoked and that the young Zartoshti girls in Tehran will continue having their religious classes held in the High School as they have for decades in the past.

Glory of Persia promotes Iran tourism



The number of South Koreans applying for tourist visas to visit Iran has quadrupled

following The Glory of Persia traveling exhibit in Seoul.

After The Glory of Persia successfully toured Japan, South Korea welcomed the dazzling exhibit of artifacts dating back to the 6th century BCE. The exhibition introduces Iranian history, culture and art to other nations.

From April to August 2008, the National Museum of Korea displayed over 210 artifacts, dating from the fifth millennium BCE to the end of the Sassanid dynastic era (226-651 CE). After the Seoul exhibition, Glory went to the Daegu National Museum, from September to December.

After the 350,000 South Koreans who visited the exhibition felt the essence of Persian culture, history and civilization, they became eager to understand more about the Persian civilization for themselves. Statistics released by the Iranian tourism office show that the number of South Korean tourists applying for Iranian tourist visas has quadrupled since the exhibition.

In a meeting with the South Korean ambassador, Kim Young-Moke, prior to the exhibit, Iranian Vice-President Esfandiar Rahim-Mashaie expressed interest in introducing the two civilizations to each other.

In a bid to provide the most tourist-friendly environment, the Iranian Foreign Ministry has been issuing visas electronically.

Source: Press TV

Berlin to hold Shahnameh Congress

Germany is to hold a Shahnameh Congress to honor the 1000th anniversary of the creation of the Persian literary masterpiece.

'The congress, which will be held in September 2009 in Berlin's House of World Cultures, aims to introduce the Persian culture and civilization to young Iranians living abroad,' director of the Ferdowsi Foundation, Mohammad Hossein Tousivand, told ISNA.

Shahnameh experts, Professors Jalal Khaleqi Motlaq and Mir Jalaeddin Kazzazi, will deliver lectures on Ferdowsi's magnum opus, comparing it with works by the Greek Homer and a number of German writers.



Participants will also be able to visit an exhibition of coffeehouse paintings by Iranian artist Manouchehr Vafaei, as well as collage works by Esfandiar Imanzadeh featuring renowned Iranian figures such as Zoroaster, Darius and Cyrus the Great, Avicenna and Mowlavi.

The event will also include Shahnameh

story telling and Iranian music concerts.

Shahnameh (The Book of Kings) is a classic among epic Persian poetry and recounts Iran's mythical and historical past. It was written in Persian at a time when Arabic was the main scientific and literary language of Iran.

The romance of Zal and Rudaba, the Seven Stages (or Labors) of Rostam, Rostam and Sohrab, Siavash and Sudaba, Rostam and Akvan Div, the romance of Bizhan and Manizheh and Rostam and Esfandiyar are among the most popular Shahnameh stories.

Source: Press TV

A Zoroastrian hero

Zoroastrian MP, Dr Ekhtiari, through his posting to the Berasad News Group in Iran, tells us a real story about a Zoroastrian youth who saved the life of a non-Zarathushti person who was committing suicide by burning himself in front of the Iranian parliament building on 14 February 2009.

Ramin Bamasi, our Zoroastrian hero, who works in Dr Ekhtiari's office, explained that while everybody was watching the scene, nobody tried to help the poor guy who was burning. Though Ramin lost his jacket and some of his personal items when he used the jacket to wrap the burning body and save him, he believes that he has never done anything more important.

Source: ZNA

Louvre Museum to showcase Iranian history items



The Louvre Museum in Paris is scheduled to host an exhibition in 2013 that will display items relating to the history of Iran.

'All the arrangements have been made to hold the exhibition in the Louvre Museum in 2013,' curator of the Iran National Museum, Mohammad Reza Mehrandish, told CHTN on Tuesday. 'The Iran Cultural Heritage, Handicrafts, and Tourism Organization has held several exhibitions over the past few years in various countries,

including Germany, Switzerland, Italy, France, Britain, Japan, Mexico and South Korea,' he added.

According to Mehrandish, the Iran National Museum held an Achaemenid Empire exhibition at the British Museum in 2005. 'The British Museum later announced that more than 250 thousand people visited the Achaemenid Empire exhibition,' he said. 'According to the British Museum manager, the exhibition had the highest number of visitors in that museum.'

The Louvre Museum is located in the Louvre Palace, originally a fortress in the 12th century. It is one of the largest museums in the world.

Iran is home to one of the world's oldest civilizations, with historic urban settlements dating back to 5000 BCE.

Source: Cultural Heritage News Agency

US urged to return Persepolis tablets



International archeologists have asked US president Barack Obama to help return the Elamite tablets of Persepolis to their home in Iran.

Over 600 archeologists have signed a letter to President Obama asking him to stop the ancient artifacts, which have been loaned to the Oriental Institute of the University of Chicago, from being confiscated and sold.

'It has been reported by the Press, and confirmed by authoritative scholarly sources, that an important part of the Elamite clay

tablets forming the archive of the Achaemenid center of Persepolis ... face(s) the threat of confiscation and sale in order to compensate a legal case brought by private persons against the Government of Iran,' the Societas Iranologica Europaea petition reads. The letter emphasizes the Iranian origin of the antiquities, asking the US president not to involve his country in the sale of the world's cultural heritage.

'The antiquities belong to the cultural heritage of Iran on behalf of humankind and should therefore remain in public hands,' reads the letter.

The Persepolis tablets were loaned to Chicago University to be studied in 1937. Although the majority of tablets have been returned to Iran, the dispute broke out when an American Federal Judge ordered the tablets to be confiscated and auctioned in order to compensate the Israeli victims of the 1997 Jerusalem bombing.

The tablets, which were discovered by the archeology team of the University of Chicago in 1933, bear cuneiform inscriptions recording administrative details of the Persian Empire from about 500 BC.

Source: Press TV

An Iranian archaeological team has recently discovered ten Parthian dynastic era (248 BCE - 224 CE)

jar burials at the Nakhl-e Ebrahim site in the Persian Gulf's Hormozgan Province.



The burials were unearthed during the second season of excavations carried out to save artifacts and information from the Parthian cemetery and castle located at a distance of three kilometers from the Strait of Hormuz in the Persian Gulf.

The cemetery has been almost completely destroyed by smugglers of Iran's cultural heritage.

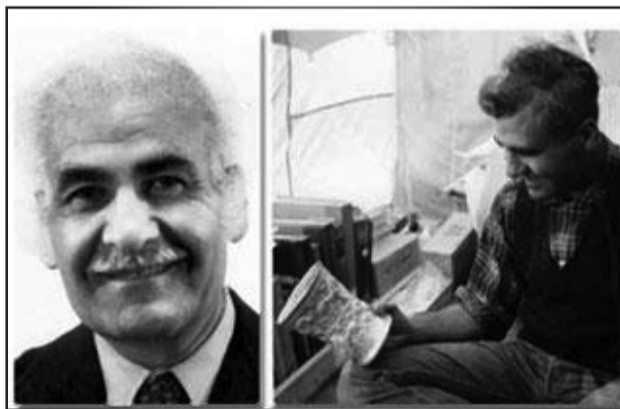
One of the 17 graves discovered during the two seasons of excavations over the past two years used a different style of burial. It belongs to a child who was buried in fetal position. 'All the graves show that jar burials were common in the region during the Parthian era. However, the different burial style of the child's [grave] has astonished the team,' team director Siamak Sarlak told the Persian service of CHN on Tuesday.

'Some of the graves lacked any artifacts, and some were full of gifts presented to the dead. Due to this fact, the Parthian dynasty social classes of the region can be studied,' he added. He said that most of the artifacts recovered from the graves are ornaments made of soapstone. The castle, 150 square meters of which has been unearthed during the latest season, is only a small part of a 100-hectare Parthian city that was previously identified at the Nakhl-e Ebrahim site.

Covering 30,000 square meters in area, a number of pools built for shrimp farming have invaded the perimeter of the castle and also caused damage to the structure.

US honors Ezzatollah Negahban

The US paid tribute to the late Iranian scholar and founder of Iran's modern archeology, Professor Ezzatollah Negahban, in Pennsylvania.



According to The Philadelphia Inquirer, a memorial service was held at the Foundation for Islamic Education on February 13, 2009, and memorial donations were made to the University of Pennsylvania Museum. Professor Negahban died of Parkinson's disease at South Seminole Hospital near Orlando on February 1st. A graduate of the archaeology department at Tehran University, the US-based scientist earned his master's

degree in archaeology from the University of Chicago in 1954.

In 1996 he received 'a national heritage prize, the highest honor you can give a cultural figure in Iran,' The Philadelphia Inquirer quoted Negahban's son as saying.

Negahban founded the Institute of Archaeology at Tehran University, which he directed until 1979. He also served as the chairman of the Archaeology Department from 1967 to 1978, and the dean of the Faculty of Letters and Humanities from 1975 to 1979.

He conducted comprehensive studies at numerous Iranian archeological sites, including Zagheh Hill, Marlik Cemetery, Qazvin Plain and Haft-Tappeh. A large part of his reports, photos, books and notes have been donated to Tehran University.

Negahban discovered a large amount of gold during excavations in Iran, and his efforts to regulate archeological affairs greatly decreased the number of illegal excavations in the country.

Germany to host third Iran history fair



Germany is slated to host an exhibition in 2011 to display museum items relating to the history of Iran. 'All the arrangements have been made to hold the exhibition in one of the biggest museums in Germany in 2011,' the curator of Iran's National Museum, Mohammad Reza Mehrandish, said on Saturday.

According to Mehrandish, Iran has so far held two historical exhibitions in Germany. The first exhibition was held in Bochum in

2004 to display 533 Iranian historical items. Germany hosted the second exhibition in 2005, when Iran displayed three items in the Genghis Khan exhibition in Bonn.

Iran is home to one of the world's oldest civilizations, with urban settlements dating back to 5000 BCE.

Source: Press TV

Last opening of Bisotun Bridge found



Iranian archeologists have found the sixth opening of the Bisotun Bridge during excavations in Iran's western Kermanshah Province. After the opening, a 31-meter-long wall made of carved stone was found, which dates back to the Sassanid era.

'The wall shows that the sixth opening is most probably the last opening of the bridge,' said head of the archeology team, Mojgan Khanmoradi, adding, 'The team also found ruins of

walls dating back to the Islamic era, along with skeletal remains belonging to camels.

'Studies showed that the sixth opening was left unfinished during the Sassanid era and was completed in later periods,' she explained.

The Bisotun archaeological site is known for its numerous bas-reliefs and historical monuments such as the Khosrow Palace.

Study proves

Persian inhabitation along Persian Gulf



Archeologists have found a number of graves in southern Iran, which prove that the Persian Gulf has always been inhabited by Persians.

Excavations in a 100-acre cemetery in Iran's southern province of Hormozgan yielded ten intact graves and a fetal burial which shed light on the burial rituals practiced 2,000 years ago. The largest of its kind in southern Iran, the cemetery includes graves from the Parthian era

to the Sassanid era, indicating that Persians were living in the area during that time. 'The inhabitants did not bury their dead under the ground,' said head of the archeology team Abbas Norouzi, adding, 'They provided a bed of small stones on the ground, laid the body on the stones and covered it with 50 centimeter high stone fences. The tomb was then adorned by a tombstone.'

'Various objects were also buried along with the body, such as gemstones, beads and daggers,' Norouzi explained.

'A clay jar was broken on the tomb at the end. The tradition, which was also followed in the northern province of Semnan, symbolized the end of life,' he said.

Experts have prepared a topographic map of the region.

Source: Press TV

Atar is an Avestan word; it means 'fire'.



Asho Zarathushtra said: 'There is one God, Ahura Mazda; One Ahura Mazda everywhere.'

Ahura Mazda is the creator of the whole universe.



Did you know that Zarathushtrians face fire and light to pray?

Did you ever wonder why they do that?

Read the following lines to know why.

Ahura Mazda is the source of all power and energy.

We cannot see Ahura Mazda with our eyes.

Fire and light remind us of Ahura Mazda.

We, therefore, face fire and light when we pray to Ahura Mazda.

Using, yellow, red, orange and brown, color the following picture:



Come to my help, O Ahura Mazda! I acknowledge the

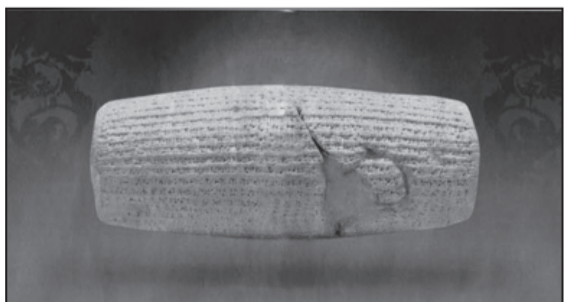
Mazdayasnan (Zoroastrian) religion and am a devotee of Zarathushtra. I admire good thoughts, good words and good deeds. I dedicate myself to the excellent Mazdayasnan religion which preaches peace, non violence, disarmament* and shows the path of righteousness. Of all the faiths that have been or that shall be, the faith of Ahura-Mazda revealed by Zarathushtra is the loftiest (of the highest rank or status) and the best. Unto Ahura Mazda do I attribute all good. Such indeed is the faith to which I dedicate myself.

Translation of Jaso me Avanghe Mazda Prayer.

* disarmament means: the process of reducing a nation's supply of weapons or the strength of its armed forces.

North America
ZOROASTRIAN PHONE DIRECTORY

Serving The Zoroastrian Community & more



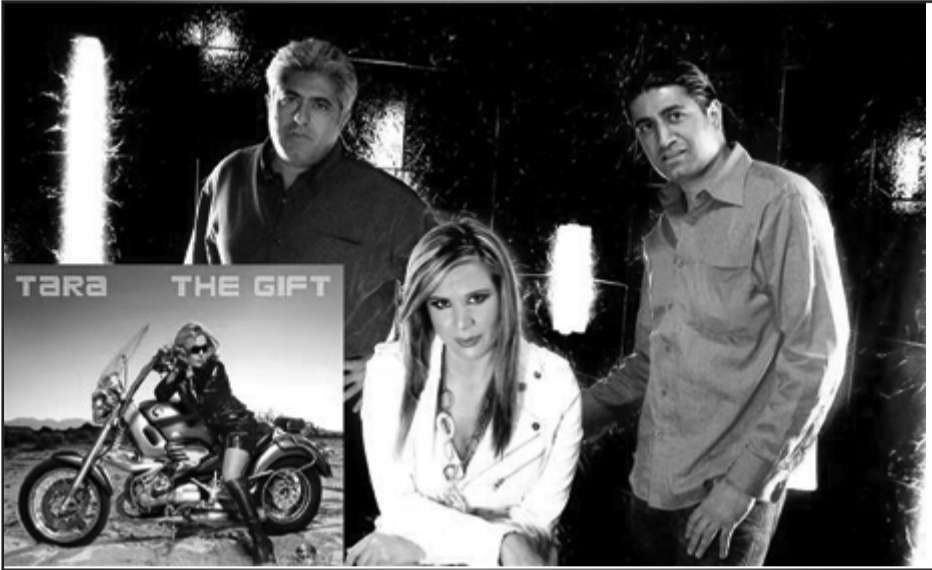
*Proven High Consumer Usage
For further Information
and Advertising Rate, Please call*

714-893-7437

Happy New Year

Zarathushtis producing Persian pop

By Roya Waltman



In September of 2008, Century Records USA released a Persian music album that turned heads and perked ears nationwide. The nine-song album titled 'The Gift' is produced by a handsome Zoroastrian brotherhood, Bahram and Mehrdad Banki.

The two gifted Zoroastrians have produced songs that attract fans of all ages. Many Persians have found themselves able to strongly connect with, and appreciate, their productions. We presented Bahram Banki, a San Diego local, with some of his fellow Zoroastrians' top questions regarding his successes and experience in the Persian music industry. We at Z Journal wanted an inside look at how he made it in such a competitive enterprise.

Despite the short notice and his obvious lack of free time, Bahram Banki was able to answer our questions with detail, diligence and a well-appreciated sense of humor. We thank him for that, and for his positive and active role in the Zoroastrian community.

Here's what he had to say:

What role does music play in your life?

'If I say I only needed air, food and water, but not music, to have survived, I would be lying. Music, especially Persian music, has been that important in my life. Can you imagine buying every possible Persian music album that comes out? Well, I do! And I am willing to bet that many unknown singers have found that out about me, and release albums knowing that they have at least one crazy buyer.

'Okay, I'm exaggerating there, but I can honestly say that music, especially Persian music, has brought me the extra smiles that others seek to find through other things in life. And if I don't stay up-to-date with it, I feel something is missing.'

What are your musical talents and how have they developed?

'Unfortunately, I do not play any musical instruments. It is not that I did not try or did not enroll in music (piano) classes. But I'm a believer that it takes more than that. I find that it is a gift that you need to be born with, just like I find singers need to be born with a strong voice. But still, that never stopped me, and for many years I showed my appreciation for music by being a DJ at many Persian weddings, parties, and even big concerts.

'So, maybe I did have a little musical talent because during my DJing days, almost all Persian songs had to be played back from cassette tapes. Therefore, you needed to manually count beats, stop the music at the right beat, and manually mix in one song to the next song, while maintaining the beat count of the previous song playing. (A secret between us, thanks to today's technology, computer software will count beats for you and do the mix for you, so it is easier to become a DJ these days.) So, maybe that was my musical talent.

'Oh, and I did write lyrics in my spare time, but definitely no poetry worthy of receiving an award for. Another note to be mentioned here is that I am truly thankful to my dear parents Dr Shahriar and Farangis Banki, and also to our family, relatives, and many friends for not letting me lose my Persian identity/language while growing up in a country far from Iran. Thank you!'

What are your musical accomplishments thus far, and what do you see in your future?

'Well, before I get into the current chapter of my musical life, I must first say that while growing up my musical idol was no other than the famous Persian singer Siavash Shams. He is a true legend in my book! His music was basically equivalent to the air, food and water that I needed in my daily life. I was a Siavash freak! And thanks to my brothers, Mehrdad and Mehryar, who knew Siavash from their university, one day I was introduced to him. My musical idol gradually became my very good friend. With him I got to experience the concert backstage passes, the spotlights involving musicians and singers,

and all the other cool stuff I dreamt about as a kid.

'I got to become friends with other singers as well. Siavash taught me that many musicians/artists express their deeper feelings through writing songs, which brings me back to my musical accomplishments of today. This chapter of my musical life story actually started in 2004, when I decided to put all of the puzzle pieces I had picked up along the way together for myself, and to write my first full song on a professional level.

'My first song was called "Xmas in Las Vegas", which I wrote the lyrics and melody for. Although I'm not a musician, the melody to go along with my lyrics came from within my soul. Just like I had learned through others, I experienced myself that "music speaks your feelings." Therefore, I wrote this song for the yearly joy I get during Christmas time when Persians come together in Las Vegas to show their unity. Since I am a huge fan of Persian roots and culture, I just let this song speak for me. Anyhow, Tara, who was already an established singer at that time and a friend of mine, was thinking about starting her third album. I took advantage of this opportunity and shared the idea of my "Xmas in Las Vegas" song with her, and she loved it.

'We hired Mr Manouchehr Cheshmazar for the musical arrangement of this song. After the vocal recording, it was only a matter of weeks before it came out as a music video, being shown on Persian satellite channels. Finally, I had completed my first step and was getting my foot into the door of the Persian musical world that I always dreamt about; the fun was only starting for me.

'I was inspired to write six additional songs, all expressing my deep feelings based on various events and experiences in my personal life. Tara liked them all, and with the help of musicians Mr Shahram Azar and Mr Cheshmazar, Tara and I decided to co-partner on a full album together (managed by my brother Mehrdad Banki).

'The result, a Persian album called "The Gift", was released in September of 2008. A special thanks to Ms Tara for giving me the opportunity to produce this album with her. She not only has a gifted voice, but she is a wonderful person with a kind heart, and I wish her nothing but the best in this music business.'

How can we get a hold of your work and when can we hear new releases?

'The album "The Gift" was released by Persian label Century Records USA and is available at most Persian stores in North America and Europe. It can also be found on popular Persian websites: www.centuryrecordsusa.com, www.eworldrecords.com, www.musicboxla.com, and www.radiojavan.com.

'I am currently working on a couple of "single" tracks. Stay tuned for a breakthrough club/dance song coming soon, performed by Tara and her sister Sofia. In addition, I have another single in the works with a surprise Zartoshti group, and one in the works with Khashayar Azar (Sandy's son).'

How has being a Zoroastrian had an influence on you and your experiences in this field?

'Being a Zoroastrian has had a huge and positive influence on my personal life, not all directly related to my musical experience. Being a Zartoshti and having faith in Ahura Mazda is mainly a personal choice, and I am thankful for it every single day of my life!

'I can also proudly say that I have been passionately involved with Zoroastrian events and gatherings all my life, and having unbelievable non-stop support from everyone who knows me has always given me that extra push I needed to keep me going forward. My first official song that I wrote was in 1995, called "Zartoshti Boodan", or "Being a Zoroastrian".

My uncle Rashid Parsi wrote and played the music, and my mother Farangis Parsi Banki sang the demo vocals. This song was never professionally recorded in a studio, but is currently circulating the Internet for anyone interested and Farsi-speaking.'

What advice do you have for other Zoroastrians with a passion for music and a desire to be involved in the music business?

'From my personal experience, don't do it! Well, go for it if you have one or all of the following powers and desires: 1) money to potentially throw away; 2) exceptional talent and charisma; 3) if it is just your dream/passion and no matter what I or anyone else says, you just have to give it your try.

'Either way, I caution you to do it for fun and not for a profession. Please continue your school and get settled in a stable career for which you have studied. Please don't expect rewards or fame. I feel the music business is best pursued as a hobby.'

Any other comments?

'Last but not least, I would like to thank everyone that I know and/or anyone reading this. We may not all be the same, but we are all God's kids and therefore, a big family. I say this simply because I always get good and positive energy being around you all. Thank you! And also a special thanks to Roya Waltman, and the entire Zoroastrian Journal group for giving me their time for this interview, and for their continuous effort to keeping Zoroastrians together and updated with information. Wishing all the best for all!'

Bahram Banki has shown us some of the difficulties one might be presented with when trying to juggle passion with reality. However, none of us want to walk away from life thinking 'what if...'

Just like Bahram believes a beautiful voice may be innate and something we are born with, passion may be something that cannot be obtained through external means either. As Bahram advises, we must act on our passions but keep our decisions and dreams in touch with what is real and tangible.

Most importantly, we must support one another in our ambitions. The Zoroastrian community undoubtedly consists of so much talent and intellect. May we stand by one another with pride and faith to further the dreams of our community as a whole. Thank you, Bahram Banki, for pushing for something you love and sharing parts of your journey and understanding with us.

Forgotten language

By Shel Silverstein

Once I spoke the language of the flowers,
Once I understood each word the caterpillar said,
Once I smiled in secret at the gossip of the starlings,
And shared a conversation with the housefly in my bed.
Once I heard and answered all the questions of the crickets,
And joined the crying of each falling dying flake of snow,
Once I spoke the language of the flowers...

Where the sidewalk ends

By Shel Silverstein

There is a place where the sidewalk ends
And before the street begins,
And there the grass grows soft and white,
And there the sun burns crimson bright,
And there the moon-bird rests from his flight
To cool in the peppermint wind.

Let us leave this place where the smoke blows black
And the dark street winds and bends.
Past the pits where the asphalt flowers grow
We shall walk with a walk that is measured and slow,
And watch where the chalk-white arrows go
To the place where the sidewalk ends.

Yes we'll walk with a walk that is measured and slow,
And we'll go where the chalk-white arrows go,
For the children, they mark, and the children, they know
The place where the sidewalk ends.

Life is fine

By Langston Hughes

I went down to the river,
I set down on the bank.
I tried to think but couldn't,
So I jumped in and sank.
I came up once and hollered!
I came up twice and cried!
If that water hadn't a-been so cold
I might've sunk and died.

But it was Cold in that water! It was cold!

I took the elevator
Sixteen floors above the ground.
I thought about my baby
And thought I would jump down.
I stood there and I hollered!
I stood there and I cried!
If it hadn't a-been so high
I might've jumped and died.

But it was High up there! It was high!

So since I'm still here livin',
I guess I will live on.
I could've died for love--
But for livin' I was born

Though you may hear me holler,
And you may see me cry--
I'll be dogged, sweet baby,
If you gonna see me die.

Life is fine! Fine as wine! Life is fine!

Will greet the sun again

By Forugh Farrokhzad

I will greet the sun again;
I will greet the streams which flowed in me;
I will greet the clouds which were
my lengthy thoughts;
I will greet the painful growth of poplars
Which pass through the dry seasons;
I will greet the flocks of crows
Which brought me, as presents,
The sweet smells of the fields at night;
I will greet my mother who lived in the mirror
And was the image of my old age;
And I will also greet the earth whose burning womb
Is filled with, green seeds by the passion she has for
reproducing me.
I will come, I will come,
I will come with my hair,
As the continuation of the smells of the soil;
With my eyes, as the dense experiences of darkness,
Carrying the bushes I have picked in the woodlands
beyond the wall.
I will come, I will come,
I will come and the entrance will be filled with love;
And at the entrance I will greet again
those who are in love,
And also the girl who is still standing
At the entrance in diffusion of love.

I know why the caged bird sings

By Maya Angelou

A free bird leaps on the back
Of the wind and floats downstream
Till the current ends and dips his wing
In the orange sun's rays
And dares to claim the sky.

But a BIRD that stalks down his narrow cage
Can seldom see through his bars of rage
His wings are clipped and his feet are tied
So he opens his throat to sing.

The caged bird sings with a fearful trill
Of things unknown but longed for still
And his tune is heard on the distant hill for
The caged bird sings of freedom.

The free bird thinks of another breeze
And the trade winds soft through
The sighing trees
And the fat worms waiting on a dawn-bright
Lawn and he names the sky his own.

But a caged BIRD stands on the grave of dreams
His shadow shouts on a nightmare scream
His wings are clipped and his feet are tied
So he opens his throat to sing.

The caged bird sings with
A fearful trill of things unknown
But longed for still and his
Tune is heard on the distant hill
For the caged bird sings of freedom.

Nobody is around, let's look deep inside

- If you judge people, you have no time to love them.
- Habit is habit, and not to be thrown out of the window by any man, but coaxed downstairs a step at a time.
- Have a place for everything, and keep the things somewhere else. That is not advice, it is merely custom.
- It is better to deserve honors and not have them, than to have them and not deserve them.
- Grief can take care of itself, but to get the full value of a joy you must have somebody to divide it with.
- Kindness is a language which the deaf can hear and the blind can see.
- The best way to cheer yourself is to try to cheer somebody else up.
- Name the greatest of all inventors: Accident.
- Work and play are words used to describe the same thing under differing conditions.
- The one important thing I have learned over the years is the difference between taking one's work seriously and taking one's self seriously. The first is imperative, and the second is disastrous.
- Let us be of good cheer, remembering that misfortunes hardest to bear are those which never come.
- Happiness is a perfume which you cannot pour on someone without getting some on yourself.

Some historical aspects on Jashne Sadeh

By Behram Deboo

Shahname attributes the festival of Jashne Sadeh to Hooshang. His name means 'possessing intellect and wisdom', derived from the Avesta name Haoshshyanga. Later it became Hoashang and Hooshang.

According to Farvardin Yasht, the Iranian lineage, Iranian race, came from Gayomard (Gaya Maretan, Dr Mirza, Outline of Parsi History, pages 5 and 6). He is considered as the first human being on the earth and the first king of Iran. According to legend, Gayomard rose up from the earth, and hence was also known as Gilshash, the king of the earth.

Gayomard, or Kaiyumars, had a son Siyamak who died in a war. Siyamak left a son by the name of Hooshang. The dynasty was known as Pishdadian or Paradhata, meaning 'the ancient lawgiver'. This was the title given to Hooshang. It is said that the Iranian civilization started in his reign, and Hooshang is given the credit for discovering the art of igniting fire.

The story in Shahname goes like this:

One day he reached a mountain with his men
And saw afar a long swift dusky form
With eyes like pools of blood and jaws whose smoke
Be dimmed the world. Hooshang the wary seized
A stone, advance and hurled it royally.
The world consuming worm escaped, the stone
Struck on a larger, and both were shivered,
Sparks issued and the centers flashed. The fire
Came from its stony hiding-place again
When iron knocked.
The world lord offered praise
For such a radiant gift.
That night he made a mighty blaze, he stood
Around it with his men and held the feast
Called Sada; that bright festival remaineth
As his memorial and may earth see
More benefactors like him. (Ibid. page 10).

Worm above means a big python or snake, maybe even an anaconda!

The beginning of the Iranian civilization is credited to him: 1. He was the first to extract iron from ore and started the profession of ironsmith, making axes, saws and chisels. 2. He diverted water for irrigation and taught people how to farm. 3. He domesticated wild animals and began raising the ox, the ass and the sheep. The horse had not yet been discovered. The discovery of the horse dates back to 6000 BCE. Does this mean Hooshang lived before 6000 BCE? Hooshang ruled for 40 years and passed away.

TECHNICAL POINTS ON DATES:

These are based upon the Fasli Calendar where March 21st is the first day of the spring and New Year.

1. In Iran, it is celebrated on the day of Mehr, in the month of Behman, January 30. It is called Sadeh, meaning '100th'. In this date, it calculates 50 daylights and 50 nights before the Iranian New Year on March 21.

2. Another date is December 11, Mah Azar, (Atar or Adar) and Ruz or Roj Ashtad. This is exactly 100 days before the New Year. This is called Yazdi Jashne Sadeh.

3. My research further reveals that there is another date, which is January 24th, Mah Bahman and Ruz Aban. This is called Kermani Jashne Sadeh.

4. While interesting, the fact is the Jan 30th date is neither Yazdi or Kermani.

The dates I mentioned above can be found in papers and books on the festivals of Iran. However, the simplest reference is to look up the dates in the 2008-09 Zoroastrian Calendar published by the world Zoroastrian Organization (WZO) on pages 9 and 11, and previous calendars.

5. Another interesting fact is that, in India, the Shahenshahi priests do the Jashan prayers for the festival of Jashne Sadeh on Roj Avan, Mah Dae. According to the uncorrected Shehanshahi calendar, it will not be a fixed date, as the date will recede one day every four years. However, the Fasli date will be December 25.

6. Greater Bundahishn (pp 159-160) gives a reference to this winter festival and says, 'On Ruz Atur, Mah Dae, they kindle fire at all places and make sign that winter has come.' That translates into the Fasli calendar as December 24. So there is, technically, only one day of difference from the above date. Unfortunately, the Shahenshahi and Kadimi calendars do not do intercalation. These dates will vary every four years, though Ruz and Mah will be the same.

7. This reference can be found in Outlines of Parsi History, pages 452 and 453, by Dastur and Dr Mirza. In addition, I would like to quote: 'In ancient Iran this festival marked the approach of the heart of winter--about the middle of the five winter-months. It appears that advent of severe cold was announced by igniting fire in the night of the day Atar. Perhaps the festival was observed on the next day, that's why Jashan is performed on that day in India. [See paragraph 6 above.] Most probably the Jashn was celebrated to mark the 100th day after Ruz Hormazd, Mah Meher, the day of autumnal equinox in the Vahizakik year, not counting the five Gatha days which must have been after the month Shahrever in those days.'

Of course, if we were to count September 21st as the autumnal equinox, the Ruz is Spendarmard and Mah Mehr, but Ruz Hormazd gives September 17 as the date. This information then brings to the point that if we were to count 100th day from September 17th, it is December 25th which is Ruz Aban and Mah Dae (see paragraph 5 above). Interestingly close to the Winter Solstice.

8. On page 453, Dr Mirza quotes Taqizadeh: 'The Sada even literally has preserved the meaning relating to the original place of the festival, for the word means "hundredth", and it was so named because of its having been originally on the hundredth day of the Zoroastrian winter which is five months, from beginning of Aban to Asfandarmard.' If we consider the beginning of the Zoroastrian winter Ruz Hormuzd and Mah Abaan, the date comes to be October 17th. Then, according to Taqizadeh, the 100th day will be Ruz Aban, Mah Bahman, which corresponds to January 24. Please see paragraph 3 above.

9. Dr Mirza, on page 453, further states that in those days the Gatha days were after the Avan month in the Vahizakik year, and were not counted. To this statement, he cites a note quoting Al Biruni, regarding the celebration of Nuwad-Roz as a feast of 90 days before Naoruz.

10. Dr Mirza (page 448) quotes Mary Boyce, saying that the festival of Jashne Sadeh was celebrated according to the Jalali calendar in Yazd.

11. Now I would like to throw some more light on Jasn-e-Sade from a translated article by Mrs Vida Behramy, published in Payk-e Kankash, Winter, 1991. There is no concrete reason why the occasion was named Sadeh. Besides mentioning about 50 days and 50 nights, and one hundred days into long winter (as already discussed above), there is another explanation of the association of Sadeh with Adam, who had 100 children when the fire was discovered. This could be an attempt by the Muslim community to integrate this tradition, in the face of Arab antagonism against Iranian culture. Again, it's purely my conjecture that could be true or not true.

12. The article further states that the tribal celebration of Sadeh was founded on a different philosophy and understanding. Some believe that it was celebrated predicting the end of the cold season, while Dr Bastani Prizi and others regarded it as the festival of shepherds and farmers. In the Sirjan and Baft regions, the festival was known as 'Sadeh Souzan' (burning Sadeh), and without doubt, this was a festival of birth and reproduction, celebrating the arrival of new herds.

13. Also, some Iranian poets have observed Sadeh as a royal festival, celebrating the personage of the king.

14. Please note that during the time of Behramgur, after he forgave the taxes, people rejoiced and praised him. They flocked to the fire halls where the New Year's Day and Sada feasts were kept. They set the musk on fire and blessed Behram (Shahname). Does that mean Sadeh, during the time of Behramgur, was celebrated at the vernal equinox?

15. The article describes in detail how the wood is collected, and how, once the fire is started, the shepherds and youngsters walk around singing Sadeh songs. The article goes on telling how 'komach' is made by the use of this fire. Then the shepherds would gather, dig a hole and place the fire inside the hole. After that, they would sing, 'The warmth has penetrated the earth, and the cold has retired into the air.' This is a reference to the readiness of the soil for planting. Does it mean closer to spring equinox?

However, the popular Sadeh song has the common theme as follows:

Hear me Sadeh

Save my cattle from the Scorpion's wrath.

And myself from the Scorpion's wrath.

Let my paleness be transferred to you,

And your redness revive me anew.

I was told by an Iranian gentleman that singing the last two lines and jumping over the fire were meant to insult Zoroastrians by Muslims. This may have been true in the past. At a conference, I talked to young and old Iranian Zoroastrians and asked them about the last statement. They said that they remembered doing that when they were very young, and regardless of religion, everyone in Iran observes Sadeh as a national tradition. So it is not a religious issue. Most of them questioned the above statement. Possibly, this custom was retained by Zoroastrian farmers and shepherds from ancient times.

The author further states: 'Although we usually hear the last two lines of the above song during Chahar Shanbeh Souri (a festival on the last Wednesday of the Persian year), it must be remembered that it can be sung during any festival associated with fire, since fire purifies, while redness symbolizes health and joy.'

15. Jashne Hurombaum in Sharifaabad. One week before Jashne, mostly boys go to Pire Harish. Then women gather Hizom (firewood) and make bundles. Singing and dancing goes on, boys are taken to Sharifabad. Mobeds pray and, after that, everyone jumps over the fire. Mary Boyce mentions this in her book, and a Zoroastrian friend of mine from Sharifabad, who did this when he was a boy, described it to me in detail.

Sadeh was revived in an elaborate fashion in the 10th century ACE during the reign of the Mordavij Ziyarid dynasty. The ruler of Isphahan encouraged people to keep Persian traditions alive. Bonfires were set up on both sides of the Ziyandeh River, to remember the Sadeh custom. The fires were kept in specially built metal vessels. Hundreds of birds were released while the fireworks were lighting the sky. Food, singing and dancing ended this glorious festival. It is, indeed, heartening that we have continued our ancient festival in North America, thus keeping our prehistoric beats of tradition still pulsating.

Serving Up Soul Food for the Homeless Persian Style

Desiree Mehbod, a conversation with Rudi Bakhtiar

From PAAIA – www.paaia.org

It's 8am on Tuesday, just two days before Christmas, and while most of us are frenetically tending to last minute "Festivus" details, one Iranian American is quietly planning a holiday dinner for over a hundred homeless Virginians. Every month, Desiree Mehbod and her posse of over 10 volunteers converge on The Bailey's Crossroads Shelter in Falls Church, Virginia, and serve up some of the best Persian Soul Food in town to those who can't afford to feed themselves. Armed with the best flavors of Iran, from Loobiya Polo to Kabob Koobideh, these Iranian American angels transform the tired and hopeless faces of the desperate to smiles and momentary gratification.

Estimates say there are one hundred million homeless people in the world, with close to 700,000 sheltered and unsheltered homeless persons nationwide here in the United States. PAAIA salutes Desiree for her hours of volunteer work and her important role in fighting this global epidemic from her own backyard.

R: How did you come up with the idea of Dast2Dast?

D: I came across the idea of Dast2Dast through the different charity activities I was involved with. I started volunteering at shelters to feed the homeless through Amma charity organization and after a few months, decided to organize shelter dinners myself by involving friends and family members.



R: What's been the biggest challenge coordinating an undertaking like this?

D: There are approximately 110 residents at the shelter for the hypothermia program from December through March. The most challenging part of feeding over 100 homeless people is having enough volunteers to participate. We have dedicated volunteers who have been participating month after month for the past 3 years but most volunteers are temporary. It is difficult to get people interested in volunteering nowadays. Everyone hit by the bad economy is cutting back.

R: How is Dast2Dast funded?

D: Dast2Dast.org is funded by its volunteers, who also make our work possible with their volunteer time and effort. Last year, a company who wishes to remain anonymous, asked Dast2Dast to distribute 150 turkeys to the needy. Three of our volunteers spent numerous days calling shelters and dropping off the turkeys to different facilities, as well as driving to poor communities and handing out turkeys.

R: Your menu is pretty unique, isn't it?

D: What sets us apart from other charity organizations feeding shelter residents is our menu which is unique and appealing. Time after time, we are welcomed with such open arms by shelter residents, who often tell us how they wish we could serve them every day. The menu is healthy, appealing and diverse, using all the food groups. Volunteers prepare home-made meals such as Persian mixed rice (for example, Addas Polo and Lubiya Polo), kabob, white rice, vegetarian dishes, Italian dishes such as lasagnas and spaghetti with meat balls, potato dishes such as roasted potatoes, rotisserie chicken and fresh salad.

We also get Sangak bread from Key1 Food Market & Bakery in Chantilly. Our dessert menu consists of fruits such as watermelon, grapes, berries, cantaloupe, pineapple and kiwi, as well as ice cream, cakes, home-made cookies and sweets. We offer bottled water, juices, coffee and sodas. Coffee is donated by Saxbys Coffee at McPherson Square in Washington DC.

R: What's the most rewarding part of organizing this for the homeless?

D: The most rewarding part is being able to help those in need and seeing the joy in each and everyone we feed, clothe and shower with love. By doing what we do, we are inspiring and reminding ourselves and others of the simple power of unconditional love.

R: I know you have a fulltime job as well. How do you manage your time?

D: Yes I do have a job as I need to pay my bills and support myself. However, as I do not have any children of my own, I have adopted Dast2Dast as my baby. As "the mother" of Dast2Dast, the time I put into organizing charity events is precious time and it never takes away from my social/personal life for I have made it my personal life.

R: How can Iranian Americans who want to get involved help you?

D: What we need the most are volunteers and I believe PAAIA could help us spread the word about Dast2Dast and get more people interested in volunteering for us. One of my goals is to be able to organize shelter dinners once a week and this could only be possible with the help of more volunteers. Another goal is to have enough volunteers to pick up daily food from Costco and other food markets, and drop it off at shelters. Many food markets dispose of perishable food prepared daily that are not sold by the end of the day. It is such a shame that food which could feed the hungry is being disposed and wasted.

Desiree left Iran at the age of 13, and spent her adolescence in Belgium, her birthplace, before moving to the United States in 1983 where she now heads up her own real estate appraisal company. If you would like to help Dast2Dast, please go to their website at <http://www.Dast2Dast.org> and donate!!

Charity of choice

By Niaz Kasravi, PhD

The 1736 Family Crisis Center was founded in 1972 as a shelter to provide a safe haven for runaway and street youth. Today, the Center is a nonprofit organization, with five shelters and four community service centers, devoted to the long-term survival of the homeless, runaway youth, victims of domestic violence and others in need throughout the Los Angeles region.

Some of their services include a 24-hour crisis hotline for community members in need, referrals to hospitals and other service providers, community education, policy development, research and advocacy, and training hospitals to recognize the signs of domestic violence and provide referrals to survivors.

The following is a quote from a teen at 1736 Family Crisis Center:

'You have made me feel more like somebody besides an uncontrollable teen. You made me realize who I am, and that really made a difference in my life. I will never forget those words you told me – that I have a gift and am talented.' - Bob, 15

There are many ways in which you can help, including donating money, donating goods or services – especially appropriate for the holidays – helping organize special events for the Center, and buying on eBay and giving ten percent of the proceeds to the organization. To learn more about 1736 Family Crisis Center and how you can help, please visit: 1736familycrisiscenter.org.





**COLDWELL
BANKER
COMMERCIAL**

Ramin Ostowari/REALTOR®
CA DRE #01322564

Commercial & Residential Investment Services
Specializing in Multifamily Apartments, Industrial,
Office And Retail

27742 Vista del Lago, Suite #1
Mission Viejo, CA 92692

Phone: 949.230.7231
Fax: 866.773.1262
ROstowari@ColdwellBanker.com

"When you want results and not just promises"

Writer's Block

By Tehran SoParvaz

They say a picture is worth a thousand words, but the right word is worth a thousand pictures. This is why, throughout history, writers have been admired, respected, sometimes even feared. Writers have the unique ability to create thought, change the world, and live forever, simply through their writing.

Almost four hundred years after his death, the world still respects the name Shakespeare as his plays inspire plays and movies. Dr Seuss continues to entertain children and teach adults through his poetry, while JK Rowling has had her novels about a magical boy named Harry translated into over 100 different languages in over 100 different countries around the world. In fact, all around the world writers are revered in the different countries they are from.

With no Hollywood budget scripts, it is easy to forget the great Persian writers.

Today we will be reminded of several amazing Persian writers who have inspired the world's favorite authors and philosophers, from Shakespeare to Fitzgerald. They were the first of their kind and serve as a reminder of the greatness of Iranian heritage and culture.

Rudaki (858 – 940AD)

Known as the 'father of Iranian literature', Rudaki was born in the village of Rudak in Khorasan, Persia. He is also the creator of the *divan*, or the typical form of the complete collection of a poet's lyrical composition in a more or less alphabetical order, which Iranian writers use even today.

It is not certain if he was born blind or became blind early in his life. What is certain is that he authored over 1,300,000 verses, of which only 52 *ghasidas*, *ghazals*, and *rubais* still survive. Unfortunately his masterpiece *Kelileh vah Dimneh* was destroyed as well. His writings glorified human love, life, and happiness. He is the father of modern Iranian literature and will be an inspiration to many Iranian and Western writers to come.

Omar Khayyam (940 – 1020AD)

A mathematician, philosopher, scientist, but most importantly a writer, Khayyam is known as 'the teacher of the world'. Born in Nishapur, Iran, in Khorasan, he came to the world in a family of *khayyamis*, or tent makers. Sent to be taught by the best teachers and philosophers of the time, he became great friends, according to legend, with the soon-to-be *vazir* who granted his childhood friend Khayyam a home to live in and a pension to live on. Khayyam was able to use his talents for writing. Here he wrote the *Rubaiyat*, verse after verse of philosophy and thought in poetry form. Translated into 30 different languages, Khayyam's legacy lives on.

In 1942 Bing Crosby and Bob Hope sang about him in their song, 'Road to Morocco', Oscar Wilde wrote of him in his famed book *The Picture of Dorian Gray*, Che Guevara named his first son after him, and even President Clinton quoted Khayyam in a speech given December 11, 1998: 'The moving finger writes and having writ, moves on. Nor all your piety nor with shall lure it back to cancel half a line. Nor all your tears wash out a word of it.'

Rumi (1048 – 1122AD)

One of the most popular of Persian writers, Rumi means 'the Roman', for he was born in a part of Khorasan, Persia, that once belonged to the Byzantine Empire. His father, a theologian, made sure Rumi received the best teaching available. Rumi became the head teacher of his school by 25. He decided to travel the known lands, and it was his chance meeting with the mystic *Shamse Tabrizi* that changed his life.

His two greatest writings *Divan e Shabz e Tabrizi* and *Masnavi* have been translated into almost every modern language known to man. His writings are laced with a unique Sufi philosophy and the concept of *tawhid*, a union with his beloved primal root from which he has been cut off and become aloof, as well as his longing and desire to restore it. He also wrote *Fihi ma Fihi*, *Majlese Saba*, and *Makatib*. Rumi is known as the most important and famous poet in the entire world.

Ferdowsi (1207 – 1273AD)

Ferdowsi is the author of the greatest epic poem in Iranian history, *Shahnameh* or *The Book of Kings*. Born in Tus, a province of Khorasan, Ferdowsi spent nearly 35 years completing the epic. The king at the time had promised to pay one *dinar* for every line written, which would amount to 60,000 *dinars*.

Other writers at the time became jealous of the greatness of Ferdowsi's work and made the king break his promise. Ferdowsi was paid a fraction of what he was promised. He wandered Iran, returning to Tus heartbroken by the broken promise. Upon Ferdowsi's death, the king realized the error of his ways and the greatness of the *Shahnameh*. He tried to pay Ferdowsi's daughter the promise he had made, but the daughter refused, instead offering to fix an inn known as the *Robat Chaheh*, which remains in ruin today.

The *Shahnameh* tells of 7,000 years of Iranian history, language, kings, knights, law, victories, and tragedies. It contains the proud lasting words, 'if there is no Iran, may my body be vanquished and in this land and nation no one remain alive, if everyone of us dies one by one, it is better than giving our country to the enemy.' Never before or never again will there be such an epic.

Saadi (1213 – 1292AD)

Saadi is one of the most affluent Persian writers, who not only wrote beautiful prose and poetry, but was also one of the first writers to influence society with his perspective on social thought. Born in Shiraz, and sent to the city of Baghdad (Iranian for 'God's Given Garden'), he became a world traveler, going to the farthest regions of Asia. But unlike other explorers, Saadi did not go looking for goods and adventure. He went to explore the poor and sick.

He returned to Shiraz later in life to complete his works *Bustan* ('Orchard') and *Gulistan* ('Rose Garden'). *Bustan* is written totally in verse and is made up of stories about virtues such as justice, liberality, modesty, and contentment. *Gulistan* is mainly prose and is made up of stories and personal anecdotes. Saadi has a profound awareness of the human existence and its humors and absurdities. A loveable writer because of his sometimes humorous delivery, Saadi wrote of the oneness of the human race. His works are studied in universities around the world.

Hafez (1320 – 1390AD)

The noted favorite of Persian writers is undoubtedly Hafez, whose *Divan* (*Ketabe Hafez*) is found in almost every Persian home regardless of religious and philosophical belief. The primary themes of his *ghazals* are love, wisdom, self awareness, and exposing hypocrisy in the world. No other writer has ever encompassed as many Persian values and morals in one writing.

He was born in Shiraz, and Iranian legend says he gained his name because he had memorized all the works of previous authors and more by heart by age 10. His writing is so amazing and so profound that the *Divan* is said to hold the truth to the world and is used in divination. If interpreted by the proper person, the *Divan* is said to tell the future or interpret a person's life as it is. Hafez is a common part of Persian tradition and holidays. The love of his work serves as a common factor for all Persians throughout the world. Many of his lines are addressed to himself in self-reflection. A lesson to us all, to self-reflect.

Here we have had a brief summary of Persian writers. We see history, love, forgiveness, acceptance, unity, and pride as a common moral of all their tales. Their stories are as timeless as Persian culture. Their writings serve as inspiration for writers all over the world 'til this day. I hope their writings are able to serve as inspiration to us all. If a picture is worth a thousand words and the right word worth a thousand pictures, then



Happiness on to those who bring happiness to others



My name is Sirouss Mobed. I was born in Tehran, Iran in 1960 and I am the youngest of three children. When I was 17 years old my parents Ardesheer and Mahine Zainabady decided to send me to the United States in order to further my education. I graduated from Worcester Academy in Worcester, Massachusetts. I earned a Bachelor's Degree in Science with Honors and a Masters degree in Education with a concentration in Counseling with Distinction

from Worcester State College in Worcester, Massachusetts.

I also earned a Master's degree in Science with Distinction and a Doctorate degree in Clinical Psychology with High Honors from Carlos Albizu University in Miami, Florida.

I have worked as an Associate Professor at Nova Southeastern University and Carlos Albizu University. I taught courses at college level such as Theories of Personality, Test and Test Measurements and Brain and Behavior. During my doctorate internship at Health South Sunrise Rehabilitation Hospital in Sunrise, Florida I learned how to take comatose patients out of comas and assisted spinal cord injury patients to walk.

I provided suicide and Crisis Intervention for the Switchboard of Miami and have saved lives. I worked at Florida Medical Center Hospital for five years and ran programs for patients with severe pain and also ran programs for patients who were mentally ill.

I also worked for five years at Locktowns Community Mental Health Center as an outpatient Coordinator running substance abuse programs, HIV programs, Domestic Violence Programs and Crisis Stabilization Units. I worked for three years at New Dawn Community Mental Health Center and provided staff supervision and cared for patients who were mentally ill.

I worked at Wackenhut a Senior Psychologist and trained staff in Suicide and Crisis Intervention. For the past five years I have worked as a Senior Psychologist for the State of Florida and I am in charge of the Psychology Department which serves 1,150 severely mentally ill patients. I published a book on the acculturation process of Iranian American which is the Library of Congress. The highlight of my career has been being able to save hundreds of lives and having the honor and privilege of taking my own mother out of a coma after she suffered a head injury from an accident. I also helped over 600 Iranian families in Iran who suffered from mental illness for free.

I am happily married to my wife, Kathleen, for the past 25 years and have one son, Ariya who is 15 years old. I am proud to call myself a Zoroastrian.

Iran to hold ancient harp concert

A group of Iranian musicians, led by Abdolali Baqerinejad, is slated to hold a series of concerts using replicas of various ancient Persian harps. The group will introduce and play Sassanid and Elamite harps, as well as a 13th-century harp.



The concert will also provide participants with basic information on the history of the Persian Chang, a musical instrument similar to the harp.

Baqerinejad has created the instruments, using ancient pictures and manuscripts about the design of the Chang. One of the harps designed by Baqerinejad was made based on a 6,000-year-old instrument, believed by some experts to be the world's first string instrument. The Chang was a popular instrument in ancient Persia and a recurring theme in many of the country's miniatures and manuscripts.

The concerts will be held from March 11 to 13, 2009, in the Iranian city of Karaj, near the capital of Tehran.

Source: Pars News

Appeal for a nine-year-old girl

Keeping in view the mail below, it would be wonderful if you could kindly help this little nine-year-old Parsi girl from Oman who is very sick and requires treatment abroad. You can help her parents out in any way, according to your means. Rather than giving cash, the WZO, or Zoroastrian organizations in UK, USA or Hong Kong, could plan this out and arrange treatment so that a Zoroastrian life may be saved.

This is a plea for help or donations from a Zoroastrian in need in Muscat - Farrokh Dubash, whose daughter Nazneen is suffering from PH, pulmonary hypertension. Please pass this on to other Zoroastrians around the world.

See the request from Nazneen's parents below.

This is to let you know that our only daughter, Nazneen Dubash, aged nine, is suffering from PH, or pulmonary hypertension. It is a syndrome in which the lung arteries are constricted and the heart overstrains to pump blood into the lungs. This causes a continuous strain on the heart, leading to possible failure over the years. The normal pressure in any individual is 25, but in Nazneen's case it is as high as 56, which will further increase in the next few years, and can be fatal.

Doctors in Mumbai have said that most PH patients rarely cross three or four decades of life, as there is no cure for PH. The only other option is a lung transplant. Only 45 percent of lung transplant patients survive beyond five years. This option is given to patients who do not respond to medication and whose condition is worsening rapidly. Though Nazneen does not fall into this high-risk category now, her condition will gradually move towards it. She needs to be kept on medicines for the rest of her life. Some of the latest and newest medications are not available in India. Also these medicines need proper testing for compatibility and response, which is not done in India. The USA and the UK are the two places that have proper facilities to start initiating and managing these programs under PH specialists.

The medication she has currently been prescribed by her cardiologist here are Sildenafil and Bosentan. The latter is not available in India, but it is mandatory for her treatment.

Nazneen needs to be taken to the USA (Chicago) every six months for her regular medical interventions, to check how she is responding to the medicines, how many side-effects and damages have been caused to her liver and kidneys. Also these American centers decide whether the patient needs a transplant, and how soon. The current waiting list is four to five years, and these transplants are done only in the USA and the UK. We Farrokh and Khushnum Dubash request your help in arranging treatment in the USA, as much as you can to save our child.

farokdubash@radiffmail.com

Mobile: 0096895218689

Phone: 0096892588910 (Muscat)

Dara Patel

Phone: 24499041 (Mumbai)

Mobile: 00919821318797 (Mumbai)

سفری فراموش نشدنی به صحنه تاریخ تمدنها، اعتبار تورهایی سیروس تراول است

بزرگترین آژانس مسافرتی ایرانی در سراسر آمریکا با نزدیک به نیم قرن سابقه خدمت

بزرگترین عمده فروش بلیطهای مسافرتی به ایران، خاورمیانه و اروپا

سفری برای آگاهی از آخرین نزهت‌های استثنایی سیروس تراول و همچنین برنامه تورهایی سیروس تراول

با آدرس وب سایت ما تماس بگیرید

www.cyrustravel.com

سیروس تراول

CYRUS TRAVEL

سیروس تراول در ۵ شعبه

پوس انجلس

9454 Wilshire Boulevard
Beverly Hills, CA 90212
Tel.: (310) 888-8810
Fax: (310) 888-8812
1-800-992-9787

ایرلین

17870 Skypark Circle, #250
Irvine, CA 92614
Tel.: (949) 221-8111
Fax: (949) 221-8243
1-866-442-9787

سن جوزه

1190 S. Bascom Ave., #134
San Jose, CA 95128
Tel.: (408) 993-1922
Fax: (408) 993-1926
1-800-332-9787

سانفرانسیسکو

90 New Montgomery St., #201
San Francisco, CA 94105
Tel.: (415) 398-6111
Fax: (415) 398-3686
1-800-882-9787

واشنگتن

8245 Boone Blvd., #130
Vienna, VA 22182
Tel.: (703) 903-0400
Fax: (703) 903-0440
1-800-558-8770

CST #2007703-40

Email: info@cyrustravel.com

Spenta University

By Nasrin Ordibeheshti

The article about Spenta University in a recent Zoroastrian Journal caught my attention. It raised my interest in learning about the Zoroastrian Academic & Research Center. Following initial research, I contacted the President of Spenta University, Mr. Omid Mino-Sepehr and asked him my questions.

When and where was Spenta University established?

Around 3700 years ago, Ashu Zarathushtra founded the first school to teach and promote his message. Seventeen years ago, in January 1992, Spenta followed in his footsteps and founded Spenta University in Los Angeles.

Where is Spenta University located?

Spenta is officially located in Los Angeles, California. We have our administrative wing in Pune, India. Of course, students can study online from anywhere in the world. We are also working towards building the first ever education and research center for promoting Ashu Zarathushtra's message, where all his followers can easily come, study, and conduct research. Those who wish to be part of this historical move can join us by contacting our office. Please note, these are the only two locations that we have.

What was the notion behind establishing a Zoroastrian religion university? Was there sufficient need for it?

Having the best university for our Zoroastrian society goes far beyond the supply and demand curve analysis. A society that has always advocated 'good mind' and 'progressive mentality', and believes in Ashem Vohu, must have the best university in the world.

Where is the funding coming from?

Spenta University is supported through Spenta's ventures, contributions of a foundation, our staff contributions, and the Samaritan spirit of our staff, faculty and volunteers.

Are any scholarships offered?

Yes, we have scholarships and work study programs for anyone who is genuinely interested in learning all about the message of Ashu Zarathushtra and our Zoroastrian culture. Also, whoever is interested in sponsoring a scholarship in the name of their family or in the name of their beloved can contact us.

What subjects are taught in SU, and what degrees are offered? What kind of positions will the graduates be filling?

I am proud to say that Spenta University is the only university in the world that has dedicated all its resources and efforts to teaching the message of Ashu Zarathushtra. Spenta provides the following benefits to our Zoroastrian community:

- For you, fellow Zoroastrians, who want to tell your American friends about your religion, Spenta can teach you, answer your questions, or arrange a speaker for your organizational meetings.

- For children and those who wish to do their Sedreh Poushi, we have prepared an educational multimedia CD which, through animation, games and stories, teaches the process and concept of Sadreh Poushi.

- For high and junior high school students, Spenta can help you with class papers or projects on Zoroastrian religion and related topics.

- For college students, you can take your elective social studies course in Zoroastrian religion; get a minor or a second degree in Zoroastrian religion; or obtain a certificate in Zoroastrian religion. Also we can help you with your term papers and answer your questions on Zoroastrian religion, Persian culture, or other related topics.

- For those of you who wish to become professors or researchers or lead our community into the 21st century, we offer you our best - our doctorate degree.

- For researchers and scholars, we offer student assistants, networking opportunities with other researchers, help with publication and sales of research work, and marketing and promotion of work.

I would like to emphasize that all these programs are provided online, at your convenience and at your pace.

I would like to take this opportunity to clarify that Spenta University has granted one doctorate degree so far, to Dr Mahmood Khalighi, which we have reported to State of California.

My last word...

Spenta University is the education arm of the Zoroastrian Society, and we are here to serve you to the best of our ability. In other words, Spenta belongs to you, my fellow Zoroastrians. So please step forward with your good mind as professors, researchers, students, advisors, supporter and friends, and help us to transform Spenta into the best university in the world - a renowned university that Ashu Zarathushtra and we, the followers, really deserve.

Spenta welcomes you with open arms.

At the end I thank Mr. Mino-Sepehr for all the good news and information he gave us about

**GOOD THOUGHTS
GOOD WORDS
GOOD DEEDS**

**Become an expert in
Zoroastrian Religion**

**Earn your doctorate degree
in Zoroastrian Studies**

Spenta University

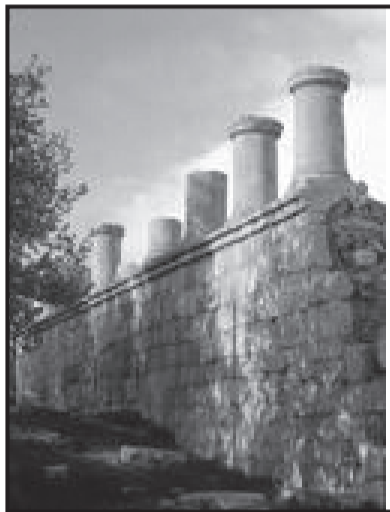
www.spenta.edu



Spenta University

Anahita remains immaculate in Iran

By Ashkan Khosrowpour



'When Anahita mixed with non-Iranian cultures, Anahita was lowered to a very low level of conduct outside Iran, while in Iran we have not mixed Anahita with superstitions.'

In the monthly gathering of the Great Iran Club, held in the Rasaneh Cultural Centre, Dr Javad Choupanian, in addition to the above statement, pointed out some sections of the Avesta where Anahita is described and said, 'In Iranian scripts, Anahita, the Goddess of Water, is a lady with a golden crown and shoes, riding four horses, a beautiful and slim lady. This is how Iranians looked upon their goddess, a spiritual view.'

Choupanian was of the opinion that worshipping Anahita, during the period after the prophecy of Zarathushtra, was not inconsistent with worshipping Ahura Mazda, the only God. Western Iranologists think that the religion of Zarathushtra is the

same as Mithraism, while there is evidence that, according to Zarathushtra, worshipping Mitra and other Gods has nothing to do with worshipping Ahura Mazda.

Choupanian believes that Zarathushtra's insight is a unique insight, by which he believes that Ahura Mazda (the wise and the creator) is of the highest level of power, and his power is shown in 'good thoughts', 'peace', 'wisdom', and 'eternity'. He knows God to be one and so has downgraded all other gods and goddesses.

Choupanian pointed out the return of some groups of Iranians to the past customs, after Zarathushtra, and said, 'If we note that Mehr and Anahita have been worshiped in the era after Zarathushtra, all these worships and beliefs have led towards the worship of Ahura Mazda.'

Translation by Rowshan Lohrasbpour

Source: Amordad News

The fire at Ray Fire Temple lit by Zoroastrian youth

Zoroastrian youth, in a symbolic gesture, relit the fire at the historical Ray Fire Temple near Tehran, after about 1400 years.



Bahram Yazdani, who initiated this event, explained, 'The Ray Fire Temple, called Tappeh Meel, remains from the Sassanian era, and it may be the oldest fire temple in existence. This ancient structure remains from the ruins of the great Ray Fire Temple, one of the most important fire temples of the pre-Islamic era, and as indicated in the Tabari history, there was no fire temple older than this. The ceremony included Jashan khani by Mobed Sohrab Hengami, who offered prayers for the health of all Iranians.'

Yazdani pointed out that the aim of these young Zoroastrians was to acquaint our fellow countrymen with this forgotten and ancient fire temple, and draw the attention of the authorities to this ancient memorial.

The fire temple building was destroyed during Alexander's invasion of Iran and, from this quadri-

valent structure, only two minars (meel) remained. This is the reason why the remains of the fire temple, built on a hill, are famous as the Meel Hill (Tappeh Meel).

The building is constructed of stone, brick, raw brick and plaster made of lime and ash. At present only two arches remain of the main entrance to the building, leading to a narrow corridor. Tappeh Meel is situated on a high hill in the Ghaleh No village, 12 kilometers southeast of the Abdolazim mosque, in the Ray district.

The quadri-valent structure of the fire temple had four corridors, from which the fire was protected from water, earth and wind, when moving it. Tappeh Meel is registered as a national historical site from the Sassanian era.

Translation by Rowshan Lohrasbpour

God: Neglecting logical belief?

By Roya Behmardian

The strengths of my religion caused me to question the legitimacy of God. I wanted to believe in God, but it was irrational to do so. I thought Zoroastrian was the religion that made sense, and wasn't willing to accept the fact that God is logical; that Zartoshtis believe God to be real. I was stubborn. My mind was so tainted with the ethical, it-makes-sense features of Zoroastrianism, that anything but rational and the law of asha didn't seem right; it didn't make sense to me. How could I believe in something that had no substantial evidence? Was I leaning towards atheism? These were both questions I pondered over.

I was stuck in that mindset for a quite a while. Until I decided to eavesdrop during class one day. A group of people I didn't know were discussing religion. One girl, who seemed to have thought exactly what I believed, kept questioning the stories of the Bible, saying that its context was impossible. In retaliation, an informed Christian said something that changed my perception of God. She said that faith equals believing in the impossible, that religion and irrationality are interchangeable. She believed in the illogical, and was completely aware of it. Her confidence in Christianity made me think, 'Why can't I have confidence in every aspect of Zoroastrian beliefs?' If she can justify the Bible by saying faith = believing in the impossible, then why can't I say that Zoroastrianism is one of the exceptions to her claim? Why can't I justify the 'it-makes-sense' feature of Zoroastrianism by including Ahura Mazda under the umbrella of 'rational'? I realized that since Zartoshtis believed in God, God had to make sense. And after much reflection, I finally understood why.

We do believe in a higher power, a wise creator. But the very fact that we don't specify the existence of God is rational. We don't know what/who God is... exactly. The question I posed earlier - both in my life and in this article - about believing in something without substantial evidence is wrong. Our very existence is evidence. Whether the creation of it was done scientifically or in any other fashion is a mystery, its God. I respect those who believe in intricate stories relating to God's heroism and family history, but I do not agree with them. Though both I and they believe in something grand.

Both Zoroastrians and all other monotheistic followers trust that we're here because something or maybe even someone happened. The only difference is our reasoning makes sense. It makes sense because it's humble enough to accept that the unknown is really the unknown. It makes sense because it provides a reason for existence (although simple and broad). It makes sense because logic is what our entire religion is based on. I had doubts in the beginning, because I didn't consider that just maybe what Zoroastrians see as God is logical.

Jehangir Sabavala



Born 1922, in India.

The Academie Julian, Paris (1953-54)
The Academie Julian & Academie Andre Lhote, Paris (1953-54)
The Heatherly School of Art, London (1945-47)
The Academie de la Grande Chaumiere, Paris (1957)
Sir J.J. School of Art, Mumbai (1942-44)
Elphinstone College, University of Mumbai (1939-41)

The artist lives and works in Mumbai. There was a solo exhibition of a Parsi Zarathushti, Jehangir Sabavala's paintings at the Ricorso Aicon Gallery in New York, from January 15 through February 8, 2009. A movie on his life as a pioneer artist of India, who was awarded the Padma Bhushan award, was also shown. Mr Sabavala is the grandson of Sir Cowasjee.

FOREVER PERSIAN GULF

Iran creates world's largest sand carpet on the shores of Persian Gulf

Iranian artists have created the world's largest sand carpet, using colorful sand found on the country's southern island of Hormuz (named after the Iranian God Ahura Mazda). Some 25 visual artists used 70 types of colorful sand to create the 'Persian Gulf' sand carpet, which was displayed on the island from December 9 to 17, 2008. The 12,000-square-meter carpet is unique in magnitude, pattern and color, and its title which shares the name of the forever Persian Gulf.



The previous sand carpet record belonged to a 900-square-meter one created on the Canary Islands in the North Atlantic Ocean.



Known for its beautiful red soil, Hormuz Island has witnessed numerous artistic events, including Iran's 15th Environmental Art Festival.

Source: Press TV
Photos: Abolfath Davari, ISNA

Zoroastrian Youth of North America
IN ASSOCIATION WITH FEZANA
Presents
The 12th North American Zoroastrian Youth Congress

Generation Z

It's Up to Us to Lead the Way...

*Good Thoughts Good Words
Good Deeds*

Youth Speakers and Workshops!
Special Entertainment, Dinner & Dance on July 1 & July 4!
Day trip to San Francisco!

July 1 - 5, 2009 in Fremont, California
ALL INCLUSIVE REGISTRATION!
\$250 Feb 15 - April 15
\$300 April 16 - June 15
\$350 June 16 onwards
\$400 on site

Fremont Marriot \$64/per night + taxes (up to 4 guests) until June 1.
Hotel Reservation (800) 228-9290 or (510) 413 3700 (ZYNA)
For more Information- (630) 468-2705 or admin@fezana.org